

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۳۲ صفحه

۹۱

پیکار

کارگران، زحمتکشان، توده‌های مبارز!
سالگرد قیام خونین ۲۲ بهمن را
زیر پرچم سرخ کمونیستها
هر چه باشکوهرتر برگزار کنیم

سال دوم - دوشنبه ۶ بهمن ۱۳۵۹ بهار ۳۰ ریال

حقیقت و واقعۀ سفارت را چه کسی به توده‌ها گفت؟

صفحه ۹

پیام عجز پیام آیت الله خمینی:

کوس رسوائی خلخالی در فضای جمهوری اسلامی بصدا در آید!

صفحه ۲۴



یاد رفیق
پیشمرگه
پیکارگر شهید
صادق بهمنی گرامی باد

صفحه ۵

ساعتی پس از پایان گرفتن سناریوی عوام‌فریبانه "گروگان-کمبری" جاسوسان امریکائی، پیام مهمی از سوی آیت الله خمینی خطاب به مردم، ارتش و نیروهای مسلح ما در گردید. اهمیت این پیام تنها در مضمون آن بلکه همچنین در شرایط و لحظاتی است که این پیام ما در می‌شود. صدور این پیام اندکی پس از خروج گروگانهای امریکائی از ایران و در شرایطی صورت می‌گیرد که رژیم جمهوری اسلامی را امواجی از بحران اقتصادی و سیاسی فرا گرفته و بیش از هر موقع دیگر عجز و درماندگی خود را از برآوردن خواسته‌های اساسی توده‌ها به اثبات رسانده است. این پیام در شرایطی از سوی خمینی ما در می‌شود که تمام پیش‌مضک و عوام‌فریبانه "فدا مبریا - لیست بودن" رژیم جمهوری اسلامی به پایان رسیده و خمینی و رژیم حاکم، در نگرانی و وحشت از افزایش نا رضایتی عمومی، اوج گیری مبارزات توده‌ای و سر - نوشتن حیات سیاسی خود هستند. این پیام که بیانگر ترس و وحشت رژیم از شدت بایستی مبارزه طبقاتی و اوگیری جنبش توده‌ای است و بخش اول آن دستورالعملی است برای ارتش و سپاه پاسداران جهت سرکوب هر چه بیشتر جنبش توده‌ای و نیروهای بقیه در صفحه ۲

دو سیاست روبرویونیستها در قبال مجاهدین: در پیوزگی چاپلوسی و کینه‌توزی

صفحه ۱۱

نگاهی به تجارب یکسال ونیمه کانون شوراهای کارگری شرق تهران

صفحه ۴

در صفحات دیگر این شماره:

- من میهمان پیشمرگه‌ها بودم صفحه ۵
- فساد و فحشا در سپاه پاسداران نوشهر صفحه ۱۵
- "خط سوم": خطی بدنبال ارتجاع حاکم! صفحه ۱۳
- بیانیه گروه انقلابیون مارکسیست-لنینیست (پیکار خلق) صفحه ۲۵

کیفرخواست انقلاب علیه ضد انقلاب

در این شماره:

هاشمی رفسنجانی - دکتر یزدی

صفحه ۱۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه اول سرمقاله ...

انقلابی، اما نکته اساسی وجوه اصلی این پیام که دقیقاً نظارت بر شرایط و موقعیت سیاسی حاکم بر جامعه دارد عیار رتست از برخورد کاملاً عاقلانه و ملتسمانه‌خیمینی و رژیم حاکم از نیروهای انقلابی و اتحادیست عقب نشینی آشکار از موضع تنها جمی گذشته! خمینی در قسمتی از پیام خود میگوید:

"این جانب به حسب وظیفه اسلامی و اخلاسی به گروه‌های داخل کشور اعم از تهران و کردستان و سایر نواحی ایران در هر نقطه که هستند پدران و نوه می‌کنم که به آغوش اسلام و ملت مسلمانی برگردید و سلاح‌های خود را کنار گذاشته با برادران و خواهران خود آشتی کنید. در این صورت این - جانب به همه آنان تا مین میدهم که ما دامی که با صلح و صفا به کشور خودتان خدمت کنید و به جمهوری اسلامی وفا دار باشید هیچکس مزاحمتنا نخواهد شد. هر چیز بهتر از این است که در محیط صلح و صفا بر قشرهای ملت دربار سازی کشور عزیزمان که در اشرف حکومت سالهای طولانی رژیم منحط پهلوی (رژیم جمهوری اسلامی چطور؟ - پیکار) به خرابی کشیده است با کار و کوشش اقدامات بنام پند و جته تا سف‌آ و راست... گروه‌های با زی خورده تحت تاثیر بعضی منحرفین واقع شده و کار شکنی کنند... چه بهتر از امروز که درهای رحمت‌نارند بزرگ بر روی شما باز است. (که تنها دو نمونه آن محاصره اقتصاد کردستان و جلوگیری از ورود مواد غذایی به شهرها و کشتار و قتل عام زنان، کودکان و پسر مردان روستاهای کردستان نظیر قلاتان، ایندرفاش و... میباشند - پیکار) بصوف فترده ملت بی‌بوندید و در پناه اسلام آسوده خاطر بزنند؟ شرافتمندان خود را مدهید." (کیهان اول بهمن ۵۹).

هر کس اندک توجهی به نکات بالا بنماید، بخوبی درمی‌یابد که خمینی و رژیم جمهوری اسلامی تا چه حد در برابر بحران اقتصاد و سیاسی جامعه و فشار جنبش توده‌ای و تشادهای درونی هیات حاکمه دچار ضعف و استیصال هستند، تا آنجا که به گروه‌های انقلابی "پدران" توصیه میکنند سلاح‌های خود را کنار گذاشته و با رژیم جمهوری اسلامی کنار بیایند! از زمان قیام مبدینسو در کنار سیاست عمومی سرکوب، رژیم جمهوری اسلامی تنها یکبار دیگر و آنهم پس از شکست مفتضحانه ارتش و سپاه ساداران در جریان جنگ اول کردستان، به چنین شکلی در برابر فشار جنبش توده‌ای از خود عاجز و درماندگی نشان میدهد. رژیم جمهوری اسلامی که در طول این دو سال، هرگونه مقاومت و حرکت انقلابی را در تمامی نقاط ایران بشدت سرکوب کرده است، هم‌اکنون که بیش از هر زمان دیگر در برابر رضایتی عمومی و مبارزات و جگر برنده توده‌ها قرار گرفته

سخن از "صلح و صفا" و "رندگی" شرافتمندان" می‌گوید و خواهان باز شدن درهای اصطلاح رحمت بر روی گروه‌های انقلابی می‌گردد!

در اینک شما می‌اس جمله پردازیها از سوی آیت‌الله خمینی در نوعی بیش نیست و ضمیر دا مولکس رژیم جمهوری اسلامی همچنان بر سر نوده‌های زحمتکش ما آویخته خواهد ماند، کوچکترین تردیدی نمیشود دست و پا بر سر کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم ما بپوست و گوشت خود در طول این دو سال لمس کرده - اندو ما بر نکات مندرج در همین پیام اخیر خمینی نیز آنجا که با هند را و خطا ریه توده‌ها از آنان می‌خواهد که دست از با خطا نکنند و از ارتش و سپاه ساداران را بر سر وقتشان خواهد فرستاد، جلگی در تا شید همین مساله است. اما هما نظور که آثار کردیم، نکته برجسته این پیام نه تا کیدوری مساله سرکوب، بلکه بر روی جنبه عوا مفریبا نه صلح و شازش و اصطلاح کنار آمدن با رژیم جمهوری اسلامی است. و این نیست مگر در نتیجه اعتلا انقلابی جنبش توده‌ها و ضعف و ناتوانی و عدم امکان رژیم به تثبیت قدرت خود و سرکوب متمرکز جنبش توده‌ای.

ما در گذشته و سوزده در هفته‌های اخیر از این مساله سخن گفتیم و با تحلیل از شرایط جامعه وضعیت قدرت سیاسی و سطح جنبش توده‌ای، توضیح دادیم که این جنبش توده‌ای در متنی از اعتلا انقلابی بر میسرود و هر روز که میگذرد توده‌های وسیعی از کارگران و زحمتکشان و توده‌های خلق ما با فرو ریختن توهمان نسبت به رژیم جمهوری اسلامی، از آن کنده میشوند و این بنوبه خود رشد و گسترش با زهم بیشتر جنبش توده‌ای را از یکسو و ضعف و ناتوانی رژیم را از سوی دیگر بدنشال خواهد داشت. هم‌اکنون پیام اول دیماه خمینی و آنچه که در بالا از آن یاد کردیم، مهر نا شیدی است بر صحت نظرات گذشته ما و تا کید مجددی است بر ناتوانی و درماندگی رژیم جمهوری اسلامی از دستیابی به تمرکز قدرت سیاسی و امکان سرکوب متمرکز و همه‌جانبه جنبش توده‌ای.

پیام اخیر خمینی در عین حال و علیرغم تمام رجز خوانیها و دستورالعملها بیش به ارتش و سپاه ساداران دربار سرکوب جنبش توده‌ای و انقلابی، حقانیت تا کتیک تعرضی ما را نیز در عرصه‌های مختلف جنبش نشان داد و ثابت نمود که در شرایط اعتلا انقلابی هرگونه حرکت تعرضی و تنها جمی، همانند آنچه در اول اردیبهشت و ۲۳ دیماه در ارتباط با مسئله دانشکا و جنبش انقلابی دانشجویی صورت گرفت دشمن را یک گام به عقب رانده و متقابلاً جنبش توده‌ای و انقلابی را با اثبات بیشتری به پیش میراند.

سازمان ما با حرکت از تحلیل فوق و با

اعتقاد کامل به ضرورت در پیش گرفتن تا کتیک تعرضی و با درس آموزی از تجارب را هیما شی ۲۳ دیماه، بر آن است تا بهمه دیگر نیروهای کمونیستی، دو مین با لکرد قیام را با بر کسزاری نظارات و راهیما شی در تهران و شهریتنا نها هر چه با شکوهرت بر کسزاری کند. این را هیما شی نسبت قدرت صف نیروهای کمونیستی در برابر صف ارتجاع و تمام نیروهای رویزیونیستی و ضد انقلابی و مشت محکمی است بر دهان باوه - کویان و رویزیونیستهای رنگارنگ توده‌ای، اکثریتی و سه‌جانبی و گامی است در جهت مطرح ساختن آلترا تا یوکمونیستی و خط سارخ پرولتاریائی.

کارگران، زحمتکشان، توده‌های مبارز! سالگرد قیام خونین ۲۲ بهمن را زیر پرچم سرخ کمونیستها هر چه با شکوهرت بر کسزاری کنیم.

ملاقات مجدد "اکثریتی" های خائن با "سختگوی دولت"

در ماه گذشته، فرخ نگهدار و علی کشتگر از سرکردگان رویزیونیستهای مرتد "اکثریت" در ادامه آستانوشی شان در "بارگاه" رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برای اثبات چا کریشان نسبت به جناح ارتجاعی "حزب جمهوری اسلامی" و مذاکره در مورد "ما موریتها" احتمالاً (؟) در منزل بهزاد نبوی سختگوی دولت رجائی مرتجع بعدت چندین ساعت با وی ملاقات میکنند رویزیونیستها از جمله با گدائی از ارتجاع قصد در یافتن اجازه فعالیت سیاسی "قانونی" را دارند و از قرار معلوم برای انتشار نشریه‌ها

علنی با رژیم به توافقاتی رسیده‌اند. بهزاد نبوی از "اکثریتی" های خائن برنامه اقتصاددی خواسته و رویزیونیستهای "اکثریت" ضمن پیشتها دبرنا مه‌شان خواهان اجرای طرح ۶ ماده‌ای در کردستان (منظور طرح ۶ ماده‌ای خائنه مشترک با حزب دمکرات برای زیرباف گداشتن منافع خلق کرد میباشند). (گردیده اند که نبوی مرتجع پاسخ داده تا قطع وقمع "کامیل گروهها" (بخوانید خلق قهرمان کردوسا زمانهای انقلابیش) هیچ طرح و برنامه‌ای در آنجا اجرا نخواهد شد (زهی خیال باطل!)

رویزیونیستهای مرتد "اکثریت" خیلی زود تجارب ارتجاعی "حزب توده" را در خیانت به منافع زحمتکشان و انقلاب توده‌ها یاد گرفته و بکار می‌پسندند. آنان دشمنان قسم خورده خلقهای زحمتکش هستند و با بدافشا و طرد گردند.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



اخبار کوتاه کارگری

بابلسر:

روز ۵۹/۱۰/۱۵ کارگران کا رخا نه فیبر با بلسر برای دریافت مساعده خود اجتماع کردند.

کا رخا نه طبق معمول جنگ را بهانه کرده و از ترسیدن مواد اولیه صحبت میکند. کارگران که فشا روزها فزون مخرج کمترکن زندگی آنها را بسته آورده بود، فریب او را نخورده و مصرا نه حق خود را طلب کرده و کارفرما را تهدید نمودند که اگر مساعده شان را ندهد در کا رخا نه خوا هندا ندوا جا زه خروج به او راهم نخوا هندا د. با لافزه کا رخا نه فرما مجبور میشود ۳۵ هزار تومان بودجه "دادگاه انقلاب" را به کارگران بابت مساعده بپردازد. لازم به تذکر است که از چند ماه پیش که مدیر خصوصی کا رخا نه اخراج می شود، مدیریت آن بدست "دادگاه انقلاب" می افتد، که بعلت بی توجهی اینها کا رخا نه در استانه تعطیلی قرار میگیرد و حتی در تاریخ ۱۰/۱ / کا رخا نه عملا تعطیل میشود. اما مبارزه کارگران برای نجات از بیکار شدن و دریافت حقوق و مزایا نشان که کمکان ادا مده دارد، تا کنون مانع تعطیلی کا رخا نه گردیده است.

کنسرو سازی قانگ شهر:

اخیرا مدیر عامل کا رخا نه مطرح کرده است که چون در گذشته بکارگران داشمی، زیادی سود داده اند، در ماه جاری (دی ماه) تعدادی از حقوقشان کم کنند. بطوریکه از حقوق بعضی از کارگران تا ۳۰۰۰ تومان کسر میشود. این گفته موجب اعتراض کارگران میشود. آنها از مدیر عامل میخواستند که در جلسه عمومی برای ایشان توضیح دهد ولی مدیر عامل از ترس کارگران به بهانه بیماری تا کنون از این عمل خودداری نموده است. کارگران هم نما بنده ای به تهران فرستاده اند تا در این مورد تحقیق کند.

دارو پخش تهران:

فشار شدید کارگران بر کارخان شیشه شوی این کا رخا نه موجب گردیده بود که قسمت بسه بندی عقب بیافند. این امر موجب گردید که مدیر تولید کا رخا نه اقدام به اخراج ۴ تن از کارگران زحمتکش شیشه شوی بنما بد. اما سایر کارگران با حمایت قاطع از برادران خود، گوشه ای از قدرت عظیم طبقه کارگر را به نمایش گذاشته و مدیران را در عقب نشینی میکنند. (بنتقل از "بیک داورس" نشریه کارگران تولیدارو، عبیدی، شیمیکو، دوبا، رای وی آی و...)

کارخانه بایر: چگونه رویزونیستهای اکثریت مبارزات کارگران را به سازش میکشاند؟

در دونوبت هربا ریکما دستمزد کارگران تصمیم میگیرند بعنوان اعتراض از گرفتن این مبلغ خودداری نمایند. اما کارفرما که از طریق عواملش از این تصمیم کارگران با خبر میشود بقیه در صفحه ۸

کارگران کا رخا نه با برخواهان دریافت ۴ ماه سود ویژه هستند. اما مدیر دولتی کا رخا نه با توسل به قوانین ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی، عنوان میکند که فقط ۲ ماه دستمزد بعنوان پاداش به کارگران خواهد داد تا نیم

کم کردن حقوق کارگران به بهانه جنگ و مبارزه کارگران

● زیرآب:

میخواهند که حقوقشان را طلب نکنند. اما کارگران مبارزه موقع به افشای آنها و عوامل فریبی های رژیم پرداخته میگویند: در جنگ فرزندان ما کارگران و زحمتکشان کشته میشوند و مخرج جنگ را ما می پردازیم در حالیکه سرما به داران نه کشته میشوند و نه از سودشان کم میشود ما دیگر فریب این حرفها را نمیخوریم!

کارگران اعلام میکنند که اگر خواستهایشان را نپذیرند اعتماد نخواهند کرد. خواسته های کارگران عبارت بودند از: پرداخت ۱۲۰۰ تومان اجرای طرح طبقه بندی مشاغل به سود کارگران، گرفتن ۷۲ ساعت اضافه کاری و گرفتن حقوق دوروز برای پنجشنبه ها

مهندسین رژیم که هشیاری و اتحاد کارگران را می بینند اظهار میکنند که کارهای نیستند. بنا بر این چندتن از نمایندگان کارگران به همراه این چهارتن به تهران می آیند و سرانجام موفق میشوند دولت را وادار به عقب نشینی نماید. ولی بعد از مدتی مدیر عامل مسئله حقوق دوروز در پنجشنبه ها را نمی پذیرد. اما کارگران همچنان یکپارچه روی خواست خود با فشار می کنند و مبارزه شان کمکان ادا مده دارد.

در آغاز جنگ رژیم توانست با سوء استفاده از توهمات کارگران در عرض ۲۴ ساعت ۱۶ تن خوا روبا رومیلخ ۱۲۰۰۰۰۰ تومان پول به نام کمک به آوارگان جنگ (ش) از کارگران جمع آوری کند. دوما بعد هم صندوقی برای کمک به جنگ زدگان گذاشتند که با زهر کارگر میلیونی در آن ریختند. اخیرا به بهانه جنگ اعلام کرده اند که دولت بودجه ندارد و بنا بر این از این به بعد مبلغ ۱۲۰۰ تومان از حقوق کارگران کم میشود. کارگران که کمکیهای مذکور را از روی نوع دوستی میدادند و فکر میکردند که بدست هموطنان جنگ زده شان خواهد رسید، اینبار متوجه سو استفاده دولت از احساسات نوع دوستانه شان شده و دهان به اعتراض گشودند. آنها همگی جمع شده و به رئیس معدن میگویند: اگر تا ۲۴ ساعت وضع ما را روشن نکنی در معدن را بسته و مانع ورود تو و همکارانت به معدن می شویم. رئیس معدن که با خشم و یکپارچگی کارگران مواجه می شود از آنها سه روز مهلت میخواهد. بعد از سه روز چهار مهندس از تهران می آیند (که یک نفرشان رئیس معدن کرمان میباشند که بعلت اعمال ضد کارگریش مورد حمله کارگران کرمان قرار گرفت و در این جریان محافظش کشته میشود. بعدا به تهران می آید و معاون مدیر عامل ذوب آهن ایران میشود!) این چهار نفر هم نظور که انتظار میرفت با صحبت از جنگ وضع بد مملکت و... از کارگران

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

دریپهای جنبش کارگری



وا بسته را بعهده میگیرد، رشد مبارزات کارگری را در مقابل منافع خود دیده و به انواع طرق در مدد سرکوب و به انحراف کشاندن آن برمیاید. حمله به تجمعات و راهپیماییهای کارگران بیکار و شاغل و دستگیری و کشتن آنان از یکسوی و آمدن زدن به تبلیغات عوام فریبانه مبنی بر "تهد انقلابی" خواندن کارگران مبارز و نیروهای کمونیست و انقلابی از سوی دیگر، از جمله اعمال سرکوبگرانه و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی بود که در کنار سرکوب سایر توده های انقلابی صورت میگرفت.

مع ذلک کارگران به مبارزات خود ادامه داده و در زمینه ایجاد تشکیلات کارگری گامهای قابل توجهی برداشتند، که علیرغم ضعفها و نارسائیها نشان، تجاربی گرانها برای طبقه کارگر ایران به حساب میآیند. از جمله این تشکیلات، میتوان از "کانون شوراهای متحد"، سندیکای کارگران پروژه ای آبپادان، تشکیلات "خانه کارگر" و "کانون شورا های شرق تهران"، نام برد که بررسی چگونگی روند تشکیل هر یک و نقاط ضعف و قوت آنان بسیار لازم و بایست است. ما در اینجا سعی میکنیم به بررسی تجارب "کانون شورا های شرق" بپردازیم:

کانون شوراها چیست و زمینه پیدایش آن کدامند؟

بعد از قیام موروی کارآمدن رژیم جمهوری اسلامی، که کماکان ماهیتی سرمایه دارانه داشت بعزت و جاه و مهران اقتصاد جاسمعه، علیرغم توهم توده ها نسبت به رژیم که منجر به افت نسبی مبارزاتشان گردید، مبارزات کارگران در اشکال مختلف ادامه یافت (اخراج کارفرمایان و بدست گرفتن کنترل بخشی از کارخانجات توسط کارگران، تظاهرات کارگران بیکار و...) ولی رفته رفته این نمونه ها نیز مورد سرکوب قرار میگرفت و ضرورت اشکال نوین مبارزاتی و تغییر تشکیلات کارگران بوجود آمده به همین دلیل سندیکاها بی وجود آمدن نام "شورا" بر روی آنها بود. اما آنجا که این شوراها از دل مبارزات انقلابی توده ها برخاسته بودند عناصر مبارز و انقلابی را در خود جمع کرده بودند و لذا رژیم پاسدار سرمایه داری وابسته در صدد سرکوبی آنها و جایگزینی تشکیلات دست نشانده خود بجای آنها برآمد. بنا براین با تصویب قوانین ضد کارگری از یکسوی و سرکوبی ارگانهای واقعی کارگری از سوی دیگر، رژیم تلاش نمود تا قصد خود را به مرحله اجراء آورد. اما این یورش ارتجاع با مقاومت کارگران و فرورپاشی روز افزون توهما نشان مواجه گردید. مبارزات کارگران اگرچه غالباً اقتصادی بود، ولی کماکان ادامه یافت. این مبارزات اشکال نوینی از شکل طبقه کارگری طلبید، که از جمله آنها اتحادیه های کارگری (کانون شوراها) بود.

بقیه در صفحه ۷

نگاهی به تجارب یکساله و نیمهٔ کانون شوراهای کارگری شرق تهران (۱)

بیکر فرتوت رژیم سلطنتی وارد آمد، اما ماهی داشت. کارگران در زمان رژیم شاه، غالباً از تشکیلات صنفی - سیاسی خود محروم بودند. اغلب سندیکاها و اتحادیه های آن زمان، تشکیلات زرد و فرمایشی ساخته و پرداخته شده و اکثراً بودند، گرچه نیا زبه تشکیلات واقعی روز بروز بیشتر احساس میشد ولی وجود تشکیلات ضد کارگری زمینه سی - اعتمادی کارگران را نسبت به تشکیلات کارگری بوجود آورده بود. این امر به پراکنندگی طبقه کارگر در زمان زده و بصورت مانعی در مقابل حرکت آگاهانه کارگران در میآید.

اعتدالی انقلابی و بعد از آن بوجود آمدن موقعیت انقلابی در جامعه، تا شیزریادی بر روی جنبش کارگری میگذارد. تشکیلات مختلف کارگری یکی پس از دیگری در عرصه مبارزه شکل میگیرند و رهبری مبارزات توده های کارگر را بدوش میکشند. اما نبودن سازمانی از انقلابیون کمونیست که رابطه تنگاتنگی با طبقه کارگر داشته باشد و در جریان مبارزات بدهنده شده و رهبری مبارزات را برعهده بگیرد، بعینسوان علل تعیین کننده و همچنین کم تجربگی و جوانی طبقه کارگر، مانع از آن میگردد که مهر رهبری این طبقه بر پیشانی انقلاب خورده شود. اما بهر حال دوران انقلابی مذکور، دوران شوفاشی جنبش کارگری و دوران رشد سازمانهای کارگری بود. توده های کارگر با شورش از تشکیلات کارگری استقبال میکنند و پیشروا طبقه نیز به سازمانهای سیاسی جذب میشوند، که این امر بنوبه خود در تقویت تشکیلات توده ای کارگری موثر واقع میشود چرا که عناصر آگاهی تاحدودی در این تشکیلات وارد میشوند.

کارگران که طبقه سرمایه دار را متزلزل و زخم خورده می بینند دست به تفرعات متفاوت بر علیه آنها میزنند و امتیازاتی کسب میکنند در برخی از کارخانجات کارگران کارفرمایان را از کارخانه اخراج کرده و خود به اعمال نظارت و کنترل کارگری میپردازند. جود سرمایه و ضد سرمایه در ارتشید میشود و اوج خود را در تظاهرات با شکوه اول ماه مه سال ۵۸ به نمایش میگذارد. رژیم جدید که وظیفه پاسداری و تحکیم سرمایه داری

"کارگر به تنهایی ناتوان و در مقابل سرمایه دار که ماشین را بکار میگیرد، بی دفاع است. کارگر با پدیده هر قیامتی که شده است و سائل مقاومت در برابر سرمایه دار را بیادنا از خود دفاع کند، او این وسیله را در سازمان میابد. او به تنهایی ناتوان است. کارگر و قتی که با رفقای سازمان یافت قدرتی میشود و قسا در است که با سرمایه دار ربه نبرد بپردازد و در مقابل حمله او مقاومت کند." (لنین - اتحادیه های کارگری).

رشد سرمایه داری در ایران و غلبه مناسبات سرمایه داری وابسته بعنوان مناسبات حاکم بر جامعه، بعد از فرم امپریالیستی شاه در سال ۴۱، موجب رشد طبقه کارگر ایران گردید. دهقانان و ورشکسته های زمین بسوی شهرها روان گشته و مبدل به سپاه ذخیره کارگردیدند. سرمایه های امپریالیستی به کشورهای بیرون شده و به همراه سرمایه های داخلی در صدد استفاده هر چه بیشتر از زمین نیروی "عظیم کارگران، برآمدند کسب ما فوق سودهای کلان امپریالیستی از یکطرف و تجار بی حساب منافع زیرزمینی کشور (بخصوص نفت) از طرف دیگر، لزوم برقراری یک حکومت سرکوبگر و خشن را برای امپریالیستها بیشتر می نمود. بدین لحاظ موجودیت رژیمهای چون رژیم شاهنشاهی و دیکتاتوری عربانش از ویژگیهای دوران رشد سرمایه داری در ایران است. این امر مانع بزرگی بر سر راه آگاهی و شکل طبقه کارگر ایران ایجاد نمود. علاوه بر این ریشه دهقانی داشتن اغلب کارگران و تبعیضات دیگر جوانی طبقه کارگر که از لحاظ کمی رشد چشمگیری داشت، نیز مانع هماهنگی این رشد با شکل و آگاهی این طبقه بود. حال اگر در کنار این عوامل ضعف شدید و انحرافات حاکم بر جنبش کمونیستی ایران را نیز اضافه کنیم علل مبارزات خود بخودی طبقه کارگر در طول سالهای اخیر، بهتر در خواهم یافت.

مع ذلک مبارزات کارگران چه در دوران اختناق رژیم شاه که عمدتاً بصورت صنفی بوده و به سرکوبی آن منتهی میگردد، و چه در دوران طوفانهای انقلابی اخیر که ضربات زیادی بر

خلق ها و مسئله ملی



خاطره تخمین يك ماهه مردم دلاور سنج پر شکوه باد

۱۱ دی ماه امسال، اولین سالگرد تخمین تاریخی مردم دلاور سنج است. سال پیش در چنین روزی با ساداران ارتجاع مستقر در بانگاه افسران سنج در ادامه عملیات صدمردمی خودو خشمگین از نغرت توده ها نسبت به خود و حضور پیشمرگان در شهر، بدون دلیل و سببانه دست به تیراندازی بطرف مردم شهر زدند و چنانچه رنغر را بشهادت رسانند و با عت مجروح شدن عده ای دیگر گردیدند. این عمل و احتیاج نه چنان خشم و نغرتی در میان مردم شهر بوجود آورد که از فردای آنروز تمام مغازه ها و ادارات شهر تعطیل شد و مردم به تخمین در استان داری دست زدند. آنها علاوه بر خروج با ساداران جنایتکار از شهر بودند. به این ترتیب اعتماد عمومی تمام شهر را فرا گرفت. تخمین و اعتماد عمومی مردم دلاور سنج علیرغم تمام تلاشهای مذبحانسه ارتجاع حاکم برای به شکست کشاندن آن یکماه ادا می پیدا نمود و بالاخره نیز با موفقیت آنها

پایان پذیرفت. این پیروزی منت محکمی بسردهان ارتجاع حاکم و بیابا سکر قدرت لایزال بوده ها بود مردم مصمم سنج در این لحظه و اعتماد عمومی آید به شدت و یکبار دیگر قدرت و عزم آهنین خویش را در ادامه مبارزه و مقاومت بر سر نگه آوردند. سنج بعد از تقدیم سدها شهید و مجروح در راه پیروزی جنش مقاومت در رنغر چکمه مزدوران رنگارنگ رژیم جمهوری اسلامی همچنان به مقاومت و مبارزه خود ادامه میدهد. ما ضمن بزرگداشت اولین سالگرد تخمین پر شکوه مردم سنج در سال گذشته خاطره نما می نمایم این شهیدان و بزرگان را گرامی می مداریم و مطمئنیم که مردم شهر ما این شهیدان را بزرگوارتر و بزرگوارتر خواهد بود. بولادین خویش را در مبارزه علیه ارتجاع حاکم نشان خواهند داد و سنج را به گورستان نشان مزدوران آن تبدیل خواهند نمود. (پیکار کردستان شماره ۵)

یاد رفیق پیشمرگه پیکارگر شهید صادق بهمنی گرامی باد

اطلاع یافتیم که پیکارگر دلیر پیشمرگه قهرمان رفیق صادق بهمنی در کامیاران بشهادت رسیده است. ما ضمن گرامی داشت خاطره رفیق صادق، مشروح زندگی بر افتخار و سرشار از مبارزه و جریانی شهادت را متعاقباً به اطلاع خواهیم رساند. درود بر تمامی شهدای جنش مقاومت خلق کرد!

عملیات نظامی پیشمرگان انقلابی پیکار

۵۹/۱۰/۱۶ - یک دسته از پیشمرگان قهرمان سازمان پیکار (دسته شهید تیمور) در پی چند روز کمن گذاری در جاده سفر - با سه موفق شدن یک سون تا مل ۷ کامیون ارتشی را که از سقز بطرف با سه حرکت ممنوعه کمن بیاندا زدند. اولین کامیون ریل که با نارنجک انداز و سلاح های سنگین مورد حمله قرار گرفت از کار افتاد و تمامی سرنشینان آن کشته و زخمی گردیدند. درگیری با نیروهای ارتشی و با سادارین از یک ساعت ادا شد و با کشته شدن موفق شدند صربانی دیگر بر نیروهای سرکوبگر رژیم ضد خلقی وارد آوردند. بطوریکه ستون مجبور به بازگشت به سقز گردید. در این حمله بیش از ۹ نفر از افراد ارتش مدخلقی و با ساداران ارتجاع کشته و زخمی گردیدند. تمامی پیشمرگان به سلامت به با بگا های خود بازگشتند و در مسیر عبور خود مورد استقبال توده های زحمتکش روستائی قرار گرفتند.

● مهیاد

۵۹/۱۰/۲۵ - عصر این روز یک دسته از پیشمرگان قهرمان سازمان پیکار به شهر مها با دواردند. پیشمرگان بیش از یک ساعت در یکی از مناطق شهر دست به تبلیغ و افشاکری زدند که با استقبال اهالی منطقه روبرو شد. پیشمرگان ما بهت رژیم و عملکردهای مخفی آنرا در شهر مها با افشا نموده و بیرون ماهیت ارتجاعی هردو جناح هیات حاکمه و علل اختلافات آنها توضیحاتی دادند. سپس پیشمرگان قهرمان حدود ساعت ۹/۳۰ شب به مقر سپاه ساداران و جانشینان حمله نموده و با نارنجک انداز و سلاحهای سنگین

من میهمان پیشمرگه ها بودم

خاطرات یک ارتشی، از دستگیری و اقامت در کنار پیشمرگه های کومله

ولی پیشمرگه ها آنها را به خونریزی دعوت می کردند و میگفتند "حک ما با بدمثل خودمان مقدس باشد". بعد از چند ساعت درجای دیگری، در دستگیر کومله بودم. بعد از کشته و حال خود فکر میکردم. میگفتم "نما مرچ ها را باید ما قفسر سجا ره ها تحمل کنیم" بهر حال آرام گرفتم و وضع برایم کمی عادی شد. به علت کمی جا و لگنها و چاقو - کتان و... را به اطاق ما می آوردند. با آنها به مهربانی صحبت میکردند و راهمائی شان می کردند. دعویان را حل و فصل میکردند و این برای من تازگی داشت. احساس کردم که این "سازمان" در سن مردم خیلی جا دارد جای من هم منحصی شود و مقررات محلی را هم برایم توضیح دادند. در یک دره مستقر شدیم و در جاده مکان نشان بقعه در صفحه ۶

"در اوایل فروردین ماه امسال بعد از اینکه ارتش بیپانه "دماج" از مرزها، کردستان را مورد تهاجم قرار داد ما را بریای سقز و کرنا برای مبارزه با ضد انقلاب و "حک با کفار" و "عمل بیعت عراق" روانه کردستان کردند. اغلب سربازها و درجه داران حاضر به کشتار خلقی گردیدند. فرماندهان دستور حمله به شهر را میدادند و با تهدید خواست خود را عملی میساختند. نا امید بودم که درجه داری را که حاضر به تیراندازی نبود در سراسر جناح و حین زده ما با سلاح کمتری کشتند اما من سرنوشت دیگری داشتم به دست پیشمرگان "کومله" دستگیر شدم و در فتره چاه طرا تم کوبه ای دیگر و روق خورد. هنگام انتقال به بانگاه پیشمرگه ها، از شهر... گذر کردم چهره های خشمگین مردم را دیدم که با انتقام کشتار عزیزان شان بدست ارتش میخواستند به من حمله کنند

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



● مریوان

۵۹/۱۰/۴ - دودسته از پیشمرگان سازمان پیکا ربا خمبارو سلاحهای سبک به یگان نیروهای دشمن در "تیز تیز" حمله نمودند.

نیروهای ضدحلقی در پی این ضربه پیشمرگان قهرمان، در حالی که وحشتزده شده بودند، بدون هدف مشخص مناطق اطراف را با سلاحهای سنگین کوبیدند.

● سقر

۵۹/۱۰/۹ - ستونی از نیروهای سرکوبگر متشکل از ۷۲ کامیون ارتشی و یک آمبولانس که بوسیله ۲ هلیکوپتر اسکورت میگرددند به روستاهای "کوندلان" و "مرخوز" و... در اطراف قزبورش آوردند. این ستون که با مصلح قصد "پاکسازی" داشت دو تن از روستائیان زحمتکش آبادی "مرخوز" را به اسارت گرفت. پیشمرگان پیکا رکه در منطقه مستقر میباشند به محض شنیدن خبر حمله نیروهای رژیم به روستاها بطرف منطقه استقرار این نیروها حرکت نمودند و در روستاهای بین راه مورد استقبال وسیع بوده ها قرار گرفتند. اما نیروهای سرکوبگر رژیم قبیل از رسیدن پیشمرگان به منطقه روستاها را ترک نموده و به یگانهای خود عقب نشینی نموده بودند.

در این جریان روحیه مبارزاتی مردم بسیار خوب بود. زنان روستائی همان شب به پختن نان پرداختند، تا در صورت درگیری، مواد غذایی به پیشمرگان برسانند. این امر نشانه ندهنده پیوندناگسنتی توده های زحمتکش با پیشمرگان انقلابی میباشد.
(پیکا رگردستان شماره ۵)

حمله پیشمرگان کومهله به مقر پاسداران در مهاباد

۵۹/۱۰/۱۵ - در این روز چهار دسته از پیشمرگان کومهله به شهر مهاباد وارد شده دست به پخش اعلامیه و خبرنا مه زدند که با استقبال وسیع زحمتکشان شهر روبرو گردیدند. پیشمرگان سپس بعد از نیمه شب با سلاحهای سبک و سنگین حمله دلاورانه ای را به مقر پاسداران و ارتجاع مستقر در ماکروویو، رادیو و تلویزیون آغاز نمودند. کمپین از دوساعت بطول انجامید. در جریان این حمله ضربات سنگینی بر نیروهای سرکوبگر وارد آمد. بعد از این حمله پیشمرگان با روحیه ای عالی در حالی که سرود میخواندند همگی به سلامت شهر را ترک نموده و به یگانهای خود بازگشتند.
(پیکا رگردستان شماره ۵)

بقیه از صفحه ۵ من میهنان ...

امکانات رفاهی در اختیارمان بود، البته بطوریکه ن. زندگی در میان پیشمرگه بسیاری از حقایق را که بر ما و ارونه جلوه داده بودند، روشن کرد. به صداقت پیشمرگه ها پی میبردیم و سعی میکردم از رفتار و گفتارشان بسا موزم. می دیدم انسانهای خوبی که با داشتن مدرک دکتری مهندسی و شغل هائی چون اسنادی دانشگاه، قضاوت و... حقوق های خوب و زندگی راحت را در شهرها ول کرده و با اینجا آمده اند و آستین بسا ل زده و به روستاها میروند، آنها را ما ناسان درمان میکنند، به درد دلشان گوش میدهند و... به آنها علاقه مند میشدیم و در مقام بلشان احساس شرم میکردم. با فروتنی در کنار ما کار میکردند، برای ساختن خانه سنگ جمع میکردند، با ما غذا می خوردند. با دیگر قسمتی که خوب زندگی کردن را بسا موزم، برای تهیه غذا، ما میگری میگردیم در و پنجره ها را مساختم. هر کس چیزی میدانست به دیگری با میداد کمک های اولیه، با نسمان و تزریقات را بخوبی یاد گرفتیم. اگر پیشمرگه ای کوچکترین خطائی میکرد بدون ترس در جلسه انتقاد مطرح میکردیم و بسا ح منطقی دریافت میکردیم.

نظم و ترتیب کارها را مشاهده کرده بود. آنان بر اساسی زبان گویای مردم گردستان بودند و بهمین دلیل در دل شهری و روستائی و تمام مردم زحمتکش گردستان جای داشتند. ما از زندگی و مبارزه آنان ما موختیم ما هیبت عملگردهای رژیم کم کم بر ما روشن میشد، زندگی گذشته ما را در ارتش در پیش چشم میگردیم و به بیپوده بودن آن پی میبردیم. در یافتیم که ارتش دره ای برای ما ارزش قائل نیست. علنا به خا نواده من گفته بودند که بهیچوجه ما ضربه مبادله گروگانها نیستند.

در کلاسهای آموزشی، آگاهی سیاسی کسب میکردیم. واقعیتها را بهتر درک میکردیم و توانائی هائی تجزیه و تحلیل گذشته و حال خود

را پیدا میکردیم. حرفهای پیشمرگه ها بدلهايمان می نشست، به ماهیت انقلابی کومهله، سازمانهای دیگر پیکار، وحدت انقلابی و... پی میبردیم. از رفتارهای صمیمانه آنها با هم، مفهوم واقعی رفاهت را با دیگر قسمتی پی بردن به خواستهای مردم گردود را نزدیکتر روزمره بسا پیشمرگه ها به آنها ایمان میا وریم. میدیدیم که چگونه حزب توده و چریکهای فدائی "اکتبریت" با چاپلوسی و قبحا ن به هیبت حاکمه و فحاشی به انقلابیون کرد، به مردم گردستان خیانت می کنند.

تسلیمات دروغین رژیم و حزب توده در مورد همکاری این سازمانهای انقلابی با عراق برایمان در عمل روشن میشد. پیشمرگه های قهرمان همچنانکه به هیبت حاکمه ارتجاعی کینه داشتند، اردو لتهای ارتجاعی و از جمله عراق نیز مستعرب بودند. حتی شنیدن رادیو عراق را در گردستان تحریم کرده بودند. ادعاهای بوج هیات حاکمه و خائنین حزب توده در مورد تسلط گرفتن کومهله از بعضیها "برای هموار کردن راه سرکوب جنش گردستان است. تمام سلاحهای پیشمرگه - ها سلاحهای ارتشی بود، آنها را ما دره کرده بودند. حتی در میان آنها توب و تانک هم وجود دارد. من سلاحهای نظامی را بخوبی میشناسم. مقداری هم سلاحهای روسی نظیر کلاشکف داشتند که از کردهای عراق بقیمت نازل خریده و علیه رژیم شاهکار برده بودند.

پیشمرگه ها میگفتند ما همانطور که با ارتش و پاسداران ارتجاع ایران میجنگیم، در مقابل رژیم ارتجاعی عراق هم می ایستیم. در حرفها - نشان جرقه های پیروزی را میدیدیم. بعد از هفت ماه که میهن پیشمرگه ها بودم در حالیکه شناخت واقعیتها روشنائی بخش آینده ما بود، با اراده و ایمانی آهنین بسا پیروزی زحمتکشان، بر میگشتم تا زندگی نویسی را از سر بگیرم. من از تاریکی و جهل بیرون آمدم و آنرا مدیون خلق قهرمان گردهستم. ۵۹/۹/۲۴

بعثیهای فاشیست بار دیگر کاروانیان بی دفاع را به گلوله بستند

عراق را به شهادت رسانده اند. هما نظور که قبلا به اطلاعات رسانندیم چندی پیش فاشیستهای جمهوری اسلامی روستای "هلوی" را براکت بستند و نفرات بشهادت رسانده و ۹ نفر را زخمی نمودند. بدنبال این حادثه در دناک عده ای از خمپه به بیما رستان شدت برده شدند ولی بنا به دستور فرماندار جنا پیکار شدت که یک پاسدار است از مدای آنها خودداری کردند و در همان حال به با زجوشی از آنان برداختند.

اینگونه اعمال جنا پیکار ناهیا عشت رسوائی هر چه بیشتر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در منطقه است.
(بسنقل از خبرنا مه کومهله شماره ۱۰۵)



بقیه از صفحه ۴ گاهی...

اما مسئله مهم اینجا است که اتحادیه‌ها در شکل کارگران، بعد از زینا مبرجه اساس بوده و آنچه عواملی تبعیت میکند؟ البته آن آموزش کارگری طبقه کارگر میگوید:

"در آغاز فعالیت سندیکا، کارگران هر حرفه در یک سندیکا متشکل میشوند، ولی با رشد سرمایه داری، تمرکز سرمایه و تولید جمع گروه‌های مختلف سرمایه داری در بخش‌های مهم صنعتی ایجاد کارتل‌ها، تراستها و... انحصارات عمودی واقعی... سندیکاها، مختلفی که بر حسب حرفه‌های گوناگون بوجود آمده بودند، در سازمان‌های صنفی بزرگتری مجتمع گشتند. منطق مبارزه طبقاتی کارگران را بسوی تشکیل سندیکا بر حسب رشته‌های صنعتی سوق داد." (۱)

بنابراین اولاً با بدو وضعیت مشخص سرمایه داری، تمرکز سرمایه و تولید، را در جریان تشکیل سندیکاها و اتحادیه‌ها در نظر داشتند و ثانیاً با بدو جهت ایجاد سندیکاها و اتحادیه‌ها، بر مبنای رشته‌های صنعتی حرکت نمود. مثلاً در ایران رشته صنعت نفت شکل خاص خود داشته است که بر اثر ضرورت مبارزه بوجود آمده است. اما رشته‌های دیگری نظیر حمل و نقل و راه آهن، ساختمان، ماشین سازی و ترمیم سازی، صنایع ریستنگی و بانفنگی و... اتحادیه‌های خود را تشکیل داده اند.

بطور کلی باید دید که کدامیک از این رشته‌های صنعتی دارای کارفرمایان متشکل نیز میباشند. یک نظر اجمالی به وضعیت سرمایه داری در پس از زینا نشان میدهد که اولاً به علت فراوانی صنایع بزرگ، اکثریت این صنایع در دست دولت متمرکز شده است. ثانیاً دولت در برخی از صنایع که روبرو و رشکستگی میرفتندولی کارفرمایان آنها باقی مانده بودند، سهمیه شده است. ثالثاً در بخش‌های دیگری مثل داروسازی که کارکنان متعلق به سرمایه‌های امیربالیستی هستند، مدیران دولتی را بکارگزارانند. بنا براین میتوان گفت که دولت هم اکنون بیشترین رشته‌های صنعت و تولید تسلط مستقیم دارد و وحدت و تشکل کارفرمایان صنعتی در دولت منتهی است. بنا براین در اکثر مراکز و واحدهای تولیدی کارگران مواجه و در دروا دولت هستند.

چه رشته‌هایی کارگران بخشهای مختلف را بیکدیگر پیوند میدهد؟

باید دید بین کارگرانی که از نظر موقعیت اقتصادی و آگاهی طبقاتی در سطوح مختلفی قرار دارند، چه مینه‌ای برای اتحاد وجود دارد؟ مثلاً کارگران بعضی از کارخانجات توانستند تا

۵ ماه سودویژه دریافت کنند چرا لیکه به کارگران ساختن ساختن ساختن... کارگران کارخانجات تکمیل سروسایاب و ذهاب، ناها خوری، بیمه، کار داثومسایر میزما استفا ده میکنند. در حالیکه کارگران ساختن از این مزایا محرومند. همچنین بسیاری نفا و نهای دیگر... حال باید دید که جمع شدن کارگران از واحدهای مختلف صنعتی و تولیدی در یک شکل مانند کارخانجات، از روی چه ضرورتی صورت میگیرد و رشته‌های پیوند میان این کارگران کدامند؟ مسئله را در مورد مشخص مورد مطالعه قرار میدهم:

۱- مسائل اقتصادی:

اینگونه مسائل را به دو نوع می توان تقسیم نمود: نخست خواسته‌های اقتصادی که در شرایط مشخص یک کارخانه مطرح میشوند مانند گرفتن حق مسکن ۷۵۰ تومان در ماه، که علی‌رغم آنکه تحت تاثیر کل جنبش طبقه کارگر میباشند، ولی در هر کارخانه به شکل خاصی بروز میکنند. نوع دوم مبارزه حول شعارهاست که هر ساله بصورت دوره‌ای طرح میشوند و جنبه عمومی دارند مانند سودویژه و افزایش دستمزد.

الف - نوع اول: این مبارزات حتماً روی کارخانجات مباحثه میگردند مثلاً کارگران کارخانجات "سایپا" چون با کارگران "ایران" - ناسیونال" شرایط و اوضاع مشترکی را میسازند، لذا مبارزات اقتصادی آنها را دنبال میکنند و بالعکس.

فرزها با بالا رفتن حق مسکن در یکی، حتماً روی دیگری تاثیر میگذارد و کارگران این یکی را نیز طلب افزایش حق مسکن می نمایند. اما این افزایش حق مسکن روی کارگران دیگر

نظیر کارگران ساختمانی، بسیار کم اثر است. مثلاً در کارخانهای کارگران تحت تاثیر آشنائی با یک کارخانه مواد غذایی که کارکنانش از مزایائی نسبتاً بالایی برخوردارند، خواستار حق مسکن بیشتر میشوند ولی تنها پنده خود فروخته - شان تحت این عنوان که "اگر در آن کارخانه کارگران ۷۵۰ تومان حق مسکن میگیرند، بهایر فروش سرما و مواد غذایی است و وضعی با کارخانه ما فرق دارد" کارگران را قانع میکند در صورتیکه اگر کارگران تحت تاثیر هم رشته خود بودند، حتماً با فشاری بیشتری برای کسب حق مسکن بیشتر میکردند.

بدین ترتیب با مشاهده ترکیب کارکنان کارخانجات، می بینیم که این تشکل کارگری، از کارگران ساختمانی گرفته تا کارگران معدن، کارگران بیکار و کارگران واحدهای صنعتی، همگی را گرد خود آورده بود، بنا براین طبیعی بود که مسائل مشخص و مشترکشان بسیار کم باشد! نسی - توانست پیوند مستحکم بین کارگران برقرار کند.

ب - نوع دوم: مسائل مبارزاتی کارگران مانند سودویژه یا افزایش دستمزد، میتواند کارگران را از هر رشته صنعتی حول خود جمع کند اما مسئله اینجا است که چگونه تشکیلاتی برای سازماندهی مبارزات کارگران لازمست؟ البته کبیر در این باره میگوید:

"تنها سازماندهی توده‌ها در عرصه جنبش‌ها است که به حد کافی میتواند کارگران را بسیج کند و آنها را برای پیروزی نهائی آماده سازد. اهمیت عمل توده‌ها تنها در نتایج و شمرات بلاواسطه نیست، بلکه بطور عمده در این است که توده‌های کارگر را بسیج و متشکل میکند." (درباره سندیکای طبقاتی).

بنابراین، این سوال پیش میاید که دلیل وجودی تشکلاتی چون "کارخانجات شرق" که از جمع نامگون کارگران تشکیل شده است، چیست؟ آیا کارخانجات میتواند وظیفه یک اتحادیه واقعی یعنی رهبری مبارزات طبقاتی کارگران را با چنین ترکیبی انجام دهد؟ آیا قادر است به تعرض علیه بورژوازی با بخش‌های آن بپردازد یا اینکه تنها میتواند اندک استتاد فنی داشته باشد؟

در برنا هم عمل بین المللی سندیکاها، سرخ چنین آمده است: "سندیکاها حرفه‌ای (ایمن) انجمنها درد رجا اول افراد یک صنف مشخص را در بر میگرفتند و از همین روستی گری تشکل - نظراً نه، نقطه حرکت تشکیل سندیکاها، کارگری شد. (که در طول سالیان درازی بوجود آمده بودند تبدیل به ارگانهای دفاعی طبقه کارگر شدند، سندیکاها در اشکال جنبینی خود مندوقها و

(۱) - درباره سندیکای طبقاتی صفحه ۲۲ - تا کیده از ما ست.

منتشر شد
راهپیمایی سومین:
تقرض انقلاب
علیه ضد انقلاب
پیکار
روستای نوبستیا
لیگبری
سجده و
تسلیم طبقی
راه کارگر



← نگاهی...

انجمنها می بودند که هدفشان تعاون متقابل بود و نه مبارزه طبقاتی. بطور کلی میتوان چنین گفت که: در ابتدا بعزت رشدنا کاسی سرما به داری، عدم وجود موسسات بزرگ صنعتی و نتیجتاً پراکنده بودن کارگران، کارگران بر حسب حرفه خود متشکل میشدند و مثلاً سندیکای قالبگیران را بوجود میآوردند. کارگران قالبگیران با کارگران تراشکار رشتنا نداشتند زیرا در موسسات جداگانه ای مشغول بکار بودند ولی رشد صنعت تمرکز صنایع را بوجود آورد و کارگران یک حرفه را بناچاراً بهم جدا کرد و مثلاً قالبگیران یک کارخانه ما شین سازی با قالبگیران یک کارخانه نساجی و رشتنا نداشتند. کسب و کاری در عوض رشتنا های اتحاد جدیدی بین قالبگیران یک کارخانه کارگران فلزکار، تراشکار، برادار خنکار، آبکار و بریکار رهمان کارخانه بوجود آمد. بنا براین تشکیلات قدیمی کارگران نیز در کونکون شده های خود را به تشکیلات نوینی داد. در برنا مه عمل بین الملل سندیکاهای سرخ آمده است: "به این ترتیب منطقی نکامل سرما به داری و بخصوص آن سرما به داری که به درجه عالیتری از نکامل رسیده بود، نوده های کارگری را بسوی ایجا داتشکال جدیدتری از تمرکز سندیکای سوق داد."

اما کاتون شوره های شرق نه بر اساس تمرکز تولید و نه بر اساس حرفه، بوجود آمده بود. بنا براین باید دید که این اتحادیه نا حیاه ای چه نقشی در پیشبرد دور هبیری مبارزات کارگران میتوانست ایفا کند؟ با اصولا مبارزات طبقه کارگری و اتحادیه دین سرما به داران مختلفه نا حیاه ای است چه رشتنا های بین کارگران یک منطقه اتحادیه ای برقرار میکنند؟ با توجه به این مسائل درمی یابیم که اگر با تشکیلاتی چون کاتون شوره ها ما نتدیک شکل گذرا برخورد بشود و اگر در جهت ایجا دت شکل مناسبی که از یک طرف بر اساس وضعیت سرما به داری در کشور و از طرف دیگر بر اساس وضعیت مبارزاتی طبقه کارگری طرح ریزی شده باشد، حرکت نکند، اینگونه تشکیلات نخواهند توانست با سخگوی مبارزات اتحادیه ای کارگران باشند. اما از آنجا که ممکن است گفته شود جزئیات سیاسی رشتنا بیوندین کارگران این کاتونها هستند لازم است به بررسی این بخش مسئله نیز بپردازیم.

۲- مسائل سیاسی:

آنچه که از بررسی شرایط حاکمه بعدا قیام مشاهده میشود، وجود جو سیاسی حاکم برجامه است اما سیاست جناری، سیاست طبقات خدا انقلابی است مبارزات طبقه کارگر نیز بعزت عدم وجود حزب طبقه کارگر،

نظام سرمایه داری قربانی دیگری گرفت

با ردیکر نظام سوسیده سرما به داری یکی از کارگران زحمتکش را قربانی نمود. "حسن - صدیقی" کارگر مونتاز کار کمیلکس اسکلت فلزی که دارای ۱۵ سوراخ بود در اثر عدم وجود وسائل ایمنی جان خود را از دست داد. مسلماً این اولین بار نیست که کارگران و زحمتکشان فدای سودجویی بیشتر سرما به داران میشوند و آخرین بار هم نخواهد بود. ولی آنچه مهم است ضرورت نجات ستمدیدگان از بندهای حاکمه طبقاتی است و این هم بدست نخواهد آمد مگر با مبارزه یکپارچه و آگاهانه نوده های تحت رهبری طبقه کارگر، برای برقراری سوسالیم!

ما ضمن تسلیم به ما زمانه نکان "حسن - صدیقی" و شامی کارگران، بیمن می بندیم که تا پای جان در راه آزادی طبقه کارگر بیکارکنیم!

مبارزات سیاسی این طبقه نوده و کما کسان با اقتصاد است و با اینکه زیست طبقاتی خود محروم است، در اینجا لازم است که نمونه های از حرکات سیاسی کاتون را مورد بررسی قرار دهیم:

در جریان اشغال سفارت آمریکا و موج راهپیمایی هاسمت سفارت، کاتون نیز تصمیم گرفت که راهپیمایی هاسمت سفارت را ترتیب دهد. حدود دوهزار کارگر از ۱۴ کارخانه در این راهپیمایی شرکت کردند و شعارها را برای طول راه پیوسته در نظر گرفته نده بود. اما پس از آغاز راهپیمایی، هدایت و شعارهای آن کاملاً از دست ترتیب دهندگان آن خارج شد و بدست نوده های کارگران افتاد که آنها بر شعارها و جوسورژواکی (و خرده سورژواکی) برجامه و بدبیش هزمونی آنها، شروع به تکرار این شعارها کردند. صرف نظرا از شکالات فنی راهپیمایی که طبیعتاً نمیتوانست نقش تعیین کننده ای داشته باشد، مسئله اینجاست که کارگران بین کاتون و رژیم هیچ تفاوتی حس نکردند و حتی بر اثر توهمی که در آن زمان در میان نوده ها دا من زده شده بود، تعداد کارگران کاتون بعدا ز راه پیماشی افزایش یافت. واضح است که تا زمانی که سیاست طبقاتی کارگران بر آنان حاکم نشاند، تحت تا نیرو دنیا له روسا ستهای سورژواکی خواهند بود. بنا براین تحت چنین شرایطی (که هنوز طبقه کارگر از حزب رهبری کننده خود محروم است)، مسائل سیاسی نیز نمی توانند با به شکل طبقاتی نظیر کاتون شوره ها باشند. مگر آنکه به نفعی ضرورت استقلال سیاسی طبقه کارگر برپیدا زیموا بین چیزی نخواهد بود مگر روبرو بسوسالیم، آنطوریکه روبرو بسوسالیمهای اکثریت نوده ای و سجهانی اینجبتین میکنند (ادامه دارد)

بقیه از صفحه ۳ کارخانه...

طبق معمول شروع به توطئه چینی جهت نفاق - افکنی در میان کارگران می نماید. با لایحه بعزت عدم وجود اتحادیه دور هبیری اتحادیه ها در میان کارگران، آنان در دام توطئه مدیران افتاده و بطیرغم نارضایتی، پول را در بافت میکنند. کارگران هنگام مدرسدل با یکدیگر به تشبیه رژیم کتونی با رژیم جنا بیکار شاه میگردانند که کارگران آگاه هی صحبت از بهتر بودن رژیم شاه میکنند. این مسئله بهانه ای بدست عوامل کارفرما میدهد که فردای آنروز کارگران را که با لیبیا کارگران مبارزی بودند، اخراج میکنند.

کارگران به اخراج عت نا زدوستا نشان اعتراض کرده و حتی یکساعت اعتصاب میکنند. اما عت نا سرحد کارگری که در میان کارگران بودند، بخصوص روبرو بسوسالیمهای اکثریت شروع به فعالیت میکنند. تا کارگران را از مبارزه ای قاطعانه و یکپارچه برای بازگشت به کاتون دوستا نشان، منصرف نماید. آنها تحت این عنوان که اگر اعتصاب نکرده و بهتر کار نکنیم، احتمال بازگشتن ۶ نفر اخراجی، بیشتر میشود، در واقع کارگران را در مقابل کارفرما خلع سلاح کرده و امیدواران به "لطف و مرحمت" سرمایه داران را موعظه میکنند. متاسفانه بعزت ضعف نیروهای انقلابی در کارخانه و کم تجربگی اغلب کارگران، روبرو بسوسالیمهای اکثریت موفق به اجرای نقشه خاشنا خود شده و مبارزات کارگران را عملاً به نازش میکشاند.

کارگران اخراجی نیز که از حمایت فعال سایر کارگران خود را محروم میدهند، از طرفی تحت فشار نهادهای عوامل ضد کارگر (که از طرف شورای امنیت آمده و عکس و آدرس کارگران اخراجی را گرفته بودند) و از طرف دیگر بعزت افتادن در دام وعده و وعید مسئولین دولتی کارخانه، از فعالیتها جهت بازگشت بکار سبب نیروی خود را بر کارگران، خودداری کرده و با نیا سدن به کارخانه، چشم امید به "بالا" (یعنی همانها که اخراجشان کرده بودند) دوخته بودند و این در حالی بود که کارگران منتظر عکس العمل اخراج شدگان بودند و در صورت مشاهده مبارزه آنها به باریشان می شتافتند. کارفرما که می بیند سیرا حتی توانسته است چند تن از کارگران مبارزان که همواره رهبر فضای توطئه های او در میان کارگران میگردانند اخراج کند، فشار کار را افزایش داده و اختیارات کارگران را در کارخانه دا من میرسد.

کارگران مبارزان

تجربه فوق الذکر که نظیر آن ممکن است در هر کارخانه ای روی دهد، بطیرغم شکست موقتی کارگران، نباید نگرده رسته ای با ارزشی ماست که با استفاده از آنها خواهیم توانست شکستهای کوچک را به پیروزیهای بزرگ تبدیل کنیم!

نخست اینکه میبایست صفوف خود را فشرده تر ساخته و تشکیلات واقعی خود را برپا سازیم.

بقیه در صفحه ۳۰

حقیقت واقعه سفارت را چه کسی به توده ها گفت؟

نامه مستندی یکی از دانشجویان پیرو خط امام به مجاهد:

سندی زنده در اشکات حقانیت نظرات ما و ننگ دیگری برای رویزونیستها و همه مرتجعین

دانشجویان خط امام چه کسانی بودند؟ (واقعه سفارت بدست جناح حزب)

سازمان ما مرعوب جا روجنجالهای دروغین خدا میریالیستی حضرات نیکشته و بدرستی بیان داشت که این واقعه توسط یک جناح از رژیم عملی گشته است ما گفتیم که بتکار این عملیات در دست خرده بورژوازی مرفه سنتی قرار داشته حزب از آن پشتیبانی نموده و مادانشجویان خط امام را بعنوان بازپچه های حزب معرفی کردیم. ما گفتیم "دانشجویان پیرو خط امام" این دکان سیاسی نیز که برانتهوی از اسناد دسترسی دارند تنها وقتی به اصطلاح به افشای ستوری از آنها می پردازند که صرفا در خدمت منافع جناحی از روحانیون قدرتمند و پانده حاکم بر کشور باشد" (پیکار ۸ بهمن ۵۸)

اکنون حقانیت آنچه گفته ایم در "مجاهد" آشکار میشود:
"بهر حال، بدین ترتیب یا حمایت است سپاه (پاداران)، به وسیله قبیحی های آهن بر زنجیرها را پاره کرده و پیدا گل ریختیم" (مجاهد ۱۰۲)... البته کارمان چندان کار مشکلی هم نبود به اشغال در آوردن این محل، تحت حمایت سپاه وزیر نظروبا هدایت برخی مسئولین... (۱۰۳)
"حزب جمهوری اسلامی... به ایادیشان درجا سوسفانه یعنی شورای هماهنگی دستور داده بودند... (۱۰۲)" دروا بستگی سران شوروی هماهنگی به حزب همین بس که "مطابق سیاست های کلی" اوستا برخواستی با لاشی ها "افشاکری تهیه کنند، مثلا هنگامیکه "موسوی سردبیر روزنامه جمهوری اسلامی مراجعه کرده و خواستار تاشید حزب و روزنامه جمهوری اسلامی شود و متمسکانه استدلال کرده حزب در یک نقطه ای کیفی نزول محبوبیت قرار دارد و بسیاری از شعبه های آن در شهرستانها تعطیل شده و... با رنگ آمیزیهای این سند افشا شده "روزنامه جمهوری اسلامی سند آمریکائی ترین روزنامه ها است!" (۱۰۴)

۲- سفارت چرا اشغال شد؟

مادر آن هنگام قاطعانه گفتیم هراس خدا انقلاب از رشد انقلاب، جنبش خلق کرد، اوگیری مبارزات کارگران بیکار، جنبش دانش آموزی، میدان انسانی و... سوار شدن بر امواج جنبش توده ها برای، تشبیت و تحکیم حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی از یکطرف و تقاضای دمینی جناحی از قدرت با آمریکا و لیبرالها از سوی دیگر خدا انقلاب حزبی "را به افشا تا بین تا کنیک و ادا شده است، شکست تا کنیک سرکوب، تقاضای اساسی موقعیت هیئت حاکمه و پیشرفت و موفقیتهای



و دیگر نیروهای سیاسی انقلابی نیز تا ما هماهین - از این واقعه همچنان انحرافات بسیاری را در این زمینه با خود حمل میگردند، مثلا مجاهدین - خلق و رفقای فدائی (اقلیت) نبرد، رزمند - گان و راه کارگرینوعی عمل کرده خدا میریالیستی برای این جریان قائل میگشته اند تحلیل - سازمان دربرخورده واقعه سفارت علیرغم برخی انحرافات راست، درچهارچوب عمومی منطبق برمنافع انقلاب و خط منشی مارکسیستی بود. ما چه درواقعه سفارت و چه درتندسیج دیگر تاریخی یعنی جنگ، عمدتا مسیر صحیح و مارکسیستی حرکت جا معه را گم نکردیم و نشان - دادیم بکارگیری خلق مارکسیسم - لنینیسم چگونه میتوان شناخت حقیقی و درست جهان را ستوده ها معرفی کند. ما درآنها کارمان را جراحی پشت پرده گروگان گیری، بصورتی که اکنون "مجاهد" افشا کرده است، اطلاع نداشتیم ما درک قانومندا ز طبقات اجتماعی و حرکات و تا کنیک - های خدا انقلاب موجب شد، حتی علیرغم وجودیک گراپش انحراف برآست در سازمان، ما شناختی مارکسیستی از واقعه سفارت بدست دهیم. ما ضمن مقایسه نظرات خود با آنچه امروزه اقدامات دانشجویان خط امام افشا شده است، تحلیل - سازمان درواقعه سفارت را بعنوان حقیقتی اثبات شده، بهما به یک دستاورد درخشان برای جنبش کمونیستی میهنمان از زبانی میکنیم.

چهارده ماه و نیم از واقعه گروگان گیری در جاسوسخانه آمریکا میگذرد و جمهوری اسلامی با خفت و سازش تمام گروگانها را آزاد میکند. امروز نگریستن به مسئله گروگانها برای بسیاری امری ساده است. اکنون بسیاری گروههای انقلابی اهداف حزب جمهوری اسلامی را از این گروگان گیری دریافته و ترا بهیچوجه مبارزه ضد - امپریالیستی نمیشناسند. تفاوت است میان امروزه که شش رسوایی جمهوری اسلامی در قضیه گروگانها از با ما افتاده است و آن هنگام که تزلزلات رویزونیستی و لیبرالی بسیاری از نیروهای انقلابی شدیدآفته و آب به آسباب رژیم میریختند. تفاوت کمونیستهای پیگیر با دیگر نیروها نیز در همین جا است. آنها بقدرت سلاح عظیم و دستگام رکیسم - لنینیسم قادر به تشخیص واقعی پدیده های اجتماعی هستند. "علم انقلاب ورهائی بشر" یعنی مارکسیسم به آنها این امکان را میدهد، در زمانی که دیگران قادر به تشخیص صحیح مسائل نیستند، راه نشان دهند و حقیقت را آشکار گردانند.

تغییر تا کنیک خدا انقلاب بخشهای نا پیگیر - ترا انقلاب را دچار انحرافات ساخت که در نهایت منجر به در غلطیدن دوتیروی سیاسی یعنی فدائیان (اکثریت) و اتحادیه کمونیست - ها به منجلاب خدا انقلاب و رویزونیسم گردید و

آزادی گروگانهای آمریکایی، مقدمه ای برای وابستگی بیشتر به آمریکا است

قطع پخش مذاکرات مجلس از تلویزیون نشانگر وحشت از بیداری توده‌ها!

علیرغم کلیه تبلیغات کرکننده و سرام‌آوری که در باره «حقانیت» جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی و غیره می‌شود با زهم توده‌های مردم به حقیقت پی برده و مشت دروغ‌گویان جمهوری اسلامی بساز می‌شود.

پخش علنی جلسات مجلس در تلویزیون، به دلیل آنکه «پت» مجلس فرمایشی جمهوری اسلامی را بیش از پیش روی آب می‌انداخت قطع گردید و «تما پندگان» تصمیم گرفتند بدور از نظر «مردم نشست و برخاست کرده و تصمیمات انقلابی» در مورد نحوه اداره و بازسازی سیستم سرمایه‌داری وابسته بگیرند.

مجلس بجای آنکه وسیله‌ای تبلیغاتی برای سردمداران جمهوری اسلامی بشود که به مردم بگویند، «ما چنان کردیم و چنین شد» - برعکس حماقت و بلاهت این نما پندگان را بر ملا ساخته و اختلافات هر دو جناح را رومی نمود. هر جناح برای حقه‌گردن حریفه، قسمتی از «پت» را رومی‌کرد، و این باعث میشد مردم تماشاچی «پت» روی آب «هر دورا ببینند» و بیش از پیش اعتماد خود را به رژیم زدست بدهند. در حقیقت پخش مذاکرات مجلس خود افشای زنده‌ای بود که توده‌ها به رأی العین میدیدند چگونه قانون پشت قانون بنفع سرمایه‌داران و زمینداران گذرانده میشود و چگونه جناح غم‌غمه تیره شدن روابط با امپریالیسم را خورده و آشکارا می‌گوید «ما با آمریکا جنگی نداریم!!» و جناح دیگر در ترکتنازی و سرکوب خلق و ایجاد وحشت انحصاری رسانا خیز، حتی به رقیب لیبرال نیز مهلتی نمی‌دهد!

و خلاصه اینکه این به اصطلاح نما پندگان مردم چگونه در باره همه چند نظر می‌دهند و قانون می‌گذرانند، الا در باره منافع مردم.

باری، زمانیکه اصل ۶۹ قانون اساسی توسط «خبرگان» وضع گردید و در آن بصراحت گفته شده بود «مذاکرات مجلس با بد علنی باشد» از ما بهتران «فکر اینرا نکرده بودند که ممکن است پخش مذاکرات مجلس به ضرر خودشان شود و مجبور شوند برای رعایت مصالح مملکتی! از پخش آن جلوگیری کنند.

بهر حال قطع پخش مذاکرات مجلس از تلویزیون با رد بکرتشان میدهد که رژیم جمهوری اسلامی تا چه حد از آگاه شدن توده‌ها حتی نسبت به آنچه که خود می‌گوید هراسناک است.

سفارت، لازمست که به بلائی نظرات خود بپردازند «مبارزه طبقاتی به پیش میرود و حقایق روز بروز آشکارتر میشود. در این میان تنها با بر خورد مداوم و مبارزات خود میتوانیم تمام قوا در خدمت توده‌ها قرار بگیریم.

نکنیم» (۱۰۲)

بدین ترتیب در مورد مسئله اسناد نیز آنها تا آنجا که نتوانستند اسناد را از زمین بردند مانند اسناد مربوط به روابط سران ارتش و حرس جمهوری (رفستجانی و بهشتی) با آمریکا و اسناد لیبرالها را نیز در مذاکره با جنگ قدرت آنهم بسیار محدود و روگرداند بقبول نامه دانشجوی مذکور:

«هرگاه ارتجاع، در مشکلات اجتماعی و سیاسی لنک می‌ماند و راه‌ها را به‌جای دیگری باقی نمی‌ماند، سندی متناسب با اوضاع و احوال و برای روحی تازه بخشیدن به کالبد آنها افشا می‌شد.» (مجموعه ۱۰۴)

۳ - حقانیت با چه کسی بود؟

پس بدین ترتیب مشخص است، اشغال سفارت اگر چه بی‌ن تضا دنا حی از حکومت با آمریکا بود (البته تضادی با ماهیتی ضد انقلابی) اما اساسا با خراطی و جویگری از رشد انقلاب، برای بدست آوردن بیشترین قدرت و انقیاد لیبرالها منحرف کردن مبارزه ضد امپریالیستی توده‌ها، فریب خلق وسیع در کشیدن آنها بسوی خود بسا تکرار شعارهای بی محتوا بود.

بدین ترتیب هیئت حاکمه از یکطرف به بازسازی سیستم سرمایه‌داری وابسته می‌پرداخت و از طرف دیگر به حفظ و حراست منافع امپریالیسم و سرکوب انقلاب می‌پرداخت و آنگاه برای فریب توده‌ها، راجع به آنها دروغین ضد امپریالیستی برآمده می‌انداخت، همه آنچه را که گفتیم، خاطرات دانشجوی خط امام در مجامع و در نشانی میدهد آری موضع ما درقبال سفارت‌گیری و خاطرات فوق نشان میدهد که حقانیت با سازمان ما بوده است. ما با رویزونیستهای خائن که اشغال سفارت را مبارزه‌ای کبیر بر علیه امپریالیسم که آمریکا را به لرزه در آورده است، کاری نداریم چرا که این خائنین روز بروز بیشتر رسوا میشوند بلکه روی سخن ما با نیروهای انقلابی است.

دوستان مجاهد! مگر شما نبودید که پس از اشغال سفارت، برای اشغال کنندگان هورا کشیدید برای تا شیدشان در تظاهرات شرکت کردید و توده‌ها را نسبت به آنان بعنوان مبارز - ان علیه امپریالیسم متهم کردید؟ و مگر شما نبودید که ما را «چپ‌رو» معرفی کردید؟ چگونه است اکنون حاضر نیستید در پیشگاه خلق نسبت به اشتباهات خود اعتراف کرده از خود انتقاد کنید یا این حقایق که در مجامع و در کلاس‌ها یاد نا درستی برخورد شما را به واقع سفارت و تطهیر رژیم نشان میدهد، پس چرا به برخورد های انحرافی خود اذیت نمی‌کنید. همینطور دیگر نیروهای کمونیست، آیا با توجه به این حقایق لازم نیست در مورد آنچه گفته اند اکنون نادرستی - اسن آنکا ر شده است، به خود برخورد کنند؟ به اعتقاد ما برخورد های نادرست فدائی (اقلیت) رزمندگان، نبرد دورا ها که گرد در این زمین نشانه انحراف ایدئولوژیک آنها بوده است، ب نگرشی دوباره به نظر نشان در مورد واقع

جنبش توده‌ای هیئت حاکمه را ناگزیر از تغییر تاکتیک نمود. این جناح خرده بورژوازی مرفه سنتی و نما پنده معتبر آن آیت الله خمینی بود که بدلیل شرایط مشخص کنونی و بحران سیاسی جامعه میتوانست در نقش متکرو و خلال مشکلات هیئت حاکمه جلوه‌گر شود تا از فروریزی فزاینده توهم توده‌ها و انفراد هیئت حاکمه جلوگیری در جناح خرده بورژوازی مرفه سنتی ضد انقلابی پس از ماها مقابل به پیشرفت و سرکوب مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی توده‌ها، «مبارزه ضد امپریالیستی» خود را در چهار چوب حفظ هیئت حاکمه شروع میکند. «ضمیمه - پیکار ۲۶۴» اکنون به نام یکی از دانشجویان خط امام بنگریم؛ او ابتدا به مسائل و مشکلات اجتماعی و سیاسی قبل از سفارت می‌پردازد و با آوردن سندی از سفارت اثبات میکند که رشد انقلاب (مبارزات کارگران و جنبش خلق کرد، جنبش دانش آموزی و...) کاهاش با توده‌های حزبها و نیز مجلس خبرگان زمین اشغال سفارت توسط عمال و یادی حزبها بود (۱۰۱) و نیز:

«الف - الف... پس از مراجعت از شورای انقلاب طی سخنانی در جمع دانشجویان گفت: «الحق شما با این کار خود را از اعتبارات جلو - گیری کرده و باعث شدید که قانون اساسی برای زیان تصویب شود...» «این ضربه‌گافی بود که بسیاری از رویای های ما فروریزد، آیا مسایخا سوسه‌ای آمریکا بی راهه گروگان گرفتند بودیم که قانون اساسی تصویب شود با صدای مردم را خاموش سازیم؟! این سئوالات با وضوح بیشتری در ذهن من مطرح میشد که آیا ما با زیجه‌های بازی - های پشت پرده‌ی سیاسی نشده بودیم؟! یا ما را بعنوان وسیله‌ای برای ازمیدان بسدر - کردن رقبای ما که رنگرفته بودند...» (۱۰۲) «... بنا بر این با مشاهده‌ی عواقب این حرکت آیا من حق ندارم که اینطور قضاوت کنم که بزرگترین سرمایه‌ی این جریان عوام فریبی آن بود، آیا برای سردمداران این حرکت دکانی نبود که در آن برای خود اعتبار رو جاهت کسب کنند و پس...» (۱۰۵) در اینگونه واقعه سفارت منافع اساسی امپریالیسم در ایران و یابکا ههای اصلیش سرمایه‌داری وابسته، ارتش و... را مورد حمله قرار ندادن دشمنی نیست. جالب اینجاست که گروگانگیرندگان سفارت در افشای اسناد جا سوسه‌ها نیز کوشش لازم را نکردند و تا آنجا برخی از اسناد را افشا کردند که به ضرر جناح رقیب یعنی لیبرالها بود.

«در اینجا فقط به سخنانی اشاره میکنیم که نیت گردانندگان این جریان در آنها بخوبی پیداست، آقای موسوی خوشبختی‌ها چند روز پس از اشغال سفارت، هنگامیکه از جانب چه‌ها مورد سؤال قرار گرفتند که چرا اسناد مهم را افشا نمی‌کنید، گفتند: «ما از ابتدا برنامهای برای افشای اسناد نداشتم و این اسناد هم بطور تصادفی به دست آمده و ملا شاد آنها را افشا

دوسیاست رویونیستها در قبال مجاهدین: دریوزگی - چاپلوسی و کینه توزی

مدت زمانی است که با گسترش مجدد جنبش انقلابی و تشدید پیروسی فریبکاری توهم توده ها نسبت به رژیم پنا استوار جمهوری اسلامی و در رابطه با آن، قوت گرفتن رادیکال لیسم در جنبش انقلابی خلق، و پیرویه مجاهدین، رویونیستها این دشمنان کمونیستها و انقلابیون، حملات خود را بر علیه مجاهدین افزایش داده اند.

همه نیروهای ضد انقلابی مانند رویونیستها، لیبرالها و حزب جمهوری، بر آنند که مجاهدین را با استفاده از تزلزلاتشان بسوی خویش بکشند. حزب جمهوری اسلامی که سرکوب مجاهدین و دیگر کمونیستها، سیاست اصلی و همیشگی اوست پس از او جگیری مبارزات توده ها و قوت گرفتن رادیکال لیسم در مجاهدین به دست و پا افتاده و بهشتی دسیر حزب رای فریب توده ها و کشتادن مجاهدین بطرف خود، آنان را "پاره تن" خود میخواند!

آیت الله منتظری که با زجه دست حزب و تحت هدایت آن است نیز مجاهدین را عزیزانی خوانده است که مسلما تندو این درست عکس حرفه های قبلی اش میباشد که در باره مجاهدین گفته بود که "منافقین بدتر از کفارند".

سیاست لیبرالها نیز تلاش برای برخی حمایت های کوچک و نا چیز از مجاهدین و کشتادن آنها بزریر پرچم خود بعنوان نیروی ذخیره ای در مقابل حزب و... است. دودوزه - بازی لیبرالها و گاهی شکوه و لابه از ادیست و آزار مجاهدین، که خود عملاً در کلیه سرکوبها فعلاً دست داشته اند، بیان چیزی جز ریاکاری و فریبکاری نیست.

اما تنها حزبیها و لیبرالها نیستند که میکوشند با فریبکاری و دودوزه بازی، از مبارزات مجاهدین جلوگیری کنند. رویونیستها، این دشمنان طبقاتی انقلابیون نیز فعلاً لیت خود را در تشدید حملاتشان و در عین حال چاپلوسی از مجاهدین افزوده اند، آنها نیز میکوشند با دودوزه بازی، از مبارزات ضد امپریالیستی - مجاهدین جلوگیری کرده و مجاهدین را بزریر پرچم بورژوازی حزبی بکشانند. سخن پراکنی - های مداومی که توسط "حزب توده خا شن ایسن رویونیستها" کینه کار بر علیه مجاهدین صورت میگرفت، تا همه پراکنی رویونیستها ی فدائیان اکثریت که مملو از چاپلوسی و کینه توزی علیه مجاهدین و دعوت

از آنها برای ترک میدان مبارزه و بیدیش حاکمیت موجود او خیرا با زهم تا مه پراکنی مجدد حزب توده و اکثریت برای مجاهدین نمونه های با رزی از توطئه های خائنتانه و دشمنی آشکار رویونیستهاست. "کمیته مرکزی حزب توده" که رسوای عامو خاص است، کوشیده است با تقلید از آنچه ما، تحت عنوان پیام کمینه مرکزی به مجاهدین منتشر است، ایسان نیز تحت عنوان گفتگوی کمیته مرکزی "حزب توده" با مجاهدین آخرین کوششها یشان را برای جذب مجاهدین انجام دهند.

کمونیستها برخلاف رویونیستها، امپریالها و حزبیها، بدور از هرگونه عوامفریبی، ضمن حمایت از مبارزات ضد امپریالیستی مجاهدین تا بیکریهای آنان را افشا ساخته و خواهان مرز بندی کامل مجاهدین با تزلزلاتشان بویژه در برخورد به لیبرالها میباشند. ما زمان ما با پیروی از این سیاست مبارزه بدشلولوژیک فعالی را بر علیه دشمنان مجاهدین و کمونیستها بویژه رویونیستها، این روشنفکران و چاکران بورژوازی که بقول رفیق لنین بیش از خود بورژوازی بها و کمک میکنند براه انداخته است. در زیر میکوشیم تا با رد بگر رویونیستها را رسوا کرده، تزلزلات مجاهدین را افشا نموده و حمایت خورا از مجاهدین بمثا به یک نیروی ضد امپریالیست اعلام نمائیم.

۱- رویونیستها نه تنها دشمنان پرولتاریا، بلکه دشمنان خلق و کلیه انقلابیون نیز هستند!

روییونیم، که بیان نفوذ بورژوازی در صفوف پرولتاریا و مولودا امپریالیست نه تنها دشمن پرولتاریا، بلکه دشمن خلق نیز می باشد، چه وظیفه رویونیستها تطهیر بورژوازی امپریالیستی و جلوگیری از مبارزه پرولتاریا علیه امپریالیست است، و از آنجا که در حوا مع تحت سلطه نظیر جرمه ما، نه تنها پرولتاریا، بلکه خلق نیز رو بیامپریالیسم قرار دارد، و بدین ترتیب که رویونیستها که حافظ منافع امپریالیسم هستند و مولا بیان نگر منافع بورژوازی میباشند، با خلق و انقلاب نیز دشمنی میورزند. لیکن طبعاً برخورد آنها، به کلیه نیروهای انقلاب یکان نخواهد بود. دشمنی آنها با انقلاب، پرولتاریا و کلیه نیروهای انقلابی را موظف میکند که در مبارزه علیه امپریالیسم

به مبارزه علیه آنان (رویونیستها) بپردازند. در این باره لنین میگوید:

"خطرناکترین افراد را بنمورد کما نی هستند که نمیخواهند به این نکته پی ببرند که اگر مبارزه علیه امپریالیسم بطور لاینفکی با مبارزه علیه پورتونیم توامن باشد، جز عبارت - بردازی بوج و دروغ چیزی نخواهد بود. (امپریالیسم بمثا به بالاترین مرحله سرمایه داری تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی جهان و ایران این واقعیت را بوضوح نشان میدهد که چگونه رویونیستها ی فرانسسه بزرگدگی مورس تورز، در کشتار و سرکوب خلق الجزایر، با رژیم فرانسه همکاری مینمودند. چگونه رویونیستها ی عراقی با بعثیهای حسلاد در سرکوب خلقهای کرد و عرب عراق همکاری می کردند. چگونه رویونیستها ی افغانستان در بکدوره ها همکاری با "محمد داود خان" در سرکوب خلق افغانستان با تمام قدرت خلق به کمک اریا بان روسی اشان با تمام قدرت خلق افغانستان را سرکوب میکنند. دورن رویونیسم که چگونه حزب خا شن توده، با خیا نتنها ی مکرر تاریخی بویژه در سال ۴۲، با ارتجاعی خوانندن جنبش انقلابی سال ۴۲، با "مترقی" خوانندن رژیم شاه، با وانمودا ختن جنبش تهریز بعنوان کار ساواک و... دشمنی خود را با جنبش انقلابی خلق نشان داده است و اکنون نیز چگونه بی شرمانه در مبارزه علیه انقلابیون، در دفع مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان، با دشمنی با جنبشهای انقلابی خلق کرد، ترکمن و... در دفاع از حاکمیت ضد انقلابی و... این دشمنی را تشدید نموده است. تشدید دشمنی رویونیستها با انقلاب و کمونیستها، زمانی صورت میگردد که بویژه جنبش او ج گرفته باشد.

چه هما نظور که انگلس میگوید:
"پرتسیب اساسی آنان خوف از انقلاب است" (۱) بهمین دلیل است که حزب خا شن توده در پی او جگیری جنبش در کردستان بود که "کومله" را آمریکا یی تا میدو جنبش خلق کرد را تخطئه نمود. انقلابیون ایران را تخطئه نمود و قیاحتنه آنان را عامل ایجادا شیم خوانند و با لخره هرجا که جنبش بود و مبارزه ای، هم جنبش و هم انقلابیون را تخطئه نمود. اگر کارگران دست به مبارزه بزنند حزب توده، آنسرا "اخلالگری ضد انقلاب" میخواند. اگر کمونیستها نظا هراتی ترتیب دهند، با دریوزگی تمام رژیم میخواند که آنان را سرکوب کند و در میتینگ حزب جمهوری که در آن خواستار انحلال مجاهدین میشوند، شرکت میکنند و...

۱- به نقل از پورتونیم و ورشکتگی انترنا سیونال دوم

رویونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

اقدامات انقلابی فرهنگیان آواره برای تهیه مسکن

فرهنگیان مبارزان طاق جنگزده در ادامه مبارزات خود برای روشن شدن وضع حقوقی و مسکن خود، روز چهارشنبه ۱۷/۱۰/۵۹ در ساختمان وزارت آموزش و پرورش اجتماع کردند. آنها در این اجتماع ضمن توضیح بی نتیجه بودن تمام اقدامات خود از جمله به وزیر آموزش و پرورش گرفته تا خمینی و بنی مذهب افشای سیاستهای ضد خلقی رژیم پهلوی، در ضمن این افشاگرها یکی از عناصر خود فروخته رستاخیزی که به حمایت از رژیم جمهوری اسلامی و ارگانهای سرکوبگرش برخاسته بود مورد تنقید و اعتراض فرهنگیان قرار گرفت. در ادامه تجمع، آنها نتیجه گرفتند تنها راه رسیدن به حقوق خود، اقدامات انقلابی و قاطعانه آنهاست. به همین خاطر آنها برای تهیه مسکن برای خود، به طرف دهکده المپیک شروع به راهپیمایی کردند. این راهپیمایی که با شرکت حدود ۶۹ نفر از فرهنگیان مبارزان انجام گرفت در مسیر خود از

بقیه در صفحه ۲۷

از این رو بود که حزب خا شن توده دریا سخ به اعلامیه انقلابی فدائیان بنام سبت سالروز شهادت خرو روزی که راروزنا مه بورژوازی را خوار کردند و افکار آنها را "ما ثوئیتی" قلمداد نمودند (۲) و از آن مهمتر در مقابل اعلامیه انقلابی ۲۹ اردیبهشت پیشگام که "حزب توده" را ضد توده و ضد طبقه کارگر و روزنامه مردم را ضد مردم خوانده بود، "توده ایها" پیشگام را عضو ارگستری که رهبرش امیر لیسماست "خوانند (۳) اما بتدریج که مواضع فدائیان راست تر می گشت حزب خا شن توده، تعریف و تمجید را از فدائیان بیشتر نمودند آنجا که امروزه خواهان پیوستن فدائیان اکثریت به حزب توده است از حزب توده در برخورد به مجاهدین نیز عینا همین سیاست دوگانه را در پیش گرفته است از یک طرف در راه پیما شی ها شی که در آنها انحلال مجاهدین در خواست میشود شرکت میکنند و از طرف دیگر آنها را "دوستان" مجاهد، مترقی... میخوانند رویزیونیستها میگویند با حمله به مواضع انقلابی مجاهدین و طرفدان و با تکیه بر تزلزلات وضعی مجاهدین آنها را بسوی خود بکشند در این راه حزب خا شن توده و رویزیونیستها سیاستهای خا شن اکثریت یا یکدیگر را به گداشته و با چا بلوسی و چرب زبانی، عا جزا نه از مجاهدین تقاضای ترک مواضع انقلابی شان را دارند. ولی کدام ضعفها و انحرفات مجاهدین باعث میگردند که امید رویزیونیستها قطع نگردد؟

۲۳ و ۲۴ روزنامه مردم شماره ۱۷، سوم
خرداد ۵۸

تا ریح نیز سرنا را از این نمونه های دشمنی تمام عیار رویزیونیستها با کمونیستها انقلابی است. مبارزه منشویکها با بلشویکها در روسیه رضا در نمودن فرمان دستگیری لنین به جرم "خیانت"، کشتار کارگران و زخم کشان آلمان توسط رویزیونیستها یا خا شن چوون "شیدمان" و بیوزیه قتل عام کمونیستها آلمان حتی رهبران برجسته آن چون رفیق کارل - لیبکنخت و رورالو کوزا مپورک "کشتار کمونیستها در اریتره، اتیوپی، افغانستان و... نمونه های گویای دشمنی سرخا نه رویزیونیستها با کمونیستهاست. از اینرو نتیجه بی ناپذیرد که در روسته حزب خا شن توده نیز کمونیستها انقلابی را آمریکا شی وفدا انقلابی بنا مد.

ب- در برخورد به نیروهای ناپیگیر جنبش کمونیستی و انقلابی خلق، سیاست رویزیونیستها دودوزبازی است. از یک طرف مواضع انقلابی آنها را مورد حمله قرار میدهند و از طرف دیگر با تکیه بر تزلزلات و ناپیگیریهاشان میگویند آنها را با طرف خوبشانند. شیوه برخورد به بخش منشعب (م.ل) فدائیان و مجاهدین کتونی نیز از همین سیاست ناشی میشود.

در برخورد به بخش منشعب (م.ل) مجاهدین، از آنجا که هنوز مواضع سازمان در قبال سوسال - امیر لیسما کلا روشن نبود، و تحولات مبارزه طبقاتی و انسجامی گرایشات گوناگون (که امروزه کلا روشن گشته است) دقیق نگشته بود حزب خا شن توده در برخورد به بخش منشعب از یک طرف آنرا در درون جنبش قلمداد میکنند و "رفقا" خطاب میکنند و از طرف دیگر به سیاستهای انقلابی بخش منشعب، شدیداً حمله میکنند و آنرا "خرفه های ما ثوئیتی" و "خرده بورژواشی" میخوانند. لیکن علیرغم آن، قطع امید نگردند و به همین دلیل در بررسی انتقادی مواضع جدید مجاهدین خلق ایران (بخش م.ل) میگویند "روی سخن ما نه تنها با سازمان مجاهدین خلق ایران (بخش م.ل) بلکه با همه آن عناصری است که در درون جنبش هنوز از خرافات ما ثوئیتی رهبا شده اند." (بسوی حزب شماره ۱۱)

آنها در این نوشته شان میگویند مواضع انقلابی بخش منشعب را در قبال سرگردگسی پرولتاریا در انقلاب، علیه بورژوازی لیبرال و حزب توده، در جنبه ها و خد ضد دیکتاتور و... طردنمایند، اما سیاست دوگانه آنها بتدریج که مواضع سازمان در قبال سوسال امیر لیسما هبات حاکمه و حزب توده دقیقتر و روشنتر میگردد و با تحولاتی که در عرصه قدرت سیاسی روی میدهد اینان در دفاع از حاکمیت ضد انقلابی، حملات خود را نسبت به سازمان تندید کرده و مزورانه آنرا "فدا انقلابی و آمریکا شی" میخوانند. در برخورد به فدائیان نیز اینان کسه تزلزلات رویزیونیستی فدائیان را در یافته بودند، با تکیه بر این تزلزلات میگویند آنها را بسخت خود جذب کنند و در عین حال مواضع انقلابی آنها را مورد هجوم قرار دهند.

و در این راه از هیچگونه دروغ و غیردرازی، فرصت - طلبی، و ناسناژو... رویگردان نیست. تندید حملات کتونی آنها علیه مجاهدین نیز ناشی از رزق جنبش و تقویت را دیک لیسما مجاهدین است. اما این بدان معنی نیست که رویزیونیستها به کلیه انقلابیون یکسان برخورد میکنند.

۲- رویزیونیستها در برخورد به انقلابیون دوسیاست را در پیش میگیرند!

رویزیونیستها روشنفکران نقس با زده بورژوازی هستند، از اینرو در برخورد به طبقات و نیروهای سیاسی جامعه، سیاستهای متضاد و "سنجیده" بورژوازی را بکار میگیرند! آنها در حملات خود را بنا بر مقتضیات تندید کرده و با تخفیف میدهند و در برخورد به نیروهای انقلابی آنها را دوسیاست متفا و رادار پیش میگیرند.

الف: آن دسته از نیروهای کمونیستی و پیگیر که فاقد تزلزل بوده و سرخا نه در راه انقلاب میروند، مورد تنقید آنهاست. رویزیونیستها آنها را با پیروان نه میگویند و از هیچ دروغ و کوشی شان رالتا نیز مپورخورد های ماکیا ولیستی رویگردان نیستند. بدین دلیل است که آنها سازمان ما، کومله و برخی دیگر را ضد انقلابی میخوانند و بیشتر ما نه تراژان ما را "سیا سخته و آمریکا شی" قلمداد میکنند. برای آنها لجن - پراکنی، فحاشی، دروغ و غیردرازی ذره ای خجرج ندارد. چه آنها را ماکیا ولیست هستند، برای اینان هدف وسیله را توجیه میکند. به همین دلیل برای رسیدن به اهداف ضد انقلابی شان از هیچ دروغ - پردازی و لجن پراکنی خودداری نمیکنند. چه آنها برای رسیدن به اهداف بورژوازی شان طبعا شیوه برخورد بورژوازی را نیز در پیش میگیرند. ببینید حزب خا شن توده با چه حرارتی، وقیحا نه خواهان سرکوب نیروهای انقلابی نظیر ما و کومله... میباشند. ببینید با چه وقاحت و بی شرمی میگویند ما را "سیا سخته و آمریکا شی" جلو ده دهند.

چنین است که آنها در برخورد به کمونیستها و انقلابیون پیگیر، لحظه ای از کینه تیزی، دروغ و غیردرازی، لجن پراکنی... دست بر نمی دارند. و بد تراژان ما نندجا سوسان، به لودادن کمونیستها و انقلابیون پرداخته و خواهان سرکوب کامل آنها میشوند.

رویزیونیستها نوبیای فدائیان اکثریت نیز که تازه بدوران رسیده اند، هنوز تمام و کمال این شیوه کهنه کاران رویزیونیست را فرانگرفته اند اما بتدریج همچنانکه مواضع رویزیونیستی شان منسجم تر میشود، آنها نیز شیوه برخورد "حزب توده ای" یا بی عبارتی دقیقتر ماکیا ولیستی را بیشتر و بیشتر در پیش میگیرند. بدین ترتیب سیاست رویزیونیستها در مقابل انقلابیون پیگیر و بیوزیه کمونیستها پیگیر، سیاست دشمنی تمام عیار و طرفدو حسی سرکوب کامل انقلابیون است.

خط سوم: خطی بدنبال ارتجاع حاکم!

جناح در شیوه تحقق اهدافشان اختلاف دارند. آنان برای رسیدن به هدف واحدشان از روش های گوناگون استفاده میکنند. آنان خط سبز - انقلاب بوده و در مقابل آن جبهه خط انقلاب که با سادار منافع توده ها است و از در هم کوبیدن خط ضد انقلاب میگذرد وجود ندارد. خط سوم "در چهره - چوب همان خط ضد انقلاب است. برای شناخت از

اگر چه در بررسی درک امت "از مناسبات خارجی که کمابیش درکی همانند رویزونیستهای خروشچینی است، سخن بسیار میتوان گفت، لیکن آنچه در اینجا مورد نظر ماست، بررسی دیدگاه "راه سوم" در برخورد به مبارزه طبقاتی حاد درون جامعه و فضای این نظرگاه فربیکارانه میباشد.

ببینیم مبنای اساسی تفکر "راه سوم" امت چیست: "حفظ وحدت جبهه خلق علیه امپریالیسم تحت رهبری امام خمینی" و با آنکه با قانعان اساسی مرحله ای، پرهیز از تضادهای فرعی و فرافراش کردن دشمن اصلی، مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک با جریانات سازشکار و لیبرال و قشری و فرصت طلب، تنگ نظران و انحصارگر، تشدید مبارزه ضد فئودالی و ضد سرمایه داری و... (امت شماره ۹۱) امت نظرات خود را چنین فرموله

مسئله آنجاست که "امت" طریقه مختلف سلیقه های همیشما را طریقه تضاد های جانمایی در یک روند عمومی خواهان یکسری رفرم در چهار چوب همین نظام موجود است. این راه نه از طریق انقلاب، بلکه بصورت گام به گام و با رفرم در ماشین دولتی خواستار اهداف خویش است. امت از راه سوم سخن میگوید ولی اگر منظور وی راه انقلاب است، باید پرسید چرا در نشریات امت سخنی از ضرورت نابودی ماشین دولتی حاکم نیست؟

میکند که "امپریالیسم آمریکا، خط امام را بزرگترین دشمن خود میداند" و در برخورد به انقلابیون امت چنین نظر میدهد: "الف - نیروهای کمونیستی چون سازمان پیکار را قیقا نه "ضد انقلابی" میخواند و حرکت نیروی ضد امپریالیستی چون مجاهدین را بفتح "آمریکا" میخواند (امت شماره ۹۱)

تحلیل از دیدگاه امت از یکسوی برخورد به ضد انقلاب و بخصوص خط امام خمینی و از سوی دیگر در برخورد به نیروهای انقلاب مشخص کننده جایگاه واقعی امت است.

خط امام: بزرگترین دشمن امپریالیسم یا حافظ منافع امپریالیسم؟

نیروهای ضد انقلابی گوناگونی میکوشند خود را پیرو خط امام "جلوه دهند تا بتوانند از طریق آن به منافع ضد انقلابی خویش ناشکل گردند. حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی خود را اصیل ترین نیروی پیرو خط امام میداند. حزب خائن توده و فدا شیان اکثریت خائن نیز، خود را طرفدار امام میداند. لیبرالهای ضد انقلابی نیز برای عقب نماندن از غائله وینا بر مفاصل پس ببینند خود را پیرو امام و خط آن میخوانند! سه جبهانی های مرتجع نیز حساب امام را از حزب حاکم جدا کرده و خط او را خط استقلال طلبانه "شرقی نه غربی" میخوانند. اکنون دیر زمانی است که "امت" نیز خود را پیرو خط اصیل امام "میخواند! اینک خطی و چه کیسه گل و گشادی است که کلیه ضد انقلابیون خود را پیرو آن می - خوانند. سوالی است که با سخنان و امت انقلابی

را سوم با بدیدگاه این راه در خدمت کدام طبقه اجتماعی و کدام سیستم اجتماعی - اقتصادی قرار دارد و موضع آن در قبال نیروهای انقلابی و کمونیست چیست؟ مسئله آنجاست که "امت" علیرغم اختلاف سلیقه های همیشما را علیرغم تضاد های جانمایی در یک روند عمومی خواهان یکسری رفرم در چهار چوب همین نظام موجود است، این راه نه از طریق انقلاب، بلکه بصورت گام به گام و با رفرم در ماشین دولتی خواستار تحقق اهداف خویش است. امت از راه سوم سخن میگوید ولی اگر منظور وی راه انقلاب است، باید پرسید چرا در نشریات امت سخنی از ضرورت نابودی ماشین دولتی حاکم نیست؟ نکند امت خیال دارد همچون رویزونیستهای کهنه کار حزب توده و فدا شیان اکثریت از "بالا" و بتدریج، جامعه را به راه رشد غیر سرمایه داری "سوق بدهد"!

نوشته های امت سرا سر آکنده از این طرز تفکر است. اگر امت از یکسوی ضرورت قطع مناسبات با آمریکا، فضای لیبرالها، صحبت میکند از سوی دیگر از نزدیکی به شوروی، گسترش مناسبات با "اردوی سوسیالیستی" و جبهه با یاری عرب "همکاری با احزاب مترقی" همچون اکثریتی های خائن حرف میزند. امت ادعا میکند که علیه امپریالیسم میخواند مبارزه بر خیزد، لیکن نمیداند و نمیخواهد بداند و نمیداند بداند که مبارزه با امپریالیسم هرگز به معنی تقویت مناسبات با شوروی و سوسیال امپریالیستی نیست. مبارزه با امپریالیسم گسترش مناسبات با رژیمهای ضد انقلابی مانند شوروی نیست. سوسیال - امپریالیسم امروز بخشی از جهان امپریالیستی را تشکیل داده و سوریه جزئی از کل ارتجاع جهانی بشمار می آید.

او جگریری مدهد مبارزات دمکراتیک - ضد - امپریالیستی خلقهای قهرمان میهنمان و ناتوانی رژیم جمهوری اسلامی توهانات اقشار وسیعی را نسبت به هر دو جناح هیئت حاکمه، لیبرالها و بویژه حزب جمهوری اسلامی فرو ریخته است و توده ها در زیر فشارهای سنگین اجتماعی اقتصادی، بدنبال آلترناتیو جدیدی برای رهایی از چنگال فقر و استثمار و اختناق موجود در جامعه اند. بعداً دهشتناک بحران اقتصادی - سیاسی و ناتوانی جبری رژیم جمهوری اسلامی در پیکار با دشمنان به کسرتش بحران از یکسو و عدم توانایی در مقابل بله با کسرتش ناراضی و اعتراضات توده ها از سوی دیگر نیرو خامت! وضع افزوده است. بوخامتی که کمونیستها و انقلابیون با آن راهبرتها، انقلابی و بسج توده ها بگرد آن میکوشند، بر فراز ویرانه های کاخ ستگران حاکم بدان پاسخ گویند و ضد انقلاب نیز میکوشد با سرکوب توده ها و با زسازی سیستم زخم خورده سرمایه داری وابسته ما به بحران پاسخ گوید.

بدین ترتیب دورا به بیشتر برای پاسخگویی به بحران کنونی وجود ندارد. یکی پاسخ انقلابی که با نا بودی سیستم سرمایه داری وابسته و رژیم حافظ آن میسر است و دیگری پاسخ ضد انقلابی که جز با مقابله و سرکوب انقلاب و با زسازی سرمایه داری وابسته و کلیه نهاد های حافظ آن میسر نیست.

بنابراین راه سوم وجود ندارد. با همها با رژیم پدیده سرکوب خلق پرداخت (راه ضد انقلابی) و با بر علیه آن برخاست و آنرا به گورناریخ سپرد (راه انقلابی) راه سوم، راهی بین انقلاب و ضد انقلاب وجود ندارد. با انقلاب علیه ضد انقلاب، و با ضد انقلاب علیه انقلاب. این حکم جبری تاریخ است.

لیکن مدتی است که مزه های "راه سوم" از جانب برخی نیروها بگوش میرسد. اینانی - شرمناکه میکوشند راه لیبرالها و راه حزب جمهوری را دورا از یکدیگر نشان داده و سپس راه دیگری که با مطلق همها لیبرالیسم "غرب گرا" و همها "انحصار طلبان مرتجع" مرز بندی دارد، را ارائه دهند. برخی از این نیروها که خود از کرایشات متفاوت طبقاتی برخوردارند، تحت عنوان خط اصیل امام "بخشی دیگر تحت عنوان "خط مکتب"، راه سوم" را عرضه نموده اند. "امت" آن جریان فکری است که راه سوم را "خط اصیل امام" میخواند. ما در اینجا به بررسی "راه سوم" از دیدگاه "امت" می پردازیم.

امت چنین وانمود میسازد که لیبرالها یک راه و حزب جمهوری راه دیگری را عرضه نموده و حال آنکه خود با هر دو مرز بندی داشته و راه سوم را ارائه مینماید. اما آیا چنین است؟

اگر همانطور که بارها گفته به ما هیئت طبقاتی این "راه" ها توجه نمائیم روشن میشود که اولاً حزب جمهوری و لیبرالها هر دو راه واحدی را طی میکنند و آن عبارت است از راه سرکوب انقلاب و با زسازی سرمایه داری وابسته. لیکن این دو



نما "با دیدهد، آنطور که پیداست "خط امام" خطی است که از بیروان شعارنه شرقی نه شرقی" (لیبرالها و سه جانی ها)، تا آنکه پیرو شعار نه "غری، نه غری" (اکثریت و حزب توده و...) و آن تا آنکه پیرو شعار نه شرقی، هم غری! هستند و در بر میگرد، آنرا برآستی این خط جز خط ضد انقلاب است؟

الف: رسالت خط امام معانعت از در هم شکستن سلطه امپریالیسم است. این خط حافظ سیستم سرما به داری و بسته است. اگر خط راحتی به طری عا میانه، همان چیزی بد نیم که خود گفته و عمل کرده است، می بینیم؛ که این خط در مقطع قیام مانع از پیروزی قیام توده ها گشت، مانع از آن شد که ما شین دولتی سرما به داری و بسته و اصلی ترین ابزارش (ارتش) داغان شود. این خط با برادر خواندن ارتش در نزد توده ها و بسا خلع سلاح آنها، مانع از در هم شکسته شدن ارتش ضد خلقی گشت از خیانت های خط امام حمایت از سازش بهشتی و هو بی زور حمایت از بازگان و تشکیل دولت موقت بود، خود خمینی بازگان خا ش را محبوب خوانده و دشمنی با دولت موقت را ضد انقلابی، حرام و کفر خواند!

مگر "ما م" نبود که از سرما به داران و بسته دعوت نمود که بر سر کار باز گردند و کارگران را دعوت به کوشش و تلاش بیشتر برای سرما به داران نمود؟ مگر "ما م" نبود که دستور عفو و منع محاکمه عوامل سرسپرده آمریکا (از جمله ارتشی ها و ساواکی ها) را اعلام نمود؟ مگر به برکت رهبری امام ارتش آمریکا شای ایران باز سازی نشد و سرسپردگانی چون باقری، فلاحی، علوی، و مدنی این "دست نیرو مند ما م" به فرماندهی ارتش گمارده نشدند؟ مگر به برکت خط امام نبود که لیبرالهای خا شنی چون بازگان، یزدی، قطب زاده طباطبائی و دهها نفر دیگر به قدرت رسیدند؟ و بالاخره مگر در کشاکش جنگ قدرت به برکت همین رهبری و همین خط "نیست که حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی بر ارگانهای اساسی قدرت تکیه زده است؟ آیا چنین خطی بزرگترین دشمن امپریالیسم است؟!

ب: رسالت خط امام سرکوب دموکراسی و انقلاب است مگر به برکت همین رهبری، جلوی تداوم مبارزات ضد امپریالیستی، ضد ارتجاعی توده های میهنمان گرفته نشد؟ مگر همین خط به سر کوب کارگران و زحمتکشان، این بزرگترین دشمنان واقعی امپریالیسم دست نزد؟ مگر فرماندهی لشکرکشی به کردستان قهرمان توسط همین رهبری "صورت نگرفت؟ مگر مسلح نمودن خوانین و فئودالها در اقصی نقاط کشور از کردستان گرفته تا شمال و فارس، در بر تو چنین "رهبری" حاصل نیامد؟ مگر خود همین "رهبری" با حذف بندهج از فرم رضی دست بخت خودشان، حفاظت از منافع فئودالها و زمینداران بزرگ را بر عهده نگرفت؟ مگر با تهدید کارگران و دهقانان منع اعتصابات و تحمن و نظهرات و

با منع مصادره "خودسرانه" زمین توسط دهقانان بر علیه انقلابی ترین طبقات جامعه برنخاست؟ مگر جناحهای مرتجع حاکم در بر تو رهبری همین خط امام موباستفاده ز نفوذ آن، توده های میهنمان را تحمیل ننمودند و مبارزه با هر جنبش اعتراضی و مبارزه با هر نیروی انقلابی را مبارزه علیه امپریالیسم نخوا نندند؟ مگر همین "خط امام" و خود امام ضرورت سرکوب انقلابیون چون مجاهدین و کمونیستها را اعلام نکرد؟ و مگر به برکت همین رهبری، آزادیهای دمکراتیک سرکوب نگشته است؟ با بد از امت برسید مگر همین حزب "انصار" - طلب "مرتجعی که شما خود را مخالف آن می خوانید، به برکت همین خط بر سر کار نیامده است و مگر مورد حمایت همین خط و رهبری آن نیست؟ مگر...

ترکمن... را تعقیب نموده است. اکنون با ردیگر می برسیم آیا میتوان ضد انقلابی بود و در عین حال ضد امپریالیست؟ آیا میتوان رهبری بورژوازی (چپ حزب، چپ لیبرالها) را پذیرفت و آنها و بویژه حزب را مورد تائید قرار داد و ضد سرما به داران و فئودالها، لیست بود؟ آیا میتوان منافع فئودالها، زمینداران و طبقه سرما به داران را حفظ و حراست نمود و با زهم ضد امپریالیست بود؟ آیا میتوان کلیه دستاوردهای دمکراتیک قیام را سرکوب نمود و با زهم ضد امپریالیست بود؟ آیا میتوان سلطه سیاسی، اقتصاد و امپریالیسم را بر میهنمان حفظ نمود و با زهم ضد امپریالیست بود؟ آیا میتوان توده های ضد امپریالیست و انقلابیون ضد امپریالیست را سرکوب نمود و

*** بدین ترتیب در راه بیشتر برای پاسخگویی به بحران کنونی وجود ندارد. یکی پاسخ انقلابی که با عود ناویدی سیستم سرما به داری وابسته و رژیم حافظ آن میسر است. دیگری پاسخی ضد انقلابی که جز با مقابله و سرکوب انقلاب و بازسازی سرما به داری، وابسته و کلیه نهاد های حافظ آن میسر است.**

اگر بخوایم، بیکی یک اقدامات ضد انقلابی مرتجعانه و ضد دمکراتیک که توسط این خط و صدها البته تحت هدایت حزب جمهوری اسلامی صورت گرفته است، مثنوی هفتاد من کاغذ شود. امت ما ننسد ما کیا ولیست های حزب خا ش توده ای و اکثریت "خط امام" را شیری بال و دم و شکم کرده و سپس بدلیل مخالفت ضد انقلابی خط امام با آمریکا آنرا خط ضد امپریالیستی جا میزند، در اینجا است که ماهیت خط امت روشن میگردد: خط امت خطی است که مشاطه گرد ضد انقلاب حاکم بوده و نه در پی مبارزه با رژیم بلکه اساسا در سازش با رژیم می باشد در اینجا است که با دیدها امت گفت که خط شما نه خط ضد امپریالیستی و مبارزه جویانه، بلکه خطی ضد انقلابی است چرا که خط شما:

- ۱ - توده ها را دعوت به پذیرش رهبری خرده بورژوازی مرفه سستی که مدت ها است ضد انقلابی گشته، می کند.
- ۲ - توده ها را به زیر پرچم بورژوازی فرا میخواند چرا که خط امام در خدمت بورژوازی حاکم است و همواره خواهان ایجاد تفا هم بین لیبرالها و حزبها، (که تفا قاگوبیا شما با هر دو مخالفید)، میباید و خط امام بویژه و عموما از حزب ارتجاعی حمایت میکند!
- ۳ - خط امام بدنبال خطی است که همدست با بورژوازی، سلطه امپریالیسم را بر میهن ما حفظ نموده است از طبقه سرما به داران و فئودالها حمایت میکند و اصلی ترین ابزار سرکوب امپریالیسم (ارتش دست پرورده) را حفظ و حراست میکند.
- ۴ - خط امت بدنبال خطی است که در خدمت سرما به داری و وابسته بزرگترین سرکوب را در طول بعد از قیام بر علیه انقلابیونی چون مجاهدین و کمونیستها انجام داده است و فعالانه سرکوب کارگران، دهقانان، و خلقهای کرد و

با آنها دشمنی نمود و با زهم ضد امپریالیست بود؟ ممکن است بگوئید خط امام اقدامات ضد امپریالیستی نظیر مبارزه با آمریکا، دفاع از اشغال سفارت و... داشته است و آمریکا با این خط و رهبری مخالفت است و این است نشانه ضد امپریالیستی بودن این خط! در جواب ما می گوئیم اگر هر مخالفی با امپریالیسم آمریکا نشانه ضد امپریالیست و مترقی بودن طرف مقابل است بنا بر این "ایدی امین" از "ما م" ضد امپریالیست تر است، چه اگر خط امام "سفارت را اشغال نمود و بر آن صدها گداشت، ایدی امین، این مرتجع تاریخ در دیت با امپریالیسم انگلیس، انگلیسها را مجبور نمود تا وی را بر دوش خود حمل نمایند! ولی آیا این نشانه ضد امپریالیست بودن آن است، خیر!

بنا بر این اگرچه "خط امام" تفا دهائی با امپریالیسم آمریکا دارد، لیکن این تفا د از مقوله تفا د درون ضد انقلاب است و هیچگونه ماهیت مترقیانه و دمکراتیکی ندارد. و خلاصه کلام آنکه "خط امام" نه تنها بزرگترین دشمن امپریالیسم جهانی نیست، بلکه در هم دوشی با بورژوازی ایران (حزب جمهـوـری لیبرالها) حافظ سیستم سرما به داری و بسته لیسم جهانی است.

**جبهه متحد امت
جبهه متحد ضد انقلاب**

جلو تر برویم جبهه خلق شما که تحت رهبری ضد انقلاب قرار دارد از چه کسائی تشکیل میشود؟ ضد انقلابیونی نظیر حزب توده و اکثریت و حزب جمهوری و "امت" و... جبهه ای که در دشمنی با دمکراتهای انقلابی و کمونیست ها دست رژیم



آیا زحمتکشان ایران به هدف‌هایی که بخاطر آن‌ها، آیت‌الله خمینی را به ایران برگردانند، رسیده‌اند؟

زحمتکش به ایران برگشته بود، زمان بسیار کوتاهی پس از بازگشت، با زرگان لیبرال‌سازش - کار را به نخست‌وزیری برگزید، فرمائدها ن مزدور ارتش شاه را تظہیر کرد و عفونمود. دستور یورش به آزادی‌های دمکراتیک را صادر کرد، مهره‌ها و مزدوران رژیم‌شاه و از جمله جلادان ساواکرا مورد عفو قرار داد. شخصاً دستور حمله به کردستان قهرمان را صادر کرد، بدترین تهمت‌ها را به کمونیست‌ها و انقلابیون دیگر که ما لها در سخت‌ترین شرایط بخاطر هر شای زحمتکشان مبارزه کرده بودند، وارد کرد، کشتار خلق عرب خوزستان را بدست مدنی مزدور تاشید کرد و...
و آرم‌آرم خلقهای زحمتکش ما دریا فتنه (ومی یا بند) که آنچه را بازگشت "آیت‌الله" انتظار داشتند، سرا بی بیش نبود.

آری زحمتکشان ایران با دستان پرتوان خود، شرایط بازگشت آیت‌الله خمینی را به ایران فراهم ساختند ولی ایشان بنا به ما هیت طبقه‌اش قدرت و تمایل با سخگوشی به نیاز - های توده‌های ستکشان را نداشت و مردم قهرمان ایران با درک این واقعیت مبارزه خود را برای تحقق خواستهای انقلابی شان ادامه میدهند.

۱۲ بهمن امسال، دو سال از بازگشت آیت - الله خمینی از تبعید ۱۵ ساله در خارج از ایران میگذرد، دوازده بهمن ۵۷، در اوج مبارزات خلق - های ایران علیه رژیم دست‌نشانده شاه، زحمتکشان ایران آیت‌الله خمینی را که در رأس جنبش مردم قرار گرفته بود با ایران برگرداندند و یکی از پرشکوهرترین استقبال‌های تاریخ را از وی بعمل آوردند. توده‌های زحمتکش آیت - الله را با ایران بازگرداندند بگمان اینکه روز - های سیاه گذشته با این خواهد گرفت، استثمار و ستم‌طبقاتی از بین خواهد رفت و چهره زندگی زحمتکشان بکلی تغییر خواهد یافت. خلقهای قهرمان ایران انتظار داشتند که با بازگشت آیت‌الله خمینی خواهند توانستند تا کمیت انقلابی خود را اعمال کرده و با معای نوبسازند توهمات توده و تبلیغات آیت‌الله خمینی و اطرافیان که رهبری مبارزات مردم را بدست گرفته بودند و نیز نبودن یک آلترنا تیو پر قدرت انقلابی در جامعه، شرایطی پدید آورده بود که توده‌ها در چهره آیت‌الله خمینی، حلال همه مسائل و مشکلات خود را میدیدند و به همین جهت در اثر مبارزات انقلابی شان ایشان را به ایران برگرداندند. اما وی که به همت توده‌های

شاه را از پشت بسته اند، برایستی جبهه خلق شما بر رهبری امام خمینی "چه تفاقوتی با جبهه متحد خلق" حزب فدا انقلابی توده‌دار؟ ترکیب نیرو - های آن که یکسان است، پذیرش رهبری ضد انقلاب که در هر دو یکسان است، دشمنی با کمونیست‌ها و انقلابیون که در هر دو یکسان است، تبلیغ ضرورت نزدیکی با اردوی سوسیال - امپریالیسم که در هر دو یکسان است، آری به درستی آنچه شما در فکر تشکیل آن هستید نه جبهه متحد خلق، بلکه جبهه متحد فدا انقلاب است جبهه - ای که تنها جای لیبرال‌ها در آن خالی است! آری دیدگاه سوم "که در فکر تشکیل جبهه فدا انقلاب تحت رهبری فدا انقلاب است، مبنای فعالیت خود را نیز پذیرش حاکمیت جمهوری اسلامی و قانون اساسی مرحله‌ای قرار داده است آیا مگر روشن نیست که قانون اساسی کنونی، قانونی در جهت برسمیت شناختن مناسبات سرمایه‌داری، قانونی ضد دمکراتیک و فدا انقلابی است؟ چگونه میخواهید با پذیرش چنین قانون اساسی - ارتجاعی، مبارزه انقلابی کنید، چه فرقی بین مبارزه شما و مبارزه لیبرال‌ها در دوره شاه‌ها شن که با برسمیت شناختن قانون اساسی، فعالیت میکردند، وجود دارد. واقعیت این است که شما میخواهید با پذیرش قانون اساسی فدا انقلابی با تشکیل جبهه متحد فدا انقلابی، با پذیرش کمونیست و انقلابی در چهره رجب پذیرش حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی عمل کنید. دیدگاه سوم شما، چیزی جز فدا انقلاب بزرگ کرده نیست. راه سوم شما علیرغم تمامی شعارهای پوچ و تو - خالی و وادیکال شما یا نه "شما، راه سومی نیست، بلکه راه فدا انقلاب است راهی که امکان نخست‌وزیر شدن ریاست جمهوری و وزارت امور - خارجه... را برای سردمداران امت در رژیم ارتجاعی کنونی مهیا ساخته است. قرار گرفتن در رأس چنین مقاماتی ما هیت واقعی کما نسی چون دکتر پیمان آشکارا بر ملا خواهد شد.

بقیه از صفحه ۱۷ برگرد...

خوابی را که در اختیار داشتند در زیرجا در روشن کنند و این مسئله موجب میشود که ۵ تن از زحمتکشان آوارده در اثر گاز گرفتگی به وضع دردناکی گشته شوند.

این زحمتکشان تا زمانی که در مناطقی جنگی بودند توسط توپخانه و هواپیماهای مزدوران عراقی کشته میشدند و امروز بعلمت نداشتن مسکن مناسب و دیگر نیازهای اولیه زندگی در واقع بدست رژیم جمهوری اسلامی اینچنین جان خود را از دست میدهند. این واقعیت دردناک لکه‌نگ دیگری است بر دامن رژیم جمهوری اسلامی و مهربانان - شعراهای فربکاران‌هاش در مورد ادعاهای حمایت از زحمتکشان میزند.

نقل با اختصار از "فربا دوازرگان" ۱۱ کمیته خوزستان

فساد و فحشا در سپاه پاسداران نوسفر

شدن "قرصهای ضدحاملگی" داستانی بسیار بد و شب‌وروزا زهدتوقا دم‌میزند، در دامن خود چنین پاسدارانی را پرورش میدهند که برای "مکتبی" و آنهم پاسداران خواهر مکتبی شان روابط آنچنانی برقرار میکنند! زهی بر شرمی! در حالیکه کمونیست‌ها با پیروی از اخلاق و فرهنگ کمونیستی در مورد مسائل مربوط به روابط زن و مرد با تبلیغ روابط با لم و انقلابی با هرگونه لا با لنگری و فساد مبارزه کرده و در جهت از بین بردن علل پیدایش آنها با بمردی میکنند. در حاشیه این واقعیت با اثارهای هم‌بسه رویزیونیست‌های "اکثریت" (فدا شیان) کرد که در دفاع از پاسداران "گاسه داغ ترازش" شده بودند و این مسئله را تا به پراکتیسی اساس "فدا انقلاب" قلمداد میکردند. رویزیونیست‌های مرتد چه زود و اژه‌های معمول حزب جمهوری اسلامی را با دگرگفته‌اند. اما ارجاع پرونده - دادگستری و آفتاب‌بانی شدن این ماجرای رسوا در نوزدهم مردم شهر، این مدافعین جدید رجحان را نیز افشا کرد.

در اوائل دیماه یک نفر از پاسداران بجرم داشتن "روابط نامشروع" با یک دختر پاسدار دستگیر شد. این دختر پاسدار کدما من (که مامور شلاق زدن زنان بدکار بود) است هم‌شده بود. زعمای پاسداران نوشهر برای جلوگیری از درگیری بیرون به پاسدار مذکور فشار می - آورند که با دختر پاسدار ازدواج نماید. ولی او نمی پذیرد. "وجدان" این پاسدار که هم "مکتبی" و هم "تقوا" بود، او را وادار به فاش ساختن حقیقت می نماید. وی اعتراف میکند که علاوه بر وی چهار پاسدار دیگر (که لابد آنها هم مکتبی بودند) با این دختر پاسدار "مکتبی" (که مامور تنبیه زنان بدکار بود!!) رابطه داشته‌اند. در نتیجه هر پاسدار با زداشته و بیرون داده به دادگستری ارجاع میشود.

رژیم جمهوری اسلامی که روزی نام‌ها پیش را از فحاشی و ناسزاهای پلید پر میکند و همانند رژیم‌شاه بدترین و کثیف‌ترین اتهامات را به انقلابیون و کمونیست‌ها در مورد با صلاح دانستن روابط نامشروع وارد کرده و از با صلاح پیدا



حمایت از آوارگان با خرید و فروش آنان

در نیتا بوریای ساری به مردم پیشنها دمیکرد که میتوانند از ۴۰ زن و بچه ای که از آوارگان جنوب مینا شدند در نیتا بوریای کن هستند سرپرستی کنند و در مورد شرایط این "معامله" گفت که هرکس در مقابل پرداخت ۱۰ هزار تومان می تواند یک زن و سه کودک را برای سرپرستی تحویل بگیرد، پس از تحقیق معلوم شد که زن و مردی که بچه نداشتند، در مقابل پرداخت ۵ هزار تومان یک پسر بچه را تحویل گرفته اند.

رژیم خائن در حرف دم زحمت از آوارگان جنگ میزند، اما در عمل نه تنها منازات آنان بغاظر خواسته های اولیه و سرخشان سرکوب میکند بلکه از فروش آنان درآمدی را بنه جیب میزند!

شک بر چنین رژیمی که سربای آن دروغو فریب است!

آوارگان زندان را بچادرهای خارج شهر ترجیح میدهند

آوارگان جنگ زده در شهر شوشتر نیز چون دیگر شهرها با مشکلات فراوان از نظر غذا، مسکن، پوشاک، بهداشت و... بسر میبرند و جز از رودرد - سرچرمدگیری از عوام رژیم ندمیده اند.

عده ای از این آوارگان در شرایط سختی در مدرسه مطهری بسر میبرند ولی رژیم بجای بهبود وضع آنها سعی کرده تا با تهدید و ارباب آنها را با خارج شهرویه نیز با درها منتقل کنند، که با مقاومت شدید آوارگان روبرو میشوند.

مزدوران رژیم آنها میگویند که اگر برای رفتن به چادرها امضاء ندهند، کمبته را سراغشان می فرستند. مردم زحمتکش و آوارگان اظهار میدارند: "ما حاضریم به زندان برویم ولی به چادرها نخواهیم رفت."

عوام رژیم که در مقابل مقاومت آوارگان خود را زیون می یابند نیز با همبستگی رژیم های ارتجاعی آنها را تهدید به سرکوب میکند. آوارگان زحمتکش که می بینند علیرغم زندگی در شهروهم بستگی مردم، رژیم جمهوری اسلامی با آنها چنین رفتار میکند بخوبی آگاهند که در خارج شهر نه تنها هیچ کمکی به آنها نخواهد کرد بلکه دواز چشم توده ها همچنان آنان را در شرایط طاقت فرسا نگهداشته و به سرکوب و آزار آنها خواهد پرداخت ولی این بازنیز با مقاومت رزمجویانه توده های آوار و روبرو شد.

اخبار جنگ

کمکهای جمع آوری شده برای آوارگان در کجا خرج میشوند؟

آوارگان زحمتکش، مردم مبارزانزلی با خلع سلاح و انحلال گروه ضربت "بره سر" توسط مردم مبارز و متحد و فرار چاق کربسی مرتجع معروف رئیس گروه ضربت، معلوم شده است که مبلغ ۷۰ هزار تومان که برای کمک به آوارگان جنگ از مردم جمع شده بوده، صرف ساختن زندان گروه ضربت و بقیه خرید یک اتومبیل با موتور و برای رئیس گروه ضربت گردیده است. در ضمن مقادیر زیادی تاید، سیگار، روغن بنرغ احتکار شده در گروه ضربت بدست مردم افتاده است.

مردم مبارز زحمتکش!

هم اکنون آوارگان انزلی که قریباً نیمی از جنگ سرما به داران ایران و عراق هستند در نرس برابط بسر میبرند. در حالیکه جمهوری اسلامی کمکهای مردم را صرف ساختن زندانها و خرید ماشینهای لوکس میکند. اینست ما هیئت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی. این حق عادلانه توده ها است که با ما در انقلابی هملیا، ویلا - های سرما به داران و اجناس احتکار شده توسط رژیم و سرما به داران را، بدست آورند.

گسترده با دجنش او کجبرنده تعرضی توده ها! با تمام قوا از آوارگان جنگ نا عادلانه حمایت کنیم!

مرکز برامبرالسم و ارباب خلی حامی آن! برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر (حوزه انزلی)

آش کشک خالته - بخوری پاته نخوری پاته!

پسرها یک زده است، در آشها کرم پیدا شده و اغلب بومیدهند! اغلب خرماها کرم زده هستند. در غذای دویبیا زه میخ پیدا شده است. آب کوشتها بومیدهند و قابل خوردن نیستند. عداها که هستند و دیر داده میشوند. ناکنون این عداها با عت مسومیت و بیماری تعدادی از جنگ زدگان نده است. اما رژیم در پاسخ اعتراض مردم مکتوب دمکراتیک را برید، همس که هست، می -

خواهند جورید. می خواهند جورید، تازه ما بد خدا را هم بگرگزارا سید. آری از نظر رژیم که هاشمی رفسنجانی یکی از سردمدارانش در یک قلم ۲۰۰/۰ میلیون تومان خرج خرید اسلحه برای پاسداران می کند و ۸۲ میلیون تومان به روحانیون سنی و تبعه برای تحمیل مردم میدهد و میگوید این جنگ خانمان برانداز خیرات بسیار داشته است حتماً اینها را هم به حساب خیرات جنگ میگذارد، غافل از اینکه ما با اتحاد خود و با افتای سیاست های ضد مردمی نخواهیم گذاشت بیش از این بما اجاف بکند.

متحد شویم و حقوق حقه خود را از حلقوم رژیم بیرون بکشیم!
آوارگان جنگ هوا داران را بران بیکسار در راه آزادی طبقه کارگر - شیراز - ۱۳۵۹/۱۰/۱۹

روی "شیر و خورشید" شمس پهلوی را سفید کردند!

رفیقی به ما گزارش کرده است که: در خیابان گرگان میدان شویا درجا درجه ۴ با زندگی به مردم پیوسته فروشد، رجن در ورفیل این پتوها به قیمت ۱۶۰ تومان و به هر نفر تا ۴ پتو فروخته میشود، ولی به تازگی به خاطر استقبال مردم به هر نفر یک پتو بدست داشتن کسارت نفت و به قیمت هر پتو ۲۰۰ تومان میفروشد. این پتوها همان پتوها است که مردم به جنگ رده ها کمک کرده اند. در ضمن یکی از همسایه های ما یک کیسه بنرغ خریداری میکند و بعد در موقع مصرف نامه ای در کیسه بنرغ پیدا میکنند که روی آن نوشته شده بود "این کیسه بنرغ را به جنگ زدگان هدیه کرده ام اگر به مصرف دیگری برسد صاحب آن راضی نیست."

از مذاکرات محرمانه مجلس!

روز ۲۴ دی ماه در مذاکرات محرمانه مجلس مطرح میشود که "شهرها از نقاط مختلف آن کاملاً تحت محاصره است. ضمناً در شهرویه، در حوالی سوسنگرد، جنگ تن به تن جریان دارد و تمام نواحی که طرف ۱۰ روز گذشته، رژیم از جنگ نیروهای عراقی بدر آورده و آنهمه حول آن تبلیغات کرده اند از طرف نیروهای عراقی باز پس گرفته شده است!"

راستی مذاکرات "نمایندگان مردم" چرا از "مردم" مخفی نگاشته میشود؟ آیا نه این است که رژیم از روند حقایق وحشتناک دارد؟

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

"آواره زندانی آزاد باید گردد"

ما همنهـ... رژیم جمهوری اسلامی با ادا مه جنک غیرعا دلانه کنونی که به نفع سرما به داران است باعث تشدید خانه خرابی، فلاکت، فقر، گرسنگی و آوارگی شده های زحمتکش گشت. رژیم کبسه دروغ خود را حاسمی "مستضعفین" جا میزند، در طی این مدت آوارگی نه تنها خود کمکی به انسان نکرده بلکه کمک های مردم به موطنان جنک زده را نیز زده دیده است.

زحمتکشان آواره از فشار گرسنگی، در بدری بی چیزی و برای گرفتن حقشان در کمب "ب" نما بندگانی انتخاب میکنند رژیم که قصد ندارد حق آوارگان را بدهد سعی میکنند فریاد آنها را در هر کجا که هستند خفه کند. بی شرمانه تمام بندگان واقعی را که مردم آواره انتخاب کرده بودند دستگیر و روانه زندان میسازد به همین منظور در تاریخ ۵۹/۱۰/۹ از طرف زحمتکشان آواره کمب نظر هراتی صورت میگردد. نظر هر کسندگان در حالیکه برای اطلاع بقیه آوارگان در کمب دور میزند شعاری "آواره زندانی آزاد با بسد گردد" نماینده کمب با آوارگان دیگر در "نماینده نماینده ما است" اتحاد، اتحاد، اتحاد، آوارگان اتحاد را میدادند.

جمعیت پس از تجمع در محوطه و ورودی بروی دبستان "بهار آزادی" ما شهرنو، در حالیکه شعارهای با لارا تکرار میکردند بطرف ما شهر کهنه برآه افتادند. راهیمایی زحمتکشان آواره شده توانسته بودیم رژیم را پیش از پیش در بین کلیه آوارگان کمب و مردم ما شهر با زکندو نشان دهم که رژیم بجز یک مشت دروغ چیزی به آوارگان نمیدهد. باعث وحشت رژیم و پاداران سرما به شد، آنان بخاطر آنکه از رسیدن فریاد آوارگان به گوش دیگر زحمتکشان جلوگیری کنند بعد از رسیدن نظرات به اول بیسان ما شهرنو - ما شهر که بنیاد کردند جاده ما تندیگان دریده به جمعیت حمله ور شدند.

پاداران چند نفری را دستگیر کردند که تعدادی از آنان با مقاومت مردم زحمتکشان آزاد شدند. پاداران که ابتدا "اللها کیزکویان" به آوارگان حمله کرده بودند زبونی و بیشرمی خود را به منتها درجه رسانده و شروع به تلبیک هوشی میکنند.

پاداران بعد از مدتی در کمبری توانستند ۶ دختر و پسر آوارگان را دستگیر کنند. نظا هر کسندگان بعد از این در کمبری دست به دست بطرف کمب بازگشتند.

رژیم کبها را و بارها دشمنی خود را با زحمتکشان به نشان رسانده است برای خفه کردن

نگاهی به جنبش آوارگان جنک در سراسر ایران

تربا در زحمتکشان آواره به اجاد جو حقان در کمب مبارزت میکنند رهی خیال باطل ابا سدار. ان وجا سوان رژیم بعد از تمام شدن راهیمایی در محل کار (در ورودی کمب) ایستاده بودند تا مردم آواره ای را که در راهیمایی شرکت کرده بودند دستگیر و با تعقیب نما بندگان در فرست مناسب دستگیر و زندانی کنند.

آوارگان مسافر در کمب با این حرکت اعتراضی خودشان دادند که اهت استاد و هیستکی را به خوبی درک کرده و صف دوستان و دشمنان خود را تشخیص میدهند.

مختصر شده از "قربا دآوارگان ۱۰" (کمیته خوزستان)

زحمتکشان عراقی: قربانیان بمبارانهای ارتش جمهوری اسلامی

از آغاز جنک ارتجاعی کنونی کمونیستهای راستین ادعای بوج سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را که کوبا "سروای هواشی جمهوری اسلامی هدف های غیر نظامی را نسبتا از نمانند" را با دلایل و ارائه سنداقا کرده اند و نشان داده اند هما نظوریکه ارتش مزدور بعث عراق زحمتکشان ایران را با خاک و خون کشیده و سمارستانها، مدارس، محل تجمع زحمتکشان و... را در آبادان ا هوا ز، خرم آباد، کرمانشا ه و... بمباران منفا بد در اثر بمبارانهای ارتش جمهوری اسلامی بیش از همه زحمتکشان عراق هدف حمله های وحشیانه قرار میگیرند. عکس با لاکه در روزنا میفران "



بمب افکنهای جمهوری اسلامی، ساکتار زحمتکشان عراقی، انقلاب ما در میکنند!

نمونه ای از دزدی پاداران

پس از مصاحبه تلویزیونی فارس با آوارگان ساکن خوابگاهها را مونت ساکتین متوجه میشوند که کمک مالی به این خوابگاه مبلغ ۴۰۰۰۰ تومان و سه انگشتری طلا بوده است و پاداران که کمک مالی را ۱۲۰۰۰ تومان با ضافه پول انگشتری اعلام کرده بودند تمام دادند. پس از بر ملا شدن دزدی پاداران سرما به او اعتراض ساکتین پاداران که قصد دستگیری معترضین را داشتند در اثر اعتراض مردم عقب نشینی میکنند.

اما روز بعد پاداران یوزی بدست به خوابگاه هرخته و نفرازان را دستگیر میکنند که پس از گرفتن تعهد آزادشان میکنند.

این نمونه ای از "اخلاق اسلامی" پاداران "مکتبی" است رژیمی که بر پایه منافع سرما به داران وجا ولگران موجودیت پیدا کند چس با سدار زدند... نمیتوانند تریست گند.

به نقل با اختصار از "قربا دآوارگان ۱۱" کمیته خوزستان

چاپ شده بخوبی واقعبت را نشان داده و صدق گفته های کمونیست ها را همکرا ردیکرا نشیاب مبتنا بد. سند فوق بیروشنی نشان میدهند که قربانیان بمباران بغداد توسط ارتش ایران را زحمتکشان عراق تشکیل میدهد.

آری. در جنک غیرعا دلانه بین رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق، زحمتکشان ایران و عراق قربانیان اصلی میباشند و از این جنک ارتجاعی جز مرگ و نیستی، درماندگی و در بدری چیزی عا بدشان نمیشود.

مرگ دردناک ۵ زحمتکش آواره لکه ننگ دیگری بر دامان رسوای رژیم

در اردوگاه جادری آوارگان واقع در ۶ کیلومتری تبرهانند بسیاری نقاط دیگر زحمتکشان آواره در شرایط بسیار بدی بسر می - برند. ریزش برف در اطراف بهمنان و سردتر شدن هوا زندگی را بر آنها سخت تر نموده است. در تاریخ ۶ دیماه یک خانوادده جنکرده برای گرم کردن خانواد خود مجبور میشوند چراغ نفتی بنده در صفحه ۱۵

مبارزه علیه جنگ رابه اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

درباره اتحادیه ریزونیستها

برخی از رفقا در مورد اتحادیه ریزونیستها از ما سؤال کرده اند، که نظرها درباره آنسان چیست و چرا به لجن پراکنی ها و فحاشی های آنها نسبت به ما زمان جوابی نمیدهم. در مورد اول یعنی ما هیئت اتحادیه با بد بگوئیم که بنظر ما این نیرو، یک دارو دسته ضد انقلابی و ریزونیست میباشد، چه اینان با حمایت از رژیم جمهوری اسلامی و کینه ورزی نسبت به کمونیستها و انقلابیون، بعنوان سدی هر چند بسیار ناچیز و حقیر در برابر ارتداد و انقلاب دمکراتیک - خدا مهربا لیستی خلقهای میهنان قرار گرفته و بنا بر این از طریق افشا و طرد باید لایروبی شوند.

اینان خدمتگزاری و چاکرمنشی در آستان بورژوازی و دشمنی با کمونیستها (بویژه سازمان ما) را با دنیا کشانیده اند که به منظور خوش خدمتی به رژیم و بزم خودشان و افشای ما برای افراد مسیح کلان گذاشته و آموزش فد پیگاری میدهند (درخواستن) مردم را جمع کرده و بزم خود با افشای مواضع ما، ما را خیانکار به انقلاب جلوه میدهند.

اینان در دشمنی و لجن پراکنی به کمونیستها و خدمتگزاری بورژوازی دست پدرو خوانده رنجبر - پشان را از پشت بسته اند و با حرارت دوسد - چندان بیشتر از همپا لکی های اکثریتسی و رنجبری از ضد انقلاب حاکم دفاع میکنند. ممکن است عده ای بگویند آنان هنوز کا ملا ریزونیست نیست نشده اند چه فی المثل علیرغم کرات پشانت قوی سهجانی هنوز سهجانی نشده اند، در پاسخ به این دسته از رفقا باید گفت: اشکال ریزونیستیم در ریزونیستیم خروشجفی و سهجانی خلاصه نمیشود، همانطور که رفیق لنین میگوید ریزونیستیم پدیدهای بین المللی است که در اشکال بی نهایت متفاوت ظاهر میشود. لیکن علیرغم دوری و بانزدیکی اشکال آن به یکدیگر، ما هیتا یکی هستند و آن عبارت است از تجدید - نظردما رکسیسم - لنینیسم و نفوذ ایدئولوژی بورژوازی در پرولتاریا.

اساسی ترین مقوله ای که ما رکسیسم با آن سروکار دارد، دولت و مبارزه طبقاتی است. تجدید نظر در ما رکسیسم در این دو مقوله اساسی به اشکال گوناگون و پیچیده آشکار میشود.

اتحادیه ریزونیستها در این دو عرصه اساسی کاملاً تجدید نظر نموده و با ملی خواندن دولت ضد انقلابی، حمایت فعال از آن و دشمنی با جنبش کمونیستی و انقلابی خلق، ما هیئت ریزونیستی خویش را به نمایش گذاشته است. آنها جنگ، این ریزونیستیم پوشیده "اتحادیه ریزونیستها" را همچون "فدائیان اکثریت" به سوسال شوینیسیم آشکارا رومی برده تبدیل نموده است؟ اینک به بندها ریزونیستیم در چند اصل



ما نند قبول ثنوری سهجان و با قبول راه رشد غیر سرما به داری، همزیستی مسالمت آمیزو... خلاصه شده است، سخت دچا ره ساد اندیشی کشته ایم و بدین ترتیب مظاره گوناگون آن را نمیتوانیم توضیح دهیم. فی المثل آنها "اکثریت" بعد از کا ۵۹، علیرغم آنکه رسماً راه رشد غیر سرما به داری را قبول نکرده بود، می با بست گفت چون این تریونیستی را کا ملا قبول نکرده است، پس ریزونیست نیست؟! آنگاه اگر دچا رچنین ساده - نگری می گشتم، فرمیسیم ضد انقلابی، ارتداد ایدئولوژیک و دشمنی آنان با جنبش کمونیستی و خلق را چگونه توضیح میدادیم؟! اگر چه بدلیل آنکه دوسیتیم عمیقاً منجمد ریزونیستی (خروشجفی و چینی) وجود دارد، اما اشکال دیگری از ریزونیستیم میتوانند وجود داشته باشند که نسبت به دوسیتیم فوق از ویژگیهای برخوردار است.

دارو دسته اتحادیه ریزونیستها نیز که همخوانی بسیاری با پدروخواندگان رنجبری خود دارند، در حال حاضر مدافع با صلاح برداشت انقلابی "زتر سهجان" است، سرانجام احتمالاً به پذیرش کامل ثنوری ارتجایی سهجان تن خوا هداد، اگر چه هم اکنون ترهات ریزونیستی این ترزا در عمل و درجا معه ما پیدا نمیکند. دفاع از حکومت ضد انقلابی کنونی بعنوان کشوری مستقل و در برابر بردوا بر قدرت "نمونه ای از این ترهات است."

اما در جواب به قسمت دوم سوال که چرا ما با این جریان برخورد نمیکنیم. با بد بگوئیم که از آنجا که این نیرویک جریان ورشکسته سیاسی است که در صف دشمنان خلق و کمونیستها قرار دارد، و آنقدرنا چیز است که بعنوان یک نیروی مخرب با ما سانشی در جنبش خلق ندارد.

از اینرو ما رزه ایدئولوژیک با این جریان هیچ تا شیر محسوسی در جنبش کمونیستی و انقلابی ندارد و لذا از هیچ اهمیتی برخوردار نبوده و افشای آن تا شیر قابل ملاحظه ای در جنبش باقی نمیگذارد و جز خرده کاری و بساز - ماندن از مسائل اصلی، هیچ نتیجه ای در بر ندارد. بالعکس "چریکهای اکثریت" که در صف دشمنان جنبش کمونیستی و انقلابی قرار دارند، لیکن بدلیل نفوذ نسبتاً توده ای که دارد، ناشی بس مخرب و ضد انقلابی را در جنبش بافا میکنند و به همین دلیل افشای این جریان و شرکای توده ای، از اهمیت حیاتی برخوردار است و با دیدنیکان ما رزه ایدئولوژیک ضروریست - نیستی متوجه این نیروهای ضد انقلابی ریزونیست با شد.

رفیق ن از دانش آموزی غرب تهسرا ن بر سیده است آنها شار "رژیمهای که خلقهای خود را سرکوب میکنند، نمیتوانند در جنگی بنفع مردم شرکت کنند" شعار غلطی نیست؟ رفیق! نظر تودرست است، این شمار از آنجا که حکم کلی ما در نموده است که کلیه رژیم - های ارتجایی نمیتوانند در جنگ عادلانه شرکت کنند، اشتباه است. جنگ فدوا پنی در چین، جنگ جهانی دوم نمونه های دیگر شادها بین مدعا هستند که رژیمهای که خلقهای خود را نیز سرکوب میکنند، شرکتشان در یک جنگ عادلانه نمیتواند عملاً بنفع جنبش تمام شود. اگر چه آنها از موضوع ضد انقلابی خودشان و برای منافع خویش در جنبش جنگی شرکت میکنند، در این مقطع، منافع خلق و رژیم ضد انقلابی همو میشود.

از اینرو اگر چه بطور عموم رژیمهای سرکوبگر نمیتوانند در جنگی بنفع مردم شرکت کنند، اما این اطلاق مطلق نیست و به ما هیئت جنگ و سیاسی که منجر به جنگ شده بر میگردد. اما در مورد خاص ایران و عراق این شعار درست است. چه جنگ کنونی، جنگی ارتجایی است و رژیمهای ایران و عراق که خلقهای خود را سرکوب مینمایند، اهداف و سیاستهای ارتجایی را در این جنگ دنبال میکنند و نمیتوانند در جنگی بنفع مردم کشور خویش شرکت کنند. این شعار در این مورد مشخص صحیح است و ما شعار قبلی را بدلیل اینکه جنبه ای کلی داشت حذف کردیم.

رفیق ع - ه طی نامه ای خواستار روشن نمودن درک سازمان نسبت به ما ختجا معما، مرحله انقلاب، مضمون انقلاب دمکراتیک و مرز بندی با نظرات دیگران شده است سپس پرسیده است چگونه در روسیه انقلاب دمکراتیک بدون رهبری پرولتاریا تحقق یافت و آیا امکان گذار به انقلاب سوسیالیستی بدون عبور از مرحله دمکراتیک امکان پذیر است یا نه؟ ما در مورد مسائل فوق در آتیه نظرات خود را بیان خواهیم نمود اما در مورد انقلاب دمکراتیک فوریه روسیه بصورت مختصر در اینجا پاسخ میدهم:

رفیق، جامعه روسیه یک جامعه سرمایه - داری بود، که تحت سلطه مبریا لیسیم نبود، بلکه خود یک کشورا مبریا لیستی محسوب میشد ولی از آنجا که در روسیه بقایای نیرومند مناسبات فئودالی برقرار بود و بدلیل آنکه بین زیربنا و روبنا آن تفا وجود داشت یعنی طبقه مسلط اقتصادی بورژوازی و طبقه مسلط سیاسی فئودالها بودند، مرحله انقلاب دمکراتیک بود. در آن شرایط هنوز سرمایه جگه ها کاملاً ارتجایی نیا فته بود (پس از سال ۱۹۱۴، دارای چنین جایگاهی گشت) از اینرو لنین در دونا کتیک از دورا ه برای تحول دمکراتیک انقلاب سخن



علی اکبر هاشمی رفسنجانی (حزبی)

اسم: طلی اکبر هاشمی رفسنجانی
ایدئولوژی: "مکتبی" مکتب سرمایه داری
شغل: زمیندار، بازرگان، عضو شورای اسلامی.
جرم: شرکت فعال در بازاری سرمایه داری
وابسته به امپریالیسم سرکوب و کشتارگان و زحمتکشان و غنیان به خلقهای قهرمان ایران
● - حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در حالیکه بورس بازاری و زمینخواری ناشی از رشد سرمایه داری وابسته و دسترنج میلیونها تن از زحمتکشان ما را و خسیانه می بلعید و صدها هزار تن از کارگران و زحمتکشان در محراب آیدها و طیبی آیدها در حرمت خانه های محقر بسر میبردند به شغل انگلی و پربرد آیدها و زوبین فروشی مشغول بود. در اواسط سالهای ۴۰ زمینهای وسیعی در خیابان آزادی (جول و جوش مسجد امام) را ساخت و فروخت. در کرج هم به همین کار مشغول بود. منجمله ساختمان بانک صادرات مقابل شهرداری کرج را ساخت. همچنین در زمینهای "سالاریه" قم نیز به شغل بازرگان و زوبین فروشی میپرداخت. داشتن باغهای پسته در رفسنجانی نیز یکی دیگر از افتخارات ایشان است که معروف همگان میباشد. آقای رفسنجانی طی سفری به خارج کشور در سال ۵۴ کوشید امتیاز نمایندگی برخی از شرکت های ژاپنی را نیز کسب کند. بنا بر شواهد فوقه ایک سرمایه دار و زمینخوار میباشد.
● - طبق اسناد مکشوفه در سفارت امپریالیسم آمریکا رفسنجانی به همراه حزب خود بهشتی بطور مخفیانه و دور از چشم خلقهای بیچاره ایران در سال ۵۷ قبل از قیام با ارتش "فره باغی" و سپهبدان صرمد "رئیس ساواک شاه ملاقات کرده است (نامه دانشجوی سابق "پیرو خط امام" به نشریه مجاهد ۱۰۴) آقای رفسنجانی زمانی به ملاقات و مذاکره و سازش با جلادان خلق های ایران مشغول بود که توده های زحمتکش

گيفرخواست انقلاب عليه ضد انقلاب افشای ماهیت سران لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی در پستگاه خلق

ما رژیم شاه را در آستانه نابودی قرار داده بودیم
● - عضویت در شورای با صلاح انقلاب که مرکز تجمع خدا انقلابیون لیبرال و حزبی و اهرم گرداننده سرکوب انقلاب و توده ها بوده است.
● - تلاش برای منحرف کردن مبارزه خدا میریالیستی توده ها به سمت فدیت با کمونیستها و سرکوب آنان. رفسنجانی پس از ترور مطهری به وسیله گروه فرقان، آن اقدام را وقیحانه به کمونیستها نسبت داد. این اقدام را در یک سخنرانی در مراسم که با حضور آیت الله خمینی بهمین مناسبت در قم برپا شده بود ایراد کرد (روزنامه ۱۳ اردیبهشت ۵۸) این عنصر عوام فریب کمونیستها را به "ترور" متهم میکند تا توده های ناآگاه را به دشمنی علیه کمونیستها - ای دشمنان آشتی ناپذیر سرمایه داری - برانگیزد اما حوادث بعدی مشت اورا با زکردن نشان داد که تروریست و آدمکش، رژیم جمهوری اسلامی بویژه حزب ایشان است. ترورهای که رژیم جمهوری اسلامی تا بحال علیه انقلابیون کمونیست و مجاهدان جمله ترورچهار رهبر انقلابی خلق ترکمن (نومح، مختم، جرجانی، واحیدی) و پیکارگران شهید طیب نجم الدین، مسعود صالحی را و غیره به اجرا درآورده ماهیت جنایت را بخوبی نشان میدهد
● - از بنیانگذاران حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی: حزب جمهوری اسلامی که آقای رفسنجانی از اعضای اصلی شورای مرکزی آن است خیانتهای بی شمار مرتکب شده که یکی از آنها مانع از اقدام انقلاب، تلاش برای سرکوب انقلابیون و کمونیستها، ترور و آدمکشی و قتل عام در کردستان و دیگر مناطق، ایجاد جو خفقان و نقیض عقاید و دستجات مبارزه با احزاب سازماندهی سیاسی، برهم زدن میثاقها با جما قدران حزب الهی - که رفسنجانی بویژه در زمان تصدی وزارت کشور در آنها نقش فعال ایفا کرده است.
● - ایفای نقش فعال در اجرای انتخابات قلابی مجلس و رفتار دودمان قان اساسی ولایت - فقیه که "تصویب" آن ضربه بزرگی به انقلاب بقیه در صفحه ۲۲



دکتر ابراهیم یزدی

اسم: دکتر ابراهیم یزدی
ایدئولوژی: لیبرالیسم بورژوازی ضد انقلابی
تابعیت: تبعه آمریکا (تا قیام بهمن ۱۳۵۷)
شغل: معاون سابق نخست وزیر در "امور انقلاب" وزیر پیشین امور خارجه نمایندنده ویژه "امام" در امور استانبول سردبیر سابق روزنامه کیهان، نماینده مجلس شورای اسلامی
جرم: توطئه طیه انقلاب خلقهای ایران، حفظ و بازسازی سرمایه داری وابسته و غنیان توده های مافع خلقهای ایران
● - در سالهای خفقان، آنگاه که معیار مبارزه و انقلابی بودن در میدان مبارزه محک زده میشد، آسوده بال به آمریکا رفته و در آن کشور مقیم میشود.
● - با داشتن تیترو دکتر در روسا و در شهر هوستون (تگزاس) بکار برده و با اشبات "لیاقت" و "شایستگی" اش، "افتخار" اش "شعبیت کشور آمریکا را پیدا کرده و دارای گذرنامه آمریکا میگردود تا برقراری جمهوری اسلامی و قبول مسئولیت اجرائی وی رسماً آمریکا شود و موظف به دفاع از منافع امپریالیسم آمریکا (میگوبند و هنگام اخذ پاسپورت آمریکا که به کمک یکی از سنا توره های لیبرال فراهم شده بود آقای یزدی طبق مرسوم پرچم آمریکا را بوسیده و بدین سوگند و وفاداری یاد کرده است!)
● - او جکی فعالیتها، انقلابی مسلحانه در ایران از سال ۵۰ بعد از افتادن نظام مجاهدین خلق بر سرزبانها و وچمران و قطب زاده را بفرسود استغاده از نام مجاهدین انداخت، آنها گمان می بردند با اصلاح حمایت از مجاهدین و جسدان خودشان به آنان میتوانند روی مجاهدین تا شیرگذا رده و لا آنها را از همکاری با کمونیستها باز دارند و دیگر آنکه آنان را از سیدما رکیسمنتینیم بعنوان "علمرهای خلقها در مبارزه با امپریالیسم" منصرف سازند. یزدی کوشید با انتشار نشریه ای

عليه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها!

بیا مها هذخود را با مصلح بشت جنبه مها هدیسن معرفی کندولی بخش خارج از کشور مها هدیسن که در آن موقع بوسیله رفقای ما اداره میشد هشیارانه و در حدی که توان ایدئولوژیک و سیاسی آنان در آن زمان اجازه میداد ما منع چنان سوء استفاده ای شد. (رجوع شود به پیکار ۳۸ مورخه ۲۴ دی ماه ۱۳۵۸).

● دکتر یزدی با انتشار ریبما مها هذدر آمریکا (که آن را قطب زاده در پاریس تکثیر میکرد) با ادعای طرفداری از مها هدیسن برای خودداری و دسته ای برای انداخت ولی نیروهای انقلابی را هرگز نتوانست بفریبید. رفیق شهید مرتضی - خاموشی یکی از کمالاتی بود که یزدی آنها را رها کرد و به سازمان مها هدیسن پیوست (پیکار ۴۴ مورخه ۸ اسفند ۵۸) تلاش یزدی برای منحرف کردن و مشغول نمودن هواداران مها هدیسن در آمریکا و جمع آوری امکانات مالی فراوان بنا مها هدیسن و صرف آنها به میل خویش داستان طولانی دیگری دارد.

● نقش ضد کمونیستی یزدی بویژه پس از تحولات درونی سازمان مها هدیسن در سال ۵۴ و انشعاب بر عیان تر گشت و او با مصلح حمایت از "مجا هدیسن اصل"، "منافقین" یعنی کمونیستها را می گوید مقلان پس از دوران قیام بخوبی نشان داده است که این با مصلح حامی "مجا هدیسن اصل" چه عصبه اندیشه انقلابی مها هدیسن وفا دار بوده است! یزدی از فریاد قیام که در دولت موقت قرار گرفت هرگز کینه توزی خود را بحکم موضع طبقاتی علیه مها هدیسن خلق نتوانسته است لاپوشانی کند. "حمایت" و در گذشته فرصت طلبانه و مصلح گرایی نه بود و این را هم و وهم چمران و بسیاری دیگر بوضوح نشان داده اند.

● نشریه "پیا" مها هذ "دکتر یزدی و شرکا" در قبال جنبش خلق فلسطین با حمایت بیدریغ از "حرکت المحرومین" موسی صدر نقش خائنه ای ایفا میکرد (برای نمونه شماره تیر - مرداد - شهریور ۵۵ این نشریه مراجعه شود).

● یزدی تا او جگیری جنبش توده ها در سالهای ۵۷ - ۵۶ بزدگی "آرام" به برکت تابعیت آمریکا شایع مشغول بود. وی با اوج مبارزات توده ای برای پیا ده کردن نقشه های ضد انقلابی و خزیدن به "قدرت" به حرکت درآمد.

● دکتر یزدی در پیا نیز ۵۷، هنگام خروج آیت - الله خمینی از عراق و پس از مقدماتی شکست انگیز به عراق رفت و اولین قدم را برای طی "نردبان ترقی" برداشت.

● ابراهیم یزدی هنگام اقامت آیت الله خمینی در پاریس از مشاوران ایشان بسودودر اغلب مصاحبه ها نقش مشاور (ظاهرا مترجم) را بازی میکرد. وی در بهمن ۵۷ با تفاق آیت الله به ایران بازگشت.

● با انتخاب مهدی بازرگان از سوی آیت الله خمینی به نخست وزیری، دکتر یزدی به "معاونت نخست وزیر در امور انقلاب" انتخاب شد و تمام

اسناد و اسناد را در اختیار وی قرار گرفت (اسنادی که هرگز فاش نشدند).

● در نخستین روزهای قیام، عسده ای از انقلابیون، "سفارت" امیرالیم آمریکا را اشغال و "سولیوان" سفیر آمریکا را با سارت گرفتند. یزدی خاشن همراه سرهنگ توکلیسی مزدورشان بزرده در آنجا حاضر شده و سسه "داد" آمریکا شان جا سوس رسیده و سفارت را با لیمه آنها بزرگان ندند و همسویی منافع خودشان را با امیرالیم آمریکا در عمل به ثبوت رسانیدند.

● در اوائل بهمن ۵۷، از طرف دکتر یزدی و به دستور آیت الله خمینی هیئتی که شهیرارو خانی (داماد یزدی و سردبیر سابق کیهان) و دکتر جنابلی - ضرابی (از همدستان یزدی در آمریکا) و... در آن عضویت داشتند به سرپرستی سفارت ایران در آمریکا انتخاب شدند. آنها با سردمداری یزدی اسناد دروا بط ایران و آمریکا را از آنجا خارج کردند ولی هرگز معلوم نشد که این اسناد به کجا رفتند.

اسناد دنیا یات آمریکا در ایران و دیگر کشورهای منطقه که در سفارت ایران دروا شنگتن و نیز سفارت ایران در بیروت بود، همه در اختیار یزدی بوده است. او در خدمت به آمریکاها و در خیانت به خلقهای ایران و منطقه ای - اسناد را بنشان با معدوم کرده و یا بهتر بگوئیم به اربابانش رد کرده است!

● پس از استعفا ی دکتر سنجابی از وزارت خارجه دکتر یزدی خاشن بجای او منصوب شد تا همه خیانتها ییش در ابعا دکسترده تری ادا مدهد.

● دکتر یزدی بی اعتنا به شورا انقلابی مردم و پشتیبانی و همبستگی آنان با انقلاب خلقهای منطقه، خاشن نه از "یوسف العلوی" کفیل وزارت خارجه سلطان نشین عمان در تهران استقبال کرد (روزنامه های ۶ تیر ۵۸) و با رد یگردشمنی اش را با انقلاب خلقهای منطقه و همسویی اش را با رژیم رنجایی و وابسته عمان نشان داد (پیکار شماره ۱۰ مورخه ۱۱ تیر ۵۸)

● یزدی خاشن برای آرایش چهره امیرالیم آمریکا و تقویت "روابط ایران و آمریکا" و معرفی آن در روابط با بعنوان "دوست خلق فلسطین" این نماینده امیرالیم آمریکا را به ایران دعوت کرد (کیهان ۳ شهریور ۵۸ و پیکار ۲۰ مورخه ۱۹ شهریور ۵۸).

● این لیبرال خاشن، هنگام تصدی وزارت امور خارجه در کنفرانس کشورهای با مصلح غیر متعهد در کوبا شرکت کرده و در باب زکشت طی توقیف در آمریکا با مقامات آمریکا شایع ملاقات و قرار داد خرید ۲/۵ میلیون رددلار اسلحه از آمریکا را امضاء نمود.

● او که همواره با پشتیبانی آیت الله خمینی و با استفاده از توهمنده ها در مقابل افشاگری های انقلابیون و کمونیست ها با فحاشی و توطئه موقعیت خود را حفظ کرده بود پس از ملاقات با برژینسکی (مشاور ویژه کاتر) (که با تفاق بازرگان در الجزیره صورت گرفت) (موردا انتقاد

جناب رفیق قرار گرفت. (صد البته "انتقاد" حزب جمهوری اسلامی از موضع ارتجاعی و در جهت تقویت مواضع خودش صورت میگرفت). وی و بازرگان در این ملاقات وعده های "شیرینی" برای امیرالیم آمریکا داده بودند.

● پس از اشغال "سفارت" امیرالیم آمریکا در آن ۵۸ و تشدید جنگ قدرت بین لیبرالهای خاشن و "حزب" یزدی خاشن تلاش زیادی برای آزادی فوری ۵۲ گروگان آمریکا شای نمود ولی موفق نشد.

● با جریان اشغال سفارت "دولت موقت" بازرگان استعفا داد. اما دکتر یزدی فرصت دیگری برای ادا مصلحتها ییش پیدا کرد. در این مورد، خود این خاشن میگوید: "به خدمت اما مرسیدم ایشان تا شید کردند که من حتما مسئولیتی داشته باشم. و وزارت امور خارجه که بعنوان وزیر، چند ماهی در آنجا خدمت کردم مورد تا شیدایشان هست." (با مادام ۲۶ آبان ۵۸). دکتر یزدی از طرف آیت الله خمینی بعنوان نماینده ایشان در امور اسانتها انتخاب شد.

اولین ما موریت وی در این مقام، سفر به بلوچستان بود که با نظرات و اعتراض شدید مردم زاهدان مواجه گشت. (رجوع شود به مقاله "یزدی دزدی که" "مین قافله" میشود - پیکار ۲۵ مورخه ۳ دی ۱۳۵۸).

● در انتخابات "مجلس شورای اسلامی"، یزدی خاشن بعنوان "نماینده" تهران - سراز صندوق های رای "درآورد".

● از طرف آیت الله خمینی به سرپرستی روزنامه کیهان انتخاب شد و آن روزنامه به یکی از ارگانهای لیبرالهای خاشن تبدیل شد.

● در ادامه و تشدید جنگ قدرت در پلا، آیت الله خمینی برای روزنامه کیهان فرد دیگری که از نزدیکان "حزب جمهوری اسلامی" است انتخاب کرد. این خاشن همچنان مورد تا شید آیت خمینی است و با آیت الله خمینی ملاقات کرد. (میزان شنبه ۲۰ دیماه ۵۹).

آیا خلق قهرمان ما خیا نتهای یسزدی لیبرال، دوست و همدست امیرالیم آمریکا را خواهد بخشید؟ طبیعی است که توده ها با انقلاب پیروز منداشان آنچنان تودهنی به لیبرالها و حزببها خواهدند و آنچنان درسی به دوستان نشان یعنی امیرالیم خواهد داد که برای خلقهای دیگر نیز سرمشق گردد.



بقیه از صفحه ۲۳ **چیانگ چینگ...**

چیانگ چینگ میبهر اسد چرا که از این مبسارزه طبقاتی جاری وحشت دارد، امیداندا عدا مینک ما رکسیست لنینیست خشم توده ها را بر فروخته تر خواهد ساخت و آنرا بی باکانه تریسوی مبارزه انقلابی علیه بورژوازی حاکم سوق خواهد داد. تنگ از اعدام چیانگ چینگ وحشت دار در چسبون چیانگ چینگ سمبولی از مبارزه طبقاتی جاری در چین است

۸ بهمن ۵۷
توده‌ها فریاد
می‌کشیدند:



زهبان ما را مسلح کنید! اما زهبان صلاح نمیدانستند!

۲ سال پیش در چنین روزهای توده‌های زحمتکش و انقلابی خلقهای ما، در روز نوا و جگر بندگی مبارزات خویش تدارک قیام پیرشکوه بهمن را می‌دیدند، بختیار مزدور، آخرین "نخست‌وزیر" شاه جلاد با مشت‌های آهنین زحمتکشان مواجه شده بود. بحران انقلابی جامعه هر لحظه اوج و شدت بیشتری می‌یافت، ارتش شاهنشاهی در مقابل استواری و پایداری توده‌های انقلابی به‌سوءآمده بود. در چنین شرایطی بود که روز هشتم بهمن ماه ۵۷، زحمتکشان و جوانان انقلابی در تهران و... حماسه‌های پرشکوهی از عشق به رهائی زحمتکشان، خلق کردند و نمایش‌های شورانگیزی از کینه و نفرت طبقاتی به مزدوران امپریالیسم و ارتجاع داخلی بپا کردند. بختیار خاشاک "زاد دیخواه" نمائی‌های فریبکارانه اش نتوانسته بود کوچکترین خلبانی در راه انقلاب مردم زحمتکش ایجاد نماید، چهره واقعی خود را نشان داده و با ارتش تا به دندان مسلح و با گلوله‌های آمریکایی و سرائیلی به سبیل خروشان توده‌ها که فریاد آزادی سرداده بودند، بی‌ورش برد. توده‌های انقلابی در مقابل شلیک بی‌امان مسلسل‌های ارتش آمریکا شایسته، با تکیه به تجربه یکساله مبارزه و رهنمودهای انقلابی، خواهان پاسخ انقلابی و قهرآمیز بودند، آنها در اطراف دانشگاه با خشم فریاد برآوردند که: "زهبران ما را مسلح کنید"، گلوله، پاسخ گلوله و... و... و... رفسنجانی اعتراف میکند که، پاسخ آن به اصطلاح زهبان این بوده است که: "الا صلاح نیست! درست است مسلح شدن توده‌ها به سلاح آمریکا و همدستان مرتجع اش نبود! چه شورانگیز بودند! جام انقلابی توده‌ها به مزدوران گارد جاویدان و خلق سلاح مزدوران ارتش در میدان "انقلاب!" توده‌ها، امید چندانی به "زهبران" نداشتند، خود در صدد مسلح شدن برآمدند. آری در چنین لحظاتی ناهزبان سازشکار، پهنی‌ها رفسنجانی‌ها، موسوی اردبیلی‌ها، بازرگان‌ها... در توافق با خمینی با ژنرال هویزرا آمریکایی

بگفتگو نشسته و با ارتش بدقره با غی، بختیار و تیمسار مقدم مزدور را سازش را می‌جستند. توده‌های انقلابی در برابر ارتش مزدور شاه مهرمانانه جانفشانی میکردند، مسلسل مزدوران را بقیامت جان خود، از دستهای شبه‌کار انسان خارج میکردند، تیمسار "مدری" مزدور را با وجود محافظان نظامی مسلح اش، خلق کرده و مجازات انقلابی مینمودند... فریاد مسلح شدن بر- میاوردند، ولی "زهبران" نردخیانت میباختند و تدارک سازش خاشاک خود را می‌دیدند. در روزهای تاریخی بعد از ۸ بهمن نیز فریاد "زهبران، ما را مسلح کنید!" توده‌ها، از جانب آنان بی‌پاسخ ماند و جز این نعیبتوانست باشد در فقدان سازمان انقلابی سرتاسری و آهنین زحمتکشان که مبارزه انقلابی توده‌های زحمتکش را رهبری کرده و به سرانجام پیروزی برساند، توده‌های انقلابی دست به ابتکار انقلابی زده و در صدد مسلح شدن برآمدند. آنان در اوج قیام حماسه‌آفرین بهمن نیز بچشم دیدند که در برابر مارش انقلابی و پرشور آنان بنسبت سربازخانه‌های ارتش شاه و خلق سلاح آنان ازناحیه "زهبران" فریاد سر داده میشد که: "اما م، حکم جها دنداده!" رژیم که رهبرانش به مذاکره با هویزرا همبیدار خندند تا مانع قیام توده‌ها گردند و قیام خونین توده‌ها و خون شهدا با پامال کرده و اکنون نیز به سرکوب و کشتار توده‌ها و بند و بست با امپریالیسم و بازاری سرمایه‌داری وابسته مشغول است، بی‌بهره می‌کوشد خود را میراث‌دار شهیدان مبارزات توده‌ها بر علیه شاه جلوه دهد.

و اکنون ادا می‌دهند سنت انقلابی توده‌ها در ۸ بهمن... توده‌های انقلابی خلق‌های ما هستند که در گردن‌دان... ما با زره بر علیه حافظان جدید سیستم سرمایه‌داری وابسته، پرچم خونین مبارزات را در دست گرفته‌اند. یاد قهرمانانی‌های توده‌های انقلابی را در ۸ بهمن ۱۳۵۷، با ادا مراسم انقلاب گرامی می‌داریم.

بقیه از صفحه ۱۸ پاسخ...
میگوید، یکی تحت رهبری بیرولتا ربا و دیگری تحت سیاست خرده بورژوازی و بیورژوازی که البته بهترین راه، راه حل اول بود. تحولات روسیه چنین میشود که در انقلاب فوریه بورژوازی جانشین تزار میسرود. از این لحاظ انقلاب دمکراتیک تحقق میپذیرد. چه املی ترین تفا دیغنی تفا دیغین زیربنا (طبقه مسلط اقتصاد) و روبنا (طبقه مسلط سیاسی) حل میشود. و در حقیقت با یک انقلاب سیاسی، تغییر ماهیت قدرت سیاسی... صورت میگیرد، لیکن وظایف دمکراتیک آن دست نخورده باقی میماند که بیرولتا ربا در طبقه انقلاب سوسیالیستی اکتبر و بعد از آن به حل این وظایف میپردازد.

اما در عصر کنونی (امپریالیسم) در جوامع تحت سلطه، انقلاب صرفاً سیاسی معنی و مفهوم ندارد، چه جابجائی قدرت سیاسی هیچ مسئله‌ای را به تنهایی حل نمیکند و آن‌جا معرکه‌ها در دو اردوگاه سرمایه‌ها بی باقی ننگه میدارند. در این جوامع طبقه مسلط سیاسی و طبقه مسلط اقتصادی برهم منطبق بوده و مضمون اصلی انقلاب را اهداف دیگری تشکیل میدهد. در مورد آخرین نکته یعنی امکان گذار به انقلاب سوسیالیستی بدون عبور از مرحله دمکراتیک با بدگفت که بنظر ما اگر چه روند عمومی جامعه چنین راهی را بعید میسازد، اما غیر ممکن نیست و این امر نه فقط در جامعه ما، بلکه اصولاً در سایر جوامع تحت سلطه نیز میتواند صادق باشد، یعنی مرحله دمکراتیک سیری گرد و با پیروزی انقلاب سوسیالیستی وظایف انقلاب دمکراتیک در دوره سوسیالیسم به انجام میرسد. اما نباید فراموش کرد که شرایط عینی و ذهنی لازم برای گذار به انقلاب سوسیالیستی، در جامعه‌ای که مسائل دمکراتیک در آن حل نگشته است، به سختی ممکن است فراهم آید و در واقع برای گذار به مرحله سوسیالیستی بطور عموم باید از مرحله دمکراتیک عبور نمود.

- - سایر رفقا شایسته که بر ایمان ما مه‌فرستاده‌اند: رفیق س، الف، شیراز - حمید - ط - ه، ک، فیروز - آ با د فارس، م، ط - د، آمل - رفیق مصطفی مشهد - غ، الف، تبریز - ن، تبریز - ع، ل، تبریز - فواد - م - ر، تبریز - حبیب از تبریز - مهناز - نسرین - محلات جنوب تهران - ج - م، ع - س، ب - فیروز تبریز - رفیق از ا هواز - افسانه آبادان - ع، پیشمرگه - م، شیراز - ف - از معلمان تهران - هواداران - قم - یکی از مروجین دانشجویان و دانش آموزان بیکار - الف، جهرم - تهران - م، ک، ا هواز - احمد - الف، ذوقول - کمیته غرب تهران - م، ع، ا هواز - محسن بلوچستان - ف، م، سراوان - آ، بروجرد - م، ب - مازندران - هشت "پاران جغت" اندیشک.



هجوم وحشیانه پاسداران به خوابگاه دختران دانشجو

پس از مدتها درگیری وزد و خوردبین اوباشان جمهوری اسلامی و دختران دانشجو خوابگاه شماره ۳ واقع در ۱۶ آذر که توسط مردم حمایت میشدند و عدم موفقیت اوباشان برای بیرون راندن دختران دانشجو، روز جمعه بعد از ظهر اوباشان و پاسداران جمهوری اسلامی به خوابگاه دختران حمله کرده و بعد از مدتی درگیری وزد و خورد و مجروح کردن دختران دانشجو، آنان را از خوابگاه بیرون کرده و مکان زندگی را نیز از آنان گرفتند! پاسداران مردمی را که از دختران دانشجو حمایت میکردند، دستگیر کرده و میکوشند با این اعمال مانع حمایت توده ها از دانشجویان شوند! زهی وقاحت وی - شرمی! رژیم جمهوری اسلامی با این اعمال ضد انقلابی تنها ساعت مرگ خود را نزدیک میکند. رژیم جمهوری اسلامی با این بهانه که خوابگاه را به آوارگان جنگ اختصا میدهد به آنجا حمله میکنند ما این فریبی بیش نیست مردم زحمتکش میپرسند: اگر رژیم و اقا برای آوارگان دل میسوزاند چرا هتلها و ساختمانها که ما نمانده اند برای سکونت به آنها نمیدهد؟ حمله به خوابگاهها توطئه ای دیگر برای سرکوب دانشجویان انقلابی و آواره و سرگردان نمودن آنها در خبا با آنهاست.

میلیون نفر از مردم مناطق جنگ زده آواره و گرسنه شده اند، دزدان و بیدوران چشم توده های گرسنه ۴۰۰ میلیون تومان از بیت المال مردم را به جیب امپریالیستها میریزد. دانشجو: آقای رفسنجانی با این پول که از خون دل کارگران و زحمتکشان و از طریق استنما آنها توسط سرما به داران بدست آمده برای پاسداران الحده می خرد تا پاسداران در حفاظت از سرمایه داران مبارزات کارگران، زحمتکشان و خلقهای ستمدیده و نیروهای انقلابی بویژه کمونیستها را شدید تر و مجهز تر از پیش سرکوب کنند.

حجت الاسلام رفسنجانی نیز همچون دیگر بهاران جنایتکارش، دستش بخون کارگران و زحمتکشان و انقلابیون آلوده است. این عنصر فریبکار که معمولا صحبت خود را با رنگ و لعاب عوامفریبانه و با جملات لفظی به امپریالیسم می آراید در عمل خاشاک است، با امپریالیستها عقدا تحا دوستی بسته و به سرکوب انقلاب و کمونیستها می پردازد. رفسنجانی از باران آیت الله خمینی بوده و در زیر چتر حمایت او بر آریکه قدرت تکیه زده است و با جمع کردن مفت - خوران و عوامفریبان به دور خود در مجلس ارتجاعی به تعمیق مردم زحمتکش پرداخته و ضمن سرکوب انقلاب کارگران و توده های زحمتکش راه تن دادن به استثمار سرمایه داران دعوت میکند.

★ ★ ★

عوامفریبانه از "مبارزه ضد امپریالیستی" دم میزنند. اما وقتی پای منافع طبقاتی در میان می آید دست نیا زوا تحادیسوی امپریالیستها دراز میکنند تا بر علیه دشمنان شماره یک و آشتی - ناپذیر سرما به داری یعنی کمونیستها راستین متحد شوند. دعوت رفسنجانی از امپریالیستها چیزی را نشان نمیدهد جز حمایت پانین شخص دارنده حزبی اش از امپریالیستها و استنما زگران وحشی اروپا در مقابل کمونیستها بگذریم از اینکه عناصری مثل ایشان شوروی امپریالیستی را نیز جزو کمونیستها حساب میاورند! (رجوع شود به افشاگری پیکار شماره ۶۹)

● - شرکت فعال در بازسازی نظام منکبت سار سرما به داری وابسته: ابوعنوان یکی از مهره های اصلی رژیم جمهوری اسلامی چهره شورای - انقلاب چه وزارت کشور و چه در مجلس ارتجاعی فعالانه در بازسازی سرما به داری وابسته شرکت کرده و هرگونه حرکت انقلابی برضد این سیستم را به همراه دیگر جناحهای رژیم سرکوب کرده است. ● - شرکت در تمام مخیانتها و جنایاتی که بهشتی و امثال او انجام داده است بطور مثال روشنی است که ملاقات بهشتی و موسوی اردبیلی با جاسوسان امپریالیسم آمریکا (قبلا افشا شده است) هرگز بدون اطلاع آقای رفسنجانی نبوده است.

● - رفسنجانی مزورانه ادعا میکند که در نظام جمهوری اسلامی افراد ملت با یکدیگر برابرند و در سرفیه خارج نخست وزیر شدن رجائی را به رخ میکشد که از معلمی به نخست وزیر رسیده است ولی هیچ سخنی از بازسازی و قوم و قبیله پرستی رایج بمیان نمی آورد. هم اکنون آقا زاده ها، دامادها و برادرها و بانوان حضرات بمسورت شخصیتها یا معتبر جمهوری اسلامی در آمده و از امتیازات پادآورده و البته معجزه آسای انقلاب استفاده میکنند. سند حقوق ۱۴ هزار تومان یکی از برادران رفسنجانی را که از فردای قیام به او پرداخت شده ما در پیکار افشا کردیم. محمد هاشمی رفسنجانی برادر رئیس مجلس به معاونت وزارت کشاورزی و بعد بنوعان و مشاور سیاسی نخست وزیر منصوب شده است.

این "خاصه خرجیها و پارتی بازیها" درست در حالی صورت میگردد که کارگران انقلابی و دسته دستها ز هوا داران نیروهای کمونیست و انقلابی را از کارخانه ها، مدارس، دانشگاهها و ادارات دولتی بیرون میریزند و بی فرصت طلبان بوقلمون مفت، ساواکیهای دیروز و رویزیونیستهای خاشاک را با آغوش باز و البته زیر چتر حمایت یکی از "مکتبیها" می پذیرند.

● - ریختن ۲۰۰ میلیون تومان از دسترنج زحمتکشان به جیب امپریالیستها با بت خریدن اسلحه برای سپاه پاسداران (سند این اقدام ضد خلقی رفسنجانی توسط سازمان ما افشا شد) آقای رفسنجانی اولاد در شایبی که میلیونها نفر از مردم زحمتکش بیکار ما حتی نان خالی برای خوردن ندارند و در حالیکه بیش از ۱/۵

رفسنجانی ...

بقیه از صفحه ۱۹
دموکراتیک ضد امپریالیستی مردم ما بوده
● - رئیس مجلس شورای اسلامی: آقای رفسنجانی ریاست مجلس را به عهده دارند که مرکز تجمع عوامفریبان، مفتخوران، ساواکیها و سرما به داران لیبرال و حزبی و ضد کمونیستهای مرتجع و سرکوبگران کمونیستها و انقلابیون در تمام شهرهای ایران میباشد. مجلسی که ساواکی و سرما به داران بودن افرادی از آن همچون عسگر - اولادی و معین فرسا و کی فخرالدین حجازی مجبوزگی شاه، خلخاللی جلا، دیلمه چما قارو... بارها به اثبات رسیده و خلقهای زحمتکش از ماهیت آنها بخوبی اطلاع دارند، بنا بر این رفسنجانی کارگردان مجلسی است که توده ها را تعمیق کرده و به استنما هر چه بیشتر میکشاند.

● - رفسنجانی از جمله کسانی است که در جریان قیامها تمام قوانین کشوریهای سرکوبگر رژیم شاه را دست نخورده نگهدارند و خود اعتراف میکنند که در برابر خواست توده ها که فریاد میدهند: رهبران ما را مسلح کنید" میگفته است "حالا وقتش نیست" (!) (توده ها را از در هم کوفتن قدرت نظامی دشمن مانع نمیکرد است. رفسنجانی و دیگر با مطلق "رهبران" مسئول ضربات دردناکی هستند که در نتیجه دست نخورده ماندن ابزارهای سرکوب رژیم سرما به داری وابسته بر بیکار انقلابیهای ما وارد آمد، این موضعگیری رفسنجانی جزئی از برنامه وسیع سازی است که بین جناحهای ارتجاعی داخلی از یک طرف و منافع امپریالیسم جهانی از سوی دیگر در جریان انتقال قدرت از رژیم شاهنشاهی گذشته به رژیم کنونی صورت گرفت.

● - دشمنی با کارگران و دهقانان و زحمتکشان بنا به ماهیت طبقاتی خود با تصویب لویاسح و قوانین ضد کارگری و ضد دهقانی در مجلس آقای رفسنجانی در مقام ریاست مجلس شورای اسلامی قوانین لویاسحی را که بر ضد کارگران و دهقانان و به نفع سرما به داران و فئودالها میباشد از تصویب خود و همپالکیهای حزبی و لیبرال خود میگذراند.

● - تلاش برای تامین رفاه ساواکیها و آدمکشان و جلادان رژیم ضد خلقی شاه: حجت الاسلام رفسنجانی گفته است: "ساواکیها هم باید آسایش و رفاه داشته باشند. آنها هم انسانها هستند" (پاسخ به شوننگا را دیوبعدا ظهر ۲۲ تیر ۵۹) این جناب جلادان ساواکی را به چه مجوزی مورد لطف و محبت خود قرار داده است. آنها در شایبی که زحمتکشان ستمدیده ما خواهان مجازات و اعدام جانیان ساواکی و جلادان ارتش شاهنشاهی بوده و هستند؟

● - دعوت از امپریالیستها غربی برای انعقاد در مقابل کمونیستها: رفسنجانی در ملاقات با سفیر ایالتالیا، بلژیک، هلند و ژاپن گفت: "امروز دول غرب در برابر کمونیسم احتیاج به اتحاد و همکاری دارند" (کیهان سه شنبه ۲۸ مرداد ۵۹) رفسنجانی و داروستانش شب و روز

کنفرانس ارتجاعی اسلامی واهداف آن

کنفرانس سران کشورهای اسلامی بزودی در مکه (عربستان) تشکیل میگردد و دستور کار را بین کنفرانس عبارت از بررسی تهاجم شوروی به افغانستان، برخورد به جنگ ایران و عراق، رسیدگی به مسئله اشغال سرزمینهای اعراب و... میباشد. ما پرواضح است که هدف قطعی این کنفرانس فراتر از موارد تعیین شده فوق میباشد.

درواقع برگزاری این کنفرانس تحت رهبری وهژمونی کشورهای مرتجع طرفدار امپریالیسم آمریکا هدف تحکیم نفوذ آمریکا و منفرد کردن امپریالیسم شوروی را تعقیب میکند. امپریالیسم آمریکا از طریق رژیمهای سرسپرده - ای چون عربستان و پاکستان... میکوشد تا کشورهای وابسته به امپریالیسم غرب را متحد - تر ساخته و کشورهای متضاد و یا نزدیک به شوروی را بسوی خود متمایل سازد. در دستور قرار دادن بررسی تهاجم و زسوسپال امپریالیسم به افغانستان، نقطه انکسای بسیار مهمی است که به آمریکا اجازه میدهد تا از طریق رژیمهای وابسته به خود سیاست خویش را در مقابل جوشی با شوروی پیاپی دهد. در واقع امپریالیسم آمریکا میکوشد تا شوروی را منفرد ساخته و محیطه عملکرد و نفوذ خود را گسترده نماید. دورنمای رشد جنبش خلقها و رقابت هر چه افزونتر شوروی و آمریکا می طلبد تا هر یک از این دو قدرت امپریالیستی به وسیله امکانات خود بپردازند.

اگرچه اعضای این کنفرانس ۴۲ کشور اسلامی میباشد، اما در این کنفرانس اخیر مصر، لیبی، چاد و ایران شرکت نمیکند. عضویت مصر پس از تازدادن صلح با رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۷۹ به حالت تعلیق درآمد. شرکت لیبی و چاد در این کنفرانس مواجاست با اعتراض وسیع کشورهای شرکت کننده، چرا که اکثر آنان مخالف "اتحاد لیبی و چاد" میباشد و این "اتحاد" را بنفع سوسپال امپریالیسم رزبایی می نمایند و بالاخره با یاد عدم شرکت ایران در کنفرانس یا عدمود، اگرچه اکثر کشورهای شرکت کننده میکوشند تا از طریق طرح مسئله جنگ ایران و عراق و طرح راه حلها، جهت خاتمه دادن به جنگه ایران را به کنفرانس بکشانند. اما ایران ورود خود به کنفرانس را موقوف به عدم حضور صدام حسین نموده است. البته در ایران لیبرالها علیرغم حضور صدام خواهان شرکت میباشد، اما خمینی مخالف این شرکت است. البته خمینی و حزبیه نیز متمایل به شرکت در این کنفرانس آمریکا میباشند، اما نمیکخواهند در شرایط فعلی که از نظر نظامی در موضع ضعف هستند در کنار صدام قرار گیرند. تحریم این کنفرانس از جانب ایران نه به لحاظ ماهیت ارتجاعی



اخبار ومسائل جهانی

کنفرانس میباشد، بلکه فقط بخاطر موقعیت کنونی ایران در جنگ با عراق است. ناگفته نماند که رژیم مرتجع سوریه که در کنفرانس قبلی شرکت نکرد این بار شرکت کرده است. شرکت سوریه در این کنفرانس آمریکا را یکبار دیگر ماهیت ارتجاعی رژیم اسد را برملا کرده و نشان میدهد که رژیم سوریه اگر در کنفرانس قبلی شرکت نکرد بخاطر ماهیت "مترقی" اش نبوده است. در ضمن سازمان آزادیبخش فلسطین نیز آماج دگی خود را جهت شرکت در این کنفرانس اعلام نموده است.

چیانگ چینگ: سمبلی از مبارزه طبقاتی در چین



دادگا رویزیونیستها، ضد انقلابی حاکم برجین مدتی است که به محاکمه چند تن از کمونیستها از جمله چیانگ چینگ پایان داده است. لیکن هنوز نتوانسته حکم قطعی را صادر نماید. این دادگا اگر چه برای رفیق چیانگ - چینگ نقضای اعدام کرده است اما مرتجعین کشیفی چون تنگ سیا شوپینگ هنوز جرات آنرا پیدا نکرده اند که بر نقضای اعدام کمونیستها مهربان نباشند. تنگ از چه میهراسد؟ پس از سر - کار آمدن رویزیونیستها، چان در چین، اگر چه دولت بورژوازی جدید به سرکوب گسترده ای علیه کمونیستها و طبقه کارگر و توده های آگاه دست زده است، اگر چه رویزیونیستها مارکسیست - لنینیستها را از مرکز قدرت و از جمله از حزب اخراج نموده و به زندان انداخته و مورد شکنجه

روحی جسمی قرار داده اند. اگر چه ضد انقلابیون مرتد، کمونیستها را به محاکمه کشیده و مستورد و قبح ترین اتهامات مرتجعانه قرا داده اند، اما از اعدام کمونیستها وحشت دارند و چنانچه میداندند توده های آگاه و طرفدار کمونیستها میباشند، چرا که میدانند خون سرخ کمونیستها نفرت سنگینی را علیه رویزیونیستها در دل طبقه کارگر و سرتوده ها میافریزند. رویزیونیستها از اعدام کمونیستها میترسند چون چیانگ چینگ که در دادگا هلاک شده است، نشان میدهد که در حاکم را به محاکمه کشیده است، میهراسند زیرا میدانند که خون سرخ مارکسیست لنینیستها جریان مبارزه طبقاتی را سبب ترویر غرورش نمیشد.

از همان فردای کسب قدرت توسط رویزیونیستها، مقاصد و مقاصد و مبارزه کمونیستها، کارگران انقلابی و توده های آگاه علیه دولت ضد انقلابی تنگ سیا شوپینگ شروع گردید. مبارزه طبقاتی حتی گاه در شکل مطلقانه نمود علیه دولت رویزیونیستی جریان پیدا کرد. اگر چه رویزیونیستها پیوسته مدعیانه مسکنی کرده اند تا این مبارزه متوقف شده و یا لا فمصل پوشیده بماند تا تیری بر بخشهای وسیعتری از زحمتکشان نگذارد، اما علیرغم این تشویشها ضد انقلابی مبارزه طبقاتی کارگر و توده های آگاه در اشکال گوناگون ادامه داشته و بیش از پیش توده وسیعتری را در بر میگیرد. یک روزنامه مسنه رسمی چین بنام "آزادی شنگهای" اخیراً نوشته است: "در حال حاضر در فغانگهای و دیگر مناطقی کشورمان، رخ میدهد که قابل توجه است. بطور مثال عده ای سعی دارند مملکت را دچار هرج و مرج و بی نظمی کنند و از روشهای انقلاب فرهنگی برای تحریک و ایجاد مشکلات استفاده میکنند." این روزنامه همچنین می نویسد: "مردم بطرز واقعیه نای به ساختن بمب اقسام کرده، اعلامیه های ضد انقلابی علیه رهبری را پخش دیگران پخش میکنند و مشغول سازماندهی شبکه های از سازمانهای غیرقانونی هستند." روزنامه های دیگری که در شمال شرقی چین منتشر میشوند اخبار مشابهی را پخش کرده و می نویسند: "تعدادی از این هرج و مرج ظلمت به ایجاد شایعه در بین مردم پرداخته و اعلامیه ها و بوسترهای مرتجعانه بین مردم پخش میکنند." آری امروز در چین مبارزه طبقاتی ادامه دارد. کمونیستها و کارگران آگاه به این کمونیستها رویزیونیستها پرداخته، به پیش روزگاری شینا به دست زده به سازماندهی توده ها اقدام نموده و در پی هر چه گسترده تر کردن صفوف مبارزه طبقاتی میباشد. آری در چین مبارزه طبقاتی نمرده است. اگر دیکتاتورین پرولتاریا سرنگون گردیده، اما مبارزه پرولتاریا و کمونیستها برای کسب دوباره قدرت ادامه دارد. و کمونیستها همچنان بر طبق رژیم مبارزه طبقاتی میکوبند. آری امروز تنگ سیا شوپینگ مرتجع از اعدام طبقه در صفحه ۲۵

کوس رسوائی خلخال، در فضای جمهوری اسلامی بصدا درآمد!

نیروهای انقلابی و کمونیستی با رها چهره خلخال، این "میر غضب جلاله" رژیم کنونی را با رها افشا کرده اند و ما هیبت ارتجاعی او را در پس توفا ن ادعا ها و عریضه ها شای که او علیه خا نشان رژیم گذشته و با مصلح در مبارزه با مواد مخدر بکار میبرد برای توده ها عیان ساخته اند اینک "شاهدی" نه از غیب، بلکه از درون خانه از درون رژیم و از درون دستگاه آقای خلخال رسیده است، او چگیری مبارزه توده ها در مصوف این "زدان در بایا شای که انقلاب خلقهای ما را به ناکامی کشا نند و روز بروز بیشتر میشود و هر یک دیگری را رسوا تر میسازد.

شخصی بنا علی کریمی، سرپرست سابق انتظامات زندان قمر که همکار آقای خلخال بوده و در جنايات او شریک میباید و او اختلاف پیدا کرده است که ما علت دقیق آنرا نمیدانیم ولی از سنا می سرگشا ده ای که همین شخص خطاب به آیت الله خمینی نوشته و اندکی از جنايات بسیار خلخال (و در واقع رژیم جمهوری اسلامی) را برملا کرده است چنین بر میآید که آقای خلخال علی غمنا نما ز آب کشیدنها و چهره قاطعانه اش علیه ما و اکیها و قا قا چیا ن به چه جنا بای تی آلوده است. جنا بای تی که با رها مورد تا شید آیت الله خمینی قرار گرفته است. در نامه مزبور آمده است که:

۱- "خلخال میباید که ما ز متهمین را بطریق معقول و معمول محاکمه نکرد و حتی گاهی در کوتاهترین مدت مثلا در مدت یک ساعت ۷۰ حکم صادر کرده است."

۲- "در کردستان دکتر شوشندری با ظر ناسازی که به شخص آقای خلخال گفت بدون هیچ مجوز و دلیل و مدرکی تیرباران شد."

در آن زمان چه دروغها که به نیروهای انقلابی و خلق دلور کردند نسبتند و چه لاط لاتی که در توجیه این جنايات خلخال (که جزئی از رژیم است) تبا فتند! خلخال خون آشا م به سهولت آب خوردن دستور کشتار خلق کرد و خلق ترکمن و خلق عرب و کمونیستها و انقلابیون را صادر میکرد. خلخال نه تنها "نور چشم ما" و شاگرد قدیمی او در قم، بلکه خود میباید بود و بر اساس ولایت فقیه حق دخل و تصرف در جان و مال مردم را داشت. خلخال با استفاده از همین "حق" و "موقعیت" بود که فرمان اعدا مرفقای ما اشرافی و نیک اندام را نیز در آغا جاری صادر کرده بود.

۳- باغ جهان بینی در کرج در تیول آقای خلخال و باندمربوطه است. آنها در این باغ زندان داشکرده و سلاحهای سنگین حتی سوپ دورزن را نیز در اختیار دارند. آری میلیونها تومان از بیت المال عمومی در دست خلخال است و هر طور که میبیش تعلق گرفت آنرا خرج

میکند، او پس از عملیات تخریب احقنا مقبره رضا شاه شای ۳۵ میلیون تومان از پول مردم زحمتکش ما را صرف ساختن مستراح های عمومی در شهر ری نمود. این در حالی بود که بیش از ۳ میلیون نیکار و ۱/۵ میلیون آواره هموطن ما نا نا بخور و نیمروزانه نا نا راندارند. ۴- آقای خلخال مثل بهلوان پنبه های قرون وسطی چه ادعا های دروغی که نکرد، ادعا های که بعنوان مضحکه های تاریخسی دوران جمهوری اسلامی در ذهن مردم مستمیده ما خواهد ماند. یکبار در خیال خود هلیکوپتر را به مکزیک فرستاد تا شاه خا ش را ترور کند و یکبار "فدا شیا ن اسلام" را به تعقیب شاه و فرج میفرستاد و هر بار که دروغش آشکار میشد و قبا نه تر از پیش ادعا های خود را تکرار مینمود.

در مورد "مبارزه با مواد مخدر" در نامه ای که همدست سابق خلخال به آیت الله خمینی نوشته چنین میخوانیم:

"در ساله مبارزه با مواد مخدر، آقای خلخال با تهیه طومارهای جعلی و سوار رشی و تلفن ها و تلگرافهای آنچنانی به دفتر امام و دفتر ریاست جمهوری تصدی این پست را بخود اختصاص داد و در این مرحله از اقدامات خوددرویی شما مدروغوبیا ن عالم و جلاد های دنیا و جانیان معروف گذشته و روشو گبیرها را سفید کرد تا جا شیکه لباس پاسداری بر تن نمود و به ملا بر و همسندان رفت و در آنجا که حتی بقدریک بال مگس تریاک و بیاهروشین کشف نکرد گروھی را به اسد ام و زندان محکوم نمود که آنان افراد سابقه دار بوده اند. جا لب آنکه از آنجا به من تلفن نمود که فلانی من سیمد کیلو هروشین تحویل تو دادم تو هم آنها را سوزا ندی! او بلافاصله در سنا های خبری به روغ بخش نمود که سیمد کیلو هروشین توسط آقای خلخال کشف شد."

۴- نویسنده نا مه در پا ن میگوید: "آقای خلخال در بانک ملی شعبه دانشگاه پلیس جنب زندان قصر حسابی به شماره ۲۴۵۰ بنا مخود افتتاح کرده که متاسفانه معرف ایشان برای این حساب جاری خود اینچنانب هستم. استعمال فرما شید چند میلیون پول به این حساب واریز شده و در چه مواردی معرف شده است."

"خلافکارهایی آقای خلخال را اگر بخواهم با دا و روشم نشوی هفتاد من کا غشود. شکنجه متهمین بنا مدشرعی! اخذ شوه های کلان بنا م ما دره اموال اعدا مهای آنچنانی، سکونت در خانه ده میلیونی با انا شوه اسباب دیگران و همچنین استفاده خود و قافل میل و دوستان از ماشین های چند میلیونی بیت المال و بکار گرفتن افراد معلوم الحالی چون ما شاه الله قصاب که ترورهای بدست او انجام شده گوشه های از

شاهکارهای این حاکم شرع است". در اینجا نا مه علی کریمی پا پا ن میگیرد. این از برکت اعتلای انقلابی و او چگیری مبارزه توده ها است که دشمنان خلق دست یکدیگر را رومیکنند و جنايات شان را که در دادگاه خلخال مسلما مطرح خواهد شد با مصلح انقلابی و ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی یکی پس از دیگری - و چه زود - ما هیتشان آشکار شده است. روز بروز توده های بیشتری می فهمند که اینها با این ما هیت ضد انقلابی و پلیدشان "حق" داشته اند که با کمونیستها و نیروهای انقلابی دشمن باشند و آنان را به جوخه اعدا م بسپارند. "حق" داشته اند داشته اند که از طرف ریاست جمهوری بر پا است سا زمان با مصلح مبارزه با مواد مخدر منصوب شوند.

دشمنان خلق را در هر چهره مزورانه ای که بخود بکیرند بپرحمانه افشا کنیم.

آوارگان ماهشهر با مصادره انقلابی، خود را از بادوباران نجات دادند

براشرا رنگی شید در ۲۶ آذر ماه، چادر - های آوارگان مستقر در تربیت بدنی ماهشهر را آب میگیرد. مردم که از این وضع فبیج و بدگی شدت خشمگین و ناراحت بودند و در حالیکه بر علیه آیت الله خمینی شعار داده و "مرگ بر رفسنجانی" و... فریاد میزدند به فرمانداری رفتند. فرمانداری رسمی نمود آنها را به "جهاد" و "سج" پاس دهد و دست بسر نما بد. جنکزدگان تصمیم میگیرند خود اقداما بیند و از فرمانداری به مدرسه متقد رفتند و علی غم مقامت مدیر مدرسه در تعدادی از کلاسها مستقر میشدند و سرپنا هی موقتی برای خود تهیه میکنند.

مدیر مدرسه که در مقابل آوارگان عاجز شده بود تعدادی از دانش آموزان نا آگاه و فالانزرا بر علیه جنکزدگان تحریک میکند و آب برق مدرسه را بر روی آنان قطع میکند. آوارگان در مقابل این تشبیهات دست به تظاهرات زدند و فرماندار در مقابل مبارزه آنان عقب نشینی کرده و اظها رمیدار دتا زمانیکه جاشی برای آوارگان پیدا نشود نما بنا مند و قول میدهد آب و برق مدرسه را وصل کند.

به این ترتیب زحمتکش آواره توانستند با اتحاد و هبستگی و با عمل انقلابی خود مسئولان رژیم را وادار به عقب نشینی ساخته و موقتا مشکل ممکن خود را حل نما بند.

با تخلیس از "فریاد آوارگان" ۱۱ - کمیته خوزستان

در اینجا ما آخرین قسمت از اطلاعیه وحدت
رفقای پیکار خلق را درج مینماییم:



گفتیم که از یکسوی جنبش توده‌های مردم‌گرایار
رو به رشد می‌روند و از سوی دیگر جنبش کمونیستی ما
دچار ضعف و بحران است، لذا مقدس ترین و
عاجلترین وظیفه در مقطع کنونی از بین بردن
این دوگانگی میباشد. پاسخگویی به نیازهای
میرم جنبش در حال اعتلا و انجاء مظلومین
در دستور کار، ضرورت وحدت اصولی نیروهای
راستین کمونیستی را بیش از پیش نشان میدهد
امروز جنبش کمونیستی ما یک مرحله از حیثیات
خود را پشت سر گذاشته و از دوران فعالیت گروهی
و محفلی به دوران فعالیت و مبارزه بسط یافته
پی ریزی حزب کمونیست وارد شده است. امروزه
وظایف پیش پای جنبش کمونیستی (ا.ع.ز.آ.ن)
وظایفی که جنبش توده‌ها را مطرح میسازند و
با آن وظایفی که مربوط به درون جنبش کمونیستی
میباشد (آنچه را ابعاد گسترده و وسیعی بخود
گرفته که دیگر فعالیت‌های خرد در محدوده محفلی
و گروهی به هیچ روی متناسب با این وظایف
گسترده نبوده و مهمترین وظیفه ای که پیش پای این
نیروها قرار میگیرد، همانا خارج شدن از پوسته
تنگ فعالیت گروهی میباشد، زیرا مضمون اصلی
این مرحله از رشد جنبش کمونیستی ما مبارزه در
راه پی ریزی و تدارک فعالیت حزبی میباشد.
تفا دبین وظایف گسترده پیش پای جنبش
کمونیستی و پوسته تنگ فعالیت گروهی و محفلی
عملا موجب فرورفتن در خرده کاری، دنباله روی
از جنبش توده‌ها، اکتونیم و شش زما نی و
عقب ماندگی میگردد، بنا بر این حرکت در جهت
حل این تفا دور هم تنگ پوسته تنگ فعالیت‌های
گروهی و محفلی از طریق تحقق امر وحدت با سایر
نیروها برپا به یگانگی ایدئولوژیک سیاسی
می بایست گام نخستین ما قرار بگیرد. بنا بر
این ما بویژه تا کیددا رایم که دوران فعالیت
- های پراکنده و تنگ محفلی و گروهی به پایان
رسیده و در جاذب در این چهارچوب عملا بمفهوم
در غلطیدن کامل به خرده کاری، عقب ماندگی و
اکتونیم میباید. لذا دیگر نیروها محق نیستند
که هر یک به تنهایی فقط وظایف گروهی و سازمانی
خود را به پیش برده و بر این پراکندگی صحه
گذارند.

گفتیم که از یکسوی جنبش توده‌های مردم‌گرایار
رو به رشد می‌روند و از سوی دیگر جنبش کمونیستی ما
دچار ضعف و بحران است، لذا مقدس ترین و
عاجلترین وظیفه در مقطع کنونی از بین بردن
این دوگانگی میباشد. پاسخگویی به نیازهای
میرم جنبش در حال اعتلا و انجاء مظلومین
در دستور کار، ضرورت وحدت اصولی نیروهای
راستین کمونیستی را بیش از پیش نشان میدهد
امروز جنبش کمونیستی ما یک مرحله از حیثیات
خود را پشت سر گذاشته و از دوران فعالیت گروهی
و محفلی به دوران فعالیت و مبارزه بسط یافته
پی ریزی حزب کمونیست وارد شده است. امروزه
وظایف پیش پای جنبش کمونیستی (ا.ع.ز.آ.ن)
وظایفی که جنبش توده‌ها را مطرح میسازند و
با آن وظایفی که مربوط به درون جنبش کمونیستی
میباشد (آنچه را ابعاد گسترده و وسیعی بخود
گرفته که دیگر فعالیت‌های خرد در محدوده محفلی
و گروهی به هیچ روی متناسب با این وظایف
گسترده نبوده و مهمترین وظیفه ای که پیش پای این
نیروها قرار میگیرد، همانا خارج شدن از پوسته
تنگ فعالیت گروهی میباشد، زیرا مضمون اصلی
این مرحله از رشد جنبش کمونیستی ما مبارزه در
راه پی ریزی و تدارک فعالیت حزبی میباشد.
تفا دبین وظایف گسترده پیش پای جنبش
کمونیستی و پوسته تنگ فعالیت گروهی و محفلی
عملا موجب فرورفتن در خرده کاری، دنباله روی
از جنبش توده‌ها، اکتونیم و شش زما نی و
عقب ماندگی میگردد، بنا بر این حرکت در جهت
حل این تفا دور هم تنگ پوسته تنگ فعالیت‌های
گروهی و محفلی از طریق تحقق امر وحدت با سایر
نیروها برپا به یگانگی ایدئولوژیک سیاسی
می بایست گام نخستین ما قرار بگیرد. بنا بر
این ما بویژه تا کیددا رایم که دوران فعالیت
- های پراکنده و تنگ محفلی و گروهی به پایان
رسیده و در جاذب در این چهارچوب عملا بمفهوم
در غلطیدن کامل به خرده کاری، عقب ماندگی و
اکتونیم میباید. لذا دیگر نیروها محق نیستند
که هر یک به تنهایی فقط وظایف گروهی و سازمانی
خود را به پیش برده و بر این پراکندگی صحه
گذارند.

تنها اذعان به عدم کارائی نیروهای
پراکنده و اعتقاد به امر وحدت کافی نیست،
بایستی در راه انجام هر چه سریعتر آن نیرو
گذارده، برنا ما را شده و قبل از هر چیز پیرو
مبارزه ایدئولوژیک را تسریع نموده و بعد از
رسیدن به وحدت نظر بر روی مواضع اساسی
جنبش کمونیستی، وحدت تشکیلاتی را نیز تحقق

۲- دیدگاه مطلق کرائی که وحدت را منوط
به حل همه و هرگونه اختلاف نظر نموده و بدنبال
وحدت ناب است. این دیدگاه اساسا ایده آلگستی
بوده و عدا، خود را بر واقعیت مبارزه طبقاتی
منطبق نمی سازد.

گفتیم که بایستی برای وحدت برنا منبیز
داشته باشیم. به نظر ما وحدت جنبش کمونیستی
یک مسئله عمومی برای کلیه نیروهای ا.م.ل.می-
باشد، اما در عین حال وحدت برای هر نیروی
مشخصی یکسری ویژگیهای مشخصی را مطرح می-
سازد. هیچ نیروئی بدون در نظر گرفتن ویژگی
- های خود نمیتواند در مسیر عمومی قرار گیرد.

برای وحدت همچنین بایستی معیار داشته
باشیم تا مبارزه ایدئولوژیک سیاسی را حول
آن معیارها و مواضع به انجام برساند و وحدت
نظر پیدا کنیم. امروز نیروی ما با بدسراسر این
نکته تا کید نمود که مرکز ثقل مبارزه ایدئولوژیک
مبارزه علیه رویزیونیسم در تمام معادله‌های
- ما باشد. ما در نوشته‌های خود با مبارزین وحدت و
معیارها را که اصولی و پذیرفتنی آن را پیش
- شرط وحدت تشکیلاتی میدانیم، بیان کردیم.
این معیارها در قطعنا ما مشترک سازمان
پیکار و گروه ما آمده و از تکرار آن در اینجا
خودداری میکنیم.

گروه ما از همان بدو پیدایش در طرح دیدگاه
وحدت و چشم انداز آن بر اصول مارکسیسم-لنینیسم
تکیه داشته است. ما همواره بر این اعتقاد
راخ بوده ایم که اولی از مهمترین عرصه
- های مبارزه در راه ایجاد ستاد رهبری کننده
پرولتاریا - حزب کمونیست - مبارزه در راه
تأمین وحدت بین نیروهای ا.م.ل. و تانها
وحدت بین نیروهای ا.م.ل. تنها و تنها برپا به
یگانگی در ایدئولوژی و سیاست میتواند تا مین
شود. گروه ما از همان زمان خارج از کشور با هر-
گونه دیدگاهی که اختلاف ایدئولوژیک - سیاسی
و یا همکاری و آکسیون مشترک را جانشین وحدت
ایدئولوژیک سیاسی مینمورد، مبارزه کرده است
در آن زمان ما بطور جدی و شایسته ای نظرات
اشتلاقی "اتحادیه کمونیستهای ایران" را افشا
نمودیم و سپس در اردیبهشت ۵۸ مقاله مبسوطی
در در نظرات اشتلاقی و اکتونیمستی "مبارزین..."
انتشار دادیم.

گروه ما همواره بر این اصل مارکسیستی
تا کیدداشته است که مبارزه ایدئولوژیک خط سرخ
اصلی مبارزه در جهت وحدت جنبش کمونیستی
میباشد.

اگرچه اساسا مواضع و بحث پراتیک گروه
در برتو این دیدگاه مارکسیستی قرار داشته، اما
ما در برخی موارد از این خط عمومی در سست
منحرف شده ایم. مثلا ما در ما های اولیه تشکیل
کنفرانس وحدت از ریا بی نادرستی آن می -

بخشیم.
ما لازم به تا کید مجدد میدانیم که مضمون اصلی
این مرحله از رشد جنبش کمونیستی قبا رزه در راه
پی ریزی و تدارک فعالیت حزبی بوده و تنها
زمانی میتوانیم و واقعنا نقش پیشقراول را بازی
کنیم که قبا در گردیم فعالیت خود را در انطباق
با این مضمون مرحله کنونی در آوریم و غیر از
این دنباله روخواهیم بود.

تا کید زیا دما بر ضرورت وحدت هرگز بمعنای
تن دادن به هر نوع وحدتی نیست. ما خواهان آن
وحدتی هستیم که اساس آن قبل از هر چیز وحدت
نظر بر روی مواضع اصلی جنبش که آن نیز از ستر
یک مبارزه ایدئولوژیک سیاسی بیرون خواهد
آمد، که مواضع اساسی وحدت را حل کرده و بسه
مرحله بعدی یعنی وحدت تشکیلاتی منجر خواهد
شد، میباشد. این اساس رسیدن به وحدت
تشکیلاتی از آن جهت وحدت نظر بر روی معیاری
عقیدتی است، زیرا پراکندگی کنونی ناشی از
عدم یکپارچگی ایدئولوژیک سیاسی میباشد.

بنا بر این هرگونه وحدت صوری و غیر اصولی
نه تنها خدمتی به جنبش کمونیستی نمیکند بلکه
آسیب نیز میرسانند. بایستی با چنین متشکک
شدنهای ما نماند "اول وحدت تشکیلاتی و سپس
مبارزه ایدئولوژیک" ... مرز بندی نمود.

همچنین بنا بدوحدت ایدئولوژیک سیاسی
را مطلق کرده و وحدت تشکیلاتی را منوط به حل
کلیه اختلافات ریز و جزئی نمود. ما میبایست
بین دو نوع اختلاف نظر تفاوت قائل شویم:
اختلاف بر سر مسائل کلی که اهمیت برنا مه ای داشته
و هرگونه کار جدی مشترک عملی منوط به حل آن
است. مثل اختلاف نظر بر سر ما هیت طبقاتی
هبات حاکمه، دوستان و دشمنان انقلاب، مسئله
رویزیونیسم و سوسال امپریالیسم.
نوع دوم اختلاف بر سر مسائل است که دارای
اهمیت برنا مه ای و درجه اول نبوده و میتوانند
مبنای مبارزه ایدئولوژیک درون سازمان قرار
گیرند.

بنا بر این ما در اینجا با دو دیدگاه انحرافی
در زمینه وحدت مرز بندی میکنیم:
۱- دیدگاهی که از اختلاف اصولی چشم پوشی
کرده و اختلاف ایدئولوژیک - سیاسی را جایگزین
وحدت اصولی مینماید.

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

میتوانیم، مبنی بر اینکه گویا کنفرانس وحدت میتواند نظری جهت وحدت جنبش کمونیستی باشد. این ارزیابی تا صواب از کنفرانس وحدت بیان تنزل دادن اهمیت و نقش مبارزه ایدئولوژیک در تجمع نیروهای مارکسیستی - لنینیستی و در روند وحدت میباشد.

گروه ما توانست در پرتو خط جاکم در گروه این موضع انحرافی را اصلاح کند و در کنفرانس دوم گروه (شهریور ۵۸) ارزیابی خود را چنین تصریح کند:

"... در مورد کنفرانس (منظور کنفرانس وحدت) نیابتی دچار توهم گردیم که گویا کنفرانس با ترکیب کنونی و احیاناً اضافه شدن به آن میتواند به محلی برای وحدت تمامی آنها تبدیل گردد، با هم اکنون چنین محلی است، واقعیت این است که کنفرانس از تشکلاتی با مواضع متضاد است که امکان وحدت آنها بدون حل آن اختلافات موجود نیست تشکیل گردیده است. (ا سنا دکنفرانس دوم)

بدین ترتیب ما با تا کید بر اهمیت و نقش مبارزه ایدئولوژیک نسبت به کنفرانس وحدت دیداشتفا دی داشتیم. در ارتباط با تجمع چند نیرو که بعداً با برخی تغییرات و پیوستن برخی نیروهای دیگر بدان "وحدت انقلابی..." را تشکیل دادند، گروه ما در یک موضع دوگانه قرار گرفت: از یکسو ما باید محل اختلافات عقیدتی، نظری و تحقق وحدت تشکلاتی برپا به وحدت در ایده و سیاست که تجلی خود را در تدوین برنامه و تاکتیک واحد بازمیابد، وارد این تجمع شدیم و از سوی دیگر مجموعه و با حداقل اکثریت نیروهای شرکت کننده در این "تشکلات دوران گذار" دارای دید و برنامها اختلاف و وحدت تشکلاتی در و راه اختلافات عقیدتی - سیاسی بودند و در نتیجه طرحی که برای دوران گذار ارائه میدادند نیز نمی توانست جدا از تفکر اشتقاقی آنها باشد و ما بدون برخورد انتقادی به چنین طرحی عملاً در مقابل آن تشکیل نمودیم، ما در تمام مدت زمانی که بحث بر سر تدوین برنامه و مضمون در دستور کار بود، مجدداً در جهت مراحت کلام و برسر مواضعی که دارای اهمیت برنامه ای بودند. معیار وحدت محسوب میگردد، مبارزه نموده و آنجا که بیگانگی تشکلاتی در راه مبنای و معیارهای عقیدتی - سیاسی وحدت در دستور العمل قرار گرفت از آن مجموعه خارج شدیم. اشتقاق در دست در این نکته ما با وارد است که عملاً بر حرکت مجموعه ای که با دید اشتقاقی مجتمع شده اند، ندمه گذاشته و با این حرکت همراهمی نمودیم، بجای اینکه دید اشتقاقی که نقش رهبری کننده در این مجتمع دارد، را مورد انتقاد قرار دهیم، تمامی با بست و می توانستیم در قدم نخست دید و برنامها اشتقاقی را کاملاً پس جمع را مورد انتقاد قرار میدادیم.

سومین اشتقاقی که در زمینه وحدت به گروه ما وارد است همانا نشان دادن یک برنامه دقیق و

فعالیت بر مبنای آن میباشد، اصولاً گروه ما مدتی برنا روشن برای تحقق امر وحدت نداشت.

ما در عین اینکه دارای دیدگاه صحیح وحدت بودیم، اما بی برنامه مکی و فقدان عمل نقشه بند ما الزاماً همان دیدگاه و اصول عقیدتی را نیز خدشه دار می نمود و گاه ما را به مواضع اشتقاقی نیز میکشاند، و مانع از حرکت و فعالیت مستمر و موثر در جهت وحدت اصولی میشد.

تنها از اردیبهشت امسال بود که گروه ما توانست با یک ارزیابی نسبتاً دقیق از اوضاع عمومی جنبش، توسعه ای و جنبش کمونیستی و وضعیت گروه، تز به پایا ن رسیدن دوران گروهی را با به برنا مریزی برای تحقق وحدت قرار دهد.

همانطور که در پیش مشروحاً توضیح دادیم، جنبش کمونیستی مبین ما در پیرو سه رخداده دورا ن فعالیت محفلی و گروهی را پشت سر گذاشته و فعالیت گروهی و محفلی دیگر به هیچ روی با سخگویی نیا زها و وظایف گسترده کنونی نیست. برای این با به وحدت بود که مسئله وحدت برای گروه ما غیر از اینکه برپا به مبنای ایدئولوژیک - سیاسی قرار میگرفت، همچنین با فا کتور خارج شدن از محدوده فعالیت محفلی و گروهی مورد برنا مریزی قرار میگردد. برای این اساس بود که ما در برنا مریزی برای وحدت اساساً و در درجه اول با حرکت از تز به پایا ن رسیدن دوران فعالیت گروهی و محفلی به سه نیروی "رزمندگان آزادی طبقه کارگر" و "وحدت انقلابی..." و "ما زمان پیکار..." میبایست تماس میگرفتیم پس از اولین تماس (که البته از مواضع رسمی و عمومی آنها نیز قاطعاً بل درک بود) معلوم گردید که گروه ما با "ما زمان رزمندگان..." و "وحدت انقلابی..." بر روی مواضع برنامه ای و معیارهای وحدت اختلاف اصولی دار که بدون حل آنها وحدت اصولی ممکن نیست: "با رزمندگان عمدتاً بر سر مسئله سوسیال امپریالیسم شوروی که آن را معیار وحدت عضویت میدادیم و همچنین مرحله انقلاب و حاکمیت خرده بورژوازی مرفه در دولت و با "وحدت انقلابی عمدتاً بر سر همان دید اشتقاقی که منجر به شکل گیری این تشکلات شد و همچنین ناشی از آن اختلاف بر سر موضع در قبال قدرت سیاسی حاکم بعنوان حاکمیت ارتجاع و مسئله بورژوازی لیبرال.

اگرچه ما بر سر برخی مسائل با سازمان پیکار دارای اختلافات سیاسی بودیم اما این اختلافات از درجه اهمیت به مراتب کمتری از اختلافات نظری بر ما هیت حاکمیت سیاسی و مسئله سوسیال امپریالیسم برخوردار بود. ما همچنین در برنا مریزی برای وحدت و مبارزه ایدئولوژیک در این زمینه بین دو نوع اختلاف نظریات قائل شدیم، اول اختلاف ایدئولوژیک - سیاسی که دارای اهمیت برنامه ای بوده و لذا توافق بر سر آن معیار وحدت اصولی محسوب میگردد، دوم آن دسته از اختلافاتی که میتواند و

با بد مبنای مبارزه ایدئولوژیک درونی قرار گیرد، اما وجود آنها مانع وحدت نمیشد. وحدت ایدئولوژیک بمفهوم مطلق آن، یعنی بر روی کلیه مواضع و نظرات مطروحه در جنبش، چه آنها شیکه معیار بوده و چه آنها شیکه میتوانند پیرو مبارزه آن در درون تشکلات ادا مینماید، ایده الیستی و چپ روانه بوده، در عین حال کم بها دادن بدان نیز راست روانه و بیان دید اشتقاقی است.

گروه ما با سازمان پیکار وحدت و مبارزه ایدئولوژیک رقیباً نه بر سر مسائل مورد اختلاف را به پیش برده اند. تا آنجا که این مبارزه ایدئولوژیک مربوط به ما میشود نقش فعال و خلاقانه ای را در توضیح و روشن شدن پاره ای از انحرافات درونی ما داشته است. مثلاً ما طی همین مبارزات و اساساً مبارزه ایدئولوژیک درونی بود که توانستیم مواضع انحرافی گروه در مورد مسئله دانشجویان مبارز و مسئله حقوق دیگران تیک نیروها در آکسیون مشترک و... را مورد انتقاد قرار داده و اصلاح نمائیم.

ما امروز در حالیکه با سازمان پیکار وحدت می نمائیم، اما کاملاً واقفیم که بر روی برخی مسائل مثل ارزیابی از مقام خرده بورژوازی مرفه در پیرو سه انقلاب دارای اختلاف نظر هستیم. ما معتقدیم خرده بورژوازی مرفه نیروی است از لحاظ تاریخی بینا بینی که بین انقلاب و ضد انقلاب میخوابد و از شوم و مصالحه وجود آورد. این قشر از نظر پیکار و همیزان نفوذاً قاطعاً دی بسیار ضعیف است. این قشر از یکسو با بورژوازی متوسط نزدیک است که موجب نزدیکی وی با دشمنان انقلاب میشود و از سوی دیگر پیوندی با اقل خرده بورژوازی دارد و دارای تضاد معینی با امپریالیسم میباشد. این لایه اجتماعی به علت ضعف اقتصادی شدیدش، به علت در مجموع خرده بورژوا بودن و بطور خاص نزدیکی با بورژوازی متوسط کاملاً ناپیگرو متزلزل میباشد و همواره در خطر آن موجود است که بی بورژوازی بروی براه رود و گاه مشترک ضد انقلاب بپیوندد و اگر بپولتا ربا در برابر انقلاب قرار ندهد شتابان حتماً چنین خواهد شد و امروز خرده بورژوازی مرفه در اردوگاه دشمن قرار دارد. معذالک در تحت شرایط معین دیگری میتوانند اردوگاه انقلاب کشیده شود اما در همین حال ناپیگیری و تزلزلات شدید از خود نشان میدهند و تلاش دارند صفوف انقلاب اغتشاش بپا کند. لذا بدون انفراد کامل ناپیگیری و سازشکاری وی، انقلاب نمیتواند به پیروزی برسد. از این نظر بر پولتا ربا با بد در مقابل وی کاملاً هوشیار بوده و روشن دوگانهای در مقابل آن پیش گیرد. در مرحله کنونی بدان برخورد دوگانه نمیشود، بلکه غرض در کل مرحله استراتژیک انقلاب میباشد.

انقلاب دمکراتیک - فدا امپریالیستی این

شوراهای مردمی خاری در چشم رژیم جمهوری اسلامی!

رژیم مداخلتی جمهوری اسلامی از همان آغاز حکومتش دشمنی خود را با "شورا" های واقعی نشان داده و سرکوب مبارزاتی که توسط این شوراها رهبری میشد و دستگیری عناصر مبارز آنها در دستور کارش بوده و میباید. در میان نمونه های بسیار از روستای "بلست" ورامین میتوان نام برد.

مردم روستای "بلست" ورامین بعد از سروری قیام و سرنگونی حکومت شاه و بعد از انتخاب پنج نفر از میان خود "شورای بنام "شورای وحدت" تشکیل دادند. کار این "شورا" انجام کارهای مورد نیاز مردم، تهیه خواربار و تقسیم آن و سایر امثال نیاز زندگی مردم میباشد. توزیع دفترچه خواربار، تعمیر میدان اصلی ده، مسافرخانه، آبراب، فوئدال بنام "امیر حکمت" و درگیریهایی که در این رابطه با دادگاه انقلاب! پیدا می نماید از کارهای دیگر این شورا است. اما رژیم جمهوری اسلامی که از انجام کارهای مردم بدست خود آنها همیشه بیمناک بوده سعی میکند که این ده را هم زیر پوشش ارتکا نهیهای اربحای خود در آورد. سپس منظور جندی بیس "دفتر تبلیغ معارف اسلامی وابسته به مدرسه پدیدمطهری" دفتری در بلست باز میباید. در تاریخ ۱۲/۱۰/۵۹ دوشنبه از کارمندان دفتر به همراه دو یار، جهت بخش دفترچه های "مهر" دفتر تبلیغ "و جمع آوری دفترچه های "شورای وحدت" نمایان مردم می آیند، اما اعضای "شورا" به اتفاق مردم، توطئه آنها را خنثی می نمایند. آنها که از این حرکت نا امید شده بودند، با دستگیری کردن دوش از اعضای شورا و بردن آنان به "سازمان عملیاتی بعثت" (*) ما هیت خود را به نمایش میگذارند.

اهالی ده برای آزاد نمودن نمایندگان خود، با جمعیتی در حدود ۵۰-۶۰ نفر، جلوی درب "سازمان بعثت" جمع میشوند. عوامل ستاد، از ترس اشغال دفتر بدست مردم، اعضای شورا را آزاد میکنند.

اهالی برای کوتاه کردن دست "دفتر تبلیغ" و "سازمان بعثت" از سر خود، پیش فرماندهان میروند اما فرماندهان را زدن مارک ضد انقلاب! به نمایندگان همدستی خود را با بارانش نشان میدهد. نمایندگان می گفتند اگر شما میخواهید دفترچه بدهید، به ما ناطق می دهید که ملا دفترچه

(*) - سازمان بعثت سادی است که تمام کمیته های منطقه شمال ورامین زیر نظر این ستاد اداره میشوند.

اخبار مبارزات توده های

ندارند، اینجا که ما خودمان داده ایم". اما توطئه های "دفتر تبلیغ" سر علیه اعضای شورا و اهالی ده همچنان ادامه میدهند. در روز ۵ شنبه ۱۸/۱۰/۵۹ هیجا میکاندا نگرین گفتن سهمیه نفت "بلست" را در سهمیه نفت خالی میکند از طرف "سازمان" در "سهم" نقل شده و با مداری را جهت محافظت! در آنجا می گذارند. زنان زحمتکش ده که می بینند نفت مورد احتیاجشان بوسیله رژیم توفیق شده با متورب و تصمیم شورا جمع شده و به سهمیه نفت حمله میبرند و با شکستن قفل آن، شروع به بخش سهمیه نفت هر خانواده کرده و تا فردای آرتوز ۱۸۰۰۰ لیتر نفت را بین اهالی تقسیم می نمایند. و در حین تقسیم نمودن ما هیت رژیم را برای دیگران اقامی نمایند. مبارزه مردم و نمایندگان شورا با توطئه های عاملین رژیم جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد.

نورآباد ممسنی: مردم خواهان مجازات عاملین گشتار ۸ آذر میباشند!

مبارزه معلمین آگاه با پشتیبانی زحمتکشان ادامه دارد!

روز ۱۱ دیماه حدود ۱۵۰ نفر از مردم زحمتکشان نورآباد با جمع در یکی از مساجد شهر در مسورد وقایع ما گذشته شهر که منجر به شهادت ۵ معلم و زحمتکش انقلابی گردیده به گفتگو و تبادل نظر پرداختند. در این مدت نه تنها کوچکترین ترتیبی برای به خواستهای معلمین متعددی داده نشده است، بلکه قاتلین شهیدان نیز آزادانه میگردند (مردم شهر موسوی رئیس سینه با ساداران و رئیس و معاون آموزش و پرورش را قاتلین فرزندان نشان میدانند) در این جلسه معلمین نورآباد با پشتیبانی مردم زحمتکش قطعنامه ای تهیه کردند. و خواستار اجرای مفاد آن تا ۲۲ دیماه گشتند. اگر دولت تا آن تاریخ به خواست آنان ترتیب اثر ندهند، معلمین بطور دسته جمعی استعفا خواهند داد. در این قطعنامه به دستگیری و محاکمه مسببین و عاملین گشتار ۸ آذر، آزادی دستگیرشدگان، بازگرداندن دانش آموزان اخراجی به مدارس، نامیستن خواستهای فرهنگی معلمین و... قید شده است. همچنین در این اجتماع تصمیم گرفته شد که

مراسم جهلم شهادت شهیدان با شکوه فسران و ان برگزار کرد.

در مقابل مبارزه و اعتراض خشم آلود مردم مقامات جمهوری اسلامی با توطئه و تهدید کوشش می نمایند که مردم شهر و بویژه با زمانندگان شهیدان را به سکوت وادار نمایند. ولی با جواب ندادن شکننده های زحمتکش مواخه میشوند. دادستانی "انقلاب" شورا با دبا احضار بیدریگی از شهدا از او میبازد که "فکر میکنی قاتل فرزندان کیست؟" وی با اشاره به رئیس یا ساداران و معاون آموزش و پرورش (موسوی و نامری مرتفع) میگوید "قاتل فرزندان ما اینها هستند" دادستان به بیدر شهیدان واداری میکند که "این حرف را نزنید بر این بنام بد میشود" پدر زحمتکش شهید میگوید "از این بدتر میکنی نیست، اگر من نتوانستم، دیگران انتقام خون فرزندانم خواهند گرفت"

برخوش با دشمنان بنده توده های زحمتکش!

ژاندارمهای شاه علیه انقلابیون

'ناهوئی' (سراوان - بلوچستان)
رژیم جمهوری اسلامی که از گسترش مبارزات توده ها وحشت دارد، ژاندارمهای آریا مهربی را در روستاها علیه انقلابیون و فعالیت آگاهان هرگز آنان بسیج کرده است. ژاندارمهای مزدور در روستای "ناهوئی" شبها به تعقیب رفقای هوادار سازمان بیکار می بردند و از علامه ها و بیوسترها و شعارهای آگاهی بخش سازمان را از دیوارها می کشند. این "دردان سرگرد" که سابقه "درخشانی" در سرکوب و جباول مردم زحمتکش روستاها دارند، انقلابیون را تهدید و تعقیب میکنند اما این تلاشها مانع از آن نخواهد شد که کمونیست ها حتی در دوران فتنه تریستن روستاها و با وجود شرایط سخت از فعالیت آگاهانه گرانه و افشاگران را زبمانند. آنها قاصدین رهائی هستند.

فرماندهان مزدور، از احساسات ضد امریکایی سربازان وحشت دارند

در نیمه های دیماه دانشجویان کروهان ۵، گردان ۲ با دیگان فرج آباد برای نشان دادن احساسات ضد امریکایی خود، کاریکای نوری از "عموم" و ژنرال هیگ کشیده و به دیوار زدند بودند. فرمانده کروهان به محض دیدن کاریکاتور فریاد میزد که "دانشجویان حق مداخله در

به استقبال جنبش اوجگیرنده توده ها بشویم

مبارزات هواداران سازمان برای بازگشایی دانشگاه در مشهد

هماهنگ با فعالیتهای سرتا سری سازمان در جهت گشودن دانشگاه سنگرمبارزاتی همیشه مستحکم، رفقای مادرشهرهای مختلف برنامهمای افشاگران و تسلیفی در اعتراض به برزخبر کشیده شدن دانشگاهها برقرار ساختند. در مشهد نیز، در روزهای ۲۲، ۲۱ دی برنامهمتسلیفی همراه با بحثهای روشنگرانهمبارزاتعمومی و پخش اعلامیههای در توضیح علل تعطیلی دانشگاه و لزوم مبارزه برای بازگشایی آن از طرف سازمان دانشجویان و دانشآموزان پیکار خراسان برگزار گردید. در روز ۲۳ دیماه تظاهراتی از میدان تقی آبا دتا دانشگاه پزشکی برگزار گردید که با استقبال تودههای مردم روبرو گردید.

در کلیه این فعالیتها رویزیونیستهای خائن توده ای و "اکثریت" بنا به وظیفه ای که دارند به دفاع از بورژوازی و حمله به کمونیستها می پردازند که با افشای گریه های قاطع رفقای ما روبرو شده و تقاب از چهره شان بر گرفته میشود.

تیروهای کمونیستی دیگر، در این کارزار افشاگرانهمبارزاتی تحرک چندانی نشان ندادند.

بقیه از صفحه ۸ کارخانه
دومین مسئله ضرورت افزایش آگاهی انقلابی و طبقه ای است. تنها در این صورت است که خواهیم توانست فرقی بین دوستان و دشمنان طبقه کارگر را بشناسیم. بخصوص که در شرایط کنونی جامعه دشمنان و خائنین به طبقه کارگر در لایه های مختلف و به اشکال مختلف (همچون عملکرد خائنین رویزیونیستهای اکثریت در کارخانه ها) مشغول تفریق افکنی در میان ما و منحرف کردن مبارزاتمان هستند. مسئله سوم این است که باید تمامی دشمنان طبقه کارگر (از رویزیونیستهای خائن روسی و آمریکایی گرفته تا دروازه داران و دستیاران جمهوری اسلامی و لیبرالها و نوکران امپریالیسم آمریکا نظیر بنیادین و...)، مرزبندی بنماییم. کارگران آگاه و انقلابی و طبقه دارندگان به افشای این خائنین به خلق پرداخته و کارگران نا آگاه و متوجه نیست به هریک از این مرتجعین را از اشتباه خود خارج کرده و با حوصله و اطمینان را برایشان تشریح نمایند. مثلا به کارگزارانی نظیر آن کارگر که با برکهرژیم حنا پیکار را به خاطر ابراهیم زریزم ضد مردمی کنونی میدانست باید توضیح داد:

همانطور که کارگران زمانیکه جامعه سرمایه داری برقرار است استثمار میشوند و در فقر و تنگدستی زندگی میکنند، سرمایه دار و رژیمن مافتنهم وظیفه اشان استثمار کارگران سرکوب مبارزاتشان میباشد. حال هر لایه ای که میخواهند به تن بکنند، در اصل مطلب ناشی نمیگردد، بنابراین لازم است که هر چه آگاهانه تر متحد سرمایه داران خود را بشناسیم

تظاهرات انقلابی هواداران سازمان در شهرهای مختلف

آمل - راهپیمایی برای بازگشایی دانشگاه

دلآوری زحمتکشان برای بازگشایی دانشگاه... نظا هر کسندگان فریاد میکشیدند "تعطیلی دانشگاه توطئه ارتجاع"، "آزادی سیاسی خواسته توده ها"، "بهشتی و بنی صدر، در سرکوب خلق متحد و برادر"، "دانشگاهها بس سنگر آزادی گشوده باید گردد". و...
در حین راهپیمایی منتهای تبلیغی گوناگونی در رابطه با علت تعطیلی دانشگاه و ضرورت بازگشایی مجدد آن و جنبش خلق قهرمان کرد و... خوانده میشد.

استقبال توده های برای خرید نظریات و گرفتار اعلامیه ها بسیار گریختنی و حمایت مردم از مبارزات انقلابی برای بازگشایی محسود دانشگاه میباشد.

هماهنگ با مبارزات سازمان برای بازگشایی دانشگاهها، روز ۲۳ دیماه راهپیمایی برشوری از طرف "سازمان دانشجویان و دانشآموزان پیکار" و "دانشجویان و دانشآموزان هواداران زحمتکشان" در آمل برگزار شد.

در این راهپیمایی که حدود ۱۰۰۰ نفر شرکت داشتند با پلاکاردهای افشاگران و شعارهای انقلابی بر علیه هیات حاکمه و امپریالیسم و برضد "انقلاب فرهنگی" ارتجاع و خواست بازگشایی مجدد دانشگاه و پیشتیبانی از خلق کرد و... توانست توجه وسیع توده ها را برانگیزد. پلاکاردهای راهپیمایی عبارت بودند: "علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها"، "گرمای ما با داور



تظاهرات و راهپیمایی رفقای هوادار در زاهدان

با ردیگر مهربان کبیزبندند. این تظاهرات که پیش از یک ساعت طول کشید مورد استقبال زحمتکشان قرار گرفت مردم زحمتکشان اعلامیه ها را با علاقه گرفته و در بار آنها بحث میکردند. چند نفر با ش کوشیدند تظاهرات را برهم بزنند که در اثر برخورد اصولی مردم ناکام ماندند.

رفقا با شعارهایی چون "علیه حزب جمهوری علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها"، "خوانین، لیبرالها، جمهوری اسلامی دشمن خلق بلوچ - زحمتکشان ایران حامی خلق بلوچ"، "دانشگاهها بس سنگر آزادی، بهمت توده ها، گشوده باید گردد"، "زندانی مبارز بهمت توده ها آزادی باید گردد" و... به افشای رژیم جمهوری اسلامی و همسنگی با خلقهای مبارز ایران پرداختند.

بمنقل با اختصار از نشریه بلوچ شماره ۵۸
نشریه تشکیلات بلوچستان

۲۳ دی امسال در حالیکه بیش از ۹ ماه از تعطیلی دانشگاه توسط رژیم جمهوری اسلامی میگذرد مبارزه نیروهای انقلابی و توده های زحمتکشان جهت بازگشایی دانشگاهها و جی دیگر یافت و در همین رابطه اعلامیه ها و تراکت های از طرف سازمان و رفقای هوادار در سطح منطقه پخش شد و همچنین تظاهراتی برگزار گردید. روز پنجشنبه ۲۵ دیماه تظاهراتی از طرف سازمان دانشجویان و دانشآموزان پیکار در چهارراه رسولی زاهدان برگزار گردید. این تظاهرات فرا رسود در روز ۲۳ دیماه برگزار شود که به علت توطئه های رژیم و احتمال سوءاستفاده از طرف ارتجاع محلی سوبژه مولوی عبدالملک به روز بختنسته موکول گردید.

در این روز زحمتکشان با ردیگر چشم خود دندند که کمونیستها با قامتی استوار بی ترس از مرگ و زندان در زیر چتر سیاه خفا ن بپایا خوانستند تا عشق خویش را به زحمتکشان و کینه و بد رفتاریان نسبت به ارتجاع و امپریالیسم

سقه از صفحه ۳۳ با آزادی...

مسئله مبارزه با امپریالیسم حل میشود. اما چنین سخنان خائسانه‌ای حرفیست بوده‌ها نیست چرا که تنها در یک مبارزه انقلابی امپریالیسم را میتوان افشا ساخت و قول و قرار گرفتن نه تنها چیزی را حل نمیکند، بلکه توده‌ها را میفرسند که گویا امپریالیسم قول و قرارش را نمیدهد. البته ما در اینجا نمیخواهیم در این باره بحث کنیم، تنها به این اشاره میکنیم که آمریکا حتی این شرط مجلس را نیز نپذیرفت ولی کروگها آنها را آزادند. در قرار داد میخوانیم:

"ایالات متحده آمریکا تعهد می‌دهد که سیاست ایالات متحده بین است و از این پس این خواهد بود."

ما هم که در پیکار ۸۰ همین را گفتیم، و انما که تعهد آمریکا این بوده و خواهد بود! راستی جمهوری اسلامی میخواهد با این اراجیسف امپریالیست‌ها توده‌های ما را بفریبد، آیا اگر امپریالیسم دیگر کشورها را زیر نقیاد اقتصاد سیاسی و... در دنیا ورد، دیگر میتواند امپریالیستی وجود داشته باشد؟ و جالب اینجا است که رژیم جمهوری اسلامی همان اصول خائسانه مجلس را نیز اجرا نکرد.

ب- رژیم جمهوری اسلامی در طی ۱۴ ماه اخیر ادعا کرده که آخرین دینار را ممالش را از آمریکا تکسیردستی هم از آزادی جاسوسها در میان نخواهد بود. ما در همان هنگام گفتیم که این نمیتواند مبارزه امپریالیستی باشد، چرا که تنها نیروی میتواند ادعای مبارزه علیه امپریالیسم کند که با یکا هدالیش سرمایه داری وابسته و ارتش و دولت حامی آن مبارزه نماید، اما جالب اینجا است که همین شعار هم که برای فریب توده‌ها مطرح میشد، اکنون به کماری رهانده و نویی در مصاحبه زادیونلو بیونی- این در ۲۹ دیماه میگوید، اما با پولی از شاه در آمریکا نمانده که بگیریم و بدین ترتیب با زین گرفتن اموال شاه هم عملی نمیشود (و از ما هیست چنین رژیمی جز اینها منتظاری نمیرود) جالب اینجا است که دولت جمهوری اسلامی قبلا حداقل ۱۰ میلیارد دلار بعنوان اموال شاه از آمریکا مطالبه کرده بود و بیک کلام، جمهوری اسلامی حداقل ۱۰ میلیارد دلار را به امپریالیسم آمریکا بخشیده است.

ج- رژیم جمهوری اسلامی که تمام ادعاهایش در مورد ما که ما سومان، ما کما امپریالیسم، قطع روابط اقتصادی و... امپریالیسم، گرفتن اموال شاه از پریا نهاد ما به ما عمل با امپریالیسم برود با واقعت انما ادعا میکند که سیرده‌های ایران را که به پس نامیمون رژیم جمهوری اسلامی بسیار بسیار "فدا میرالیست!!" در ۱۰ ماهه پس از انما سیردربا نکهای آمریکا نگهداری میشد، ما پس گرفته است. اما این دروغی بیش نیست طبق گفته‌های خود رژیم ۸۰، میلیار دلار و ۲/۲ میلیار دلار، در تصرفه اسیرده‌های بولی ایران

بود و خود چه امپریالیسم را دلار کلا که بولسش پرداخت شده بود، یعنی جمعا ۱۴ میلیار دلار، نویی در مصاحبه ۲۹ دیماه آنکارا اعتراف کرد که ۲/۲ میلیار دلار بول و چهار میلیار دلار کلا فعلا نزد امپریالیسم آمریکا باقی میماند تا با حکمت حل شود. (یعنی کشت!) و پس رژیم جمهوری اسلامی با بوق و کرنا اعلام کرد که ۸ میلیار دلار به حساب ایران واریز شده است. اما خبری نقل از کیهان ۱ بهمن رسوا بیان را رسوا نمیکند:

"تنها ۲/۸۸ میلیار دلار به ایران تعلق گرفت که این مبلغ معادل تقریبا یک چهارم بولی بود که ایران ادعا میکرد در آمریکا متوقف شده است." "قبه تا ۸ میلیار دلار بعنوان غرامت به کمپانیهای امپریالیستی پرداخت شده است به هم آنها که پس از کروگها تکسیر اعلام کردند تحریم اقتصادی به آنها فرورزده و جمهوری اسلامی باید غرامت سپرد از آزادی ۵/۵ میلیار دلار ثروت ایران به یمن نامیمون رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به شک "بانکهای خصوصی آمریکایی و نیزه ۳۰ شرکتی که ادعای خسارت کرده اند" (کیهان اول بهمن) سرازیر میشود. آیا رژیم جمهوری اسلامی پس از این خیانت آشکار و باج بزرگ امپریالیسم میتواند ندوده ۵۰۰ هزار بفریبد، آیا از این غارت بزرگتر امپریالیسم بخواب هم میدید؟

آری رژیم جمهوری اسلامی واقعا با کروگها تکسیر امپریالیسم را بزرگتر آورد آنگاه ما مبارزه علیه سرمایه داری وابسته و حکومت حامی آن، بلکه با پرداخت ۲۱ میلیارد دلار باج به امپریالیسم سربوب انقلاب و کوشش روز افزون در مبارزه داری وابسته

سوم: الحزب و دلال سیاسی

مسئله کروگها تنها، تنها منت جمهوری اسلامی را با زنگرد، بلکه دولت سرمایه داری الجزایر را نیز که به سیمس جهانی سرمایه داری وابسته است، رسوا ساخت، الجزایر از هیچ کوششی برای ساخت و پاخت ایران و آمریکا و سیرای اجاد مقدمات وابسته ترک کردن ایران به آمریکا دریغ نکرد. این اولین بار نبود که الجزایر بدلالی میکرد. قبلا سیراوسین رژیمهای ارتجاعی شاه خا ش و صدام حسین در ۱۹۷۵ همین نقش را بازی کرده بود. خلقهای قهرمان ایران و الجزایر توسطه‌های تنگین دولت ارتجاعی الجزایر آرد لالیش برای وابسته ترک کردن ایران به آمریکا و سیراوسینکی میان شاه و صدام را نخواهند بخشید. از روزیونیستهای خائسانه توده‌ای و فداش (اکثریت) که مداح بسیاری از رژیمهای سرمایه داری هستند، انتظار می‌جاس نمیرود. اما سازمان مجاهدین خلق با بستنی پاسخ دهد، چگونه چنین رژیمی را انقلابی و مترقی میداند، سازمان مجاهدین با بستنی پاسخ دهد، نقش الجزایر در این دلالی سیاسی چه بوده و این نقش خائسانه چه ارتباطی با ما هست سرمایه داری دولت الجزایر بردارد؟

چهارم: لیبرالها، ارجو حال در پوست

نمی‌گنند

لیبرالها که زهان ابتدا خواهان آزادی فوری کروگها تنها بودند، اینک که جناح حزب با خفت و خواری کروگها تنها را با پرداخت باج کلانی به امپریالیسم آردا ساخته، سروصدایشان بلند شده است. لیبرالهای خائسانه جبهه ملی در شماره اخیر ورق پاره بهام جبهه ملی سخن از "مبارزه علیه امپریالیسم" به میان آورده اند. راه حلهای حزبها برای آزادی کروگها تنها را بضر مردم میدانند. انقلاب اسلامی نیز در شماره اول بهمن خود صحن چاپ مقاله‌ها ل گذشته یعنی صدر اعلان میکند که جناح حزب مسئله را از موضع ضعف حل کرده است. با یدیه توده‌ها بگوئیم لیبرالها دارند فیلم بازی میکنند. آنها برای بدست آوردن موقعیتی بهتر در حکومت به فریبکاری توده‌ها می‌پردازند و در حالیکه بغا طس آزادی کروگها تنها در پوست نمی‌گنجد و در آزادی روابط بهتر با امپریالیسم سیر می‌برند، در تبلیغات خود، طوری وانمود میکنند که از حزبها "فد امپریالیست‌ترین و اگر حل مسئله کروگها تنها بمعهد آنها بوده‌اند از حزبها اینقدر "واستی دادند". اما توده‌های ما میدانند که حزب و لیبرالها هر دو بدترند و هیچیک بهتر از دیگری نیست

پنجم: چگونه سازش‌نگین رژیم را افشا کنیم

در خاتمه با ید بگوئیم که در تبلیغات خویش با بستنی سیراوسینکی رژیم، بر دروغها و وعده‌های که به توده‌ها دادند مبارزه علیه امپریالیسم را متحرک کند و طبق ما هیست طبقا تیش به آن عمل نیز نکرد، بر اهداف ضد انقلابیش در کروگها تکسیر و همینطور آزادی جاسومان انگشت بگذاریم، تبلیغ از این موضع که رژیم حتی قرارهای مجلس را نیز اجرا نکرد و با قولهایش را که به توده‌ها داد اجرا ساخت تنها با توضیح کامل علت کروگها تکسیر و ما هیتر رژیم با بستنی صورت گیرد. در غیر اینصورت تبلیغ جنبه فریبستی مییابد، اگر بگوئیم که مثلا اگر خواستهای مجلس اجرا میشد، اقدامی بحق بود و با مثلا رژیم مییابستی کروگها تنها را محاکمه میکرد و... ما با بستنی به توده‌ها توضیح دهیم که مبارزه علیه امپریالیسم به بوسیله این رژیم ارتجاعی، بلکه تنها بوسیله دولتی انقلابی ممکن است و بدین ترتیب انتظار داشتن از چنین رژیم برای کوچکترین مبارزه ضد امپریالیستی در واقع چشم پوشیدن از امر انقلاب توده‌هاست. در بحثها، نظا هرات موضعی و... با یدیه توده‌ها بگوئیم حزبها جزا کروگها تکسیر کردند! لیبرالهای خائسانه بستنی را در نهان کردند؟ چرا این رژیم نمیتواند ضد امپریالیست باشد؟ چرا این رژیم از گرفتن حتی اموال شاه و سیرده‌های ایران عاجز است و چرا برای سازش با امپریالیسم باج هنگفت چند میلیار دلار می‌دهد و آزادی کروگها تنها چرا نتایج محتوم سیاستهای ضد خلقی رژیم است؟ آزادی کروگها تنها پیش از پیش رژیم را نزد توده‌ها رسوا ساخته است. با تبلیغات وسعتر و افشای هر چه بیشتر رژیم بگوئیم توده‌ها را بیشتر وسعتر جذب انقلاب ما شوم.

با آزادی

جاسوسان آمریکائی:
بازی تمام شداول : حزب جمهوری بکجا از اهدافش
در گروگانگیری رسید ؟

سازمان ما، از همان اوائل گروگانگیری (علیرغم انعکاس انحراف بر است در روزهای اول) همواره اهداف ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی از گروگانگیری را افشا ساخته است. ما از همان ابتدا گفتیم که:

او یکبازی مبارزات بوده، مبارزات سراسری گروگان بیکار، جنبش مقاومت قهرمانان خلق کرد، جنبش دانش آموزی، زحمتکشان بی مسکن، صیادان انزلی و... رژیم را به هراس افکند. حزب جمهوری اسلامی برای منحرف کردن مبارزه بوده، بر علیه سرما به داری وابسته نقشه چید، اما این تمام دلیل نبود. حزب جمهوری اسلامی با لیبرالها و آمریکا علیرغم وحدتشان در مقابل انقلاب دارای اختلافاتی نیز بودند، (ایستاد) اختلاف چیزی جز دعوا میان دزدها نبود (و از طرف دیگر وحدتشان جنبه غالب داشت. شدت مبارزه طبقاتی بر اختلافات آنها می افزود بدین ترتیب حزب جمهوری برای بائین کشیدن لیبرالها از سرکردگی حکومت و به تبعیت خویش در آوردن آن در پی چاره بود.

او فکر میکرد با اشغال لانه جاسوسی کاسلا اهداف خود را برآورده میکند، یعنی بسا دادن شعارهای دروغین خدا میریایستی، توده ها را می فریبید، انقلاب توده ها سوزنه جنبش مقاومت خلق کرد را سرکوب میکنند و نیز قافا در می شود لیبرالها را از سرکردگی حاکمیت بائین بکشند به آمریکا که بیشتر از لیبرالها حمایت میکرد ضربت نشان دهد.

امروز حزب جمهوری اسلامی سرکردگی حاکمیت را بدست آورده و بدین ترتیب به یکی از خواسته های خود جامعه عمل پوشا نداده است. همچنین حزب موفق شد، برای مدتی از کاهش توهم توده ها نسبت به خود جلوه گیری کرده و از درغلطیدن کامل به سراشیب انفرادی جلوه گیری کند. اما او یکبازی بیش از پیش انقلابی و روز بروز سوا تر ساخته و اینک میسوان گفت که بخش بسیار عظیمی از توده ها دیگر کاملاً ما هیت ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی را در پافته اند و عیارت دیگر هر چند حزب در کوتاه مدت توانست توده های وسیعی را با واقعیت سفاکت بسوی خویش بکشند و زدا منته گرفتن بیشتر و بیشتر مواج اعتلا تا حدودی

یادداشت های
سیاسی
هفت گانه

تلوکمیرد، اما در مدتی نه چندان دراز، بوده ها دستان آلوده به خویش را در سرکوب مسارزات کارگران و زحمتکشان، خلق کرد، سرکشان، دانشجویان انقلابی و کمونیست، همدست با لیبرالها و در جهت منافع امپریالیسم دیدند و در پس دروغهای رژیم چهره کره به سروری حافظ منافع امپریالیسم را مانده کردند. بدین ترتیب هر چند حزب توانست خود را بگریزاند لیبرالهای خاش بمانند سرکرده ها کمیت کردند، اما آنطور که خود می پنداشت، گروگانگیری به کشیدن توده های وسیع برای مدتی دراز بسوی حزب و خفه کردن انقلاب منحرف گردید و آنست انقلاب از زیر خا کسپه های سرکوب، کشتن سار، خفغان، ربا و دروغ و تزویر لیبرالها و حزبهای خاشن زیبا نه کشیده و میگذرد. بدین ترتیب حزبها نیز برای مقابله با آتش انقلاب اینک راه حلی را که لیبرالها از پیش ارائه میدادند پذیرفتند. حزبها که می پنداشتند با افزایش توهم توده ها بهتر میشود سرما به داری وابسته را با زسازی کرد اینک می پذیرند که وجود گروگانها که موجب تیره شدن روابط امپریالیسم با ایران گردیده (هر چند که امپریالیسم همچنان مجاز بوده از طریق سرما به های وابسته کارگران و زحمتکشان ما را غارت کند) و تحریم اقتصاد و... را بدنیال داشته، بخرن تحکیم و تثبیت رژیم سرما به داری وابسته به امپریالیسم میگردد. از اینرو تصمیم به آزادی گروگانها گرفتند. اینک سرکرده جدید حاکمیت نیا زداشت روابط خود را با امپریالیسم عادی سازد و از برخی مخالفتها ی خود با آمریکا بکاهد، چرا که صنایع وابسته و تانین اسلحه به

قابل توجه
نشریات محلی سازمان

رفقا! در نشریه پیکار، ارگان مرکزی سازمان، برخی افشاگریها و مطالب مهم و حساب تبلیغی را با ۳ ستاره مشخص میکنیم تا مجدداً بوسیله رفقا در سرا سرکورتکنیتر کرد دولتی نشریات محلی کمتر آنها را منعکس میکنند. از رفقای مسئول نشریات محلی میخواهیم که در تکثیر مطالب ستاره دار حتماً اقدام کنند.

جنبش روا بطی و تحکیم سرما به داری وابسته و غارت زحمتکشان احتیاج داشت.

جنبش بود که جمهوری اسلامی به خفت بار - ترس اقدامات تن داد، تا نازش خاشا نسه ای را برای وابستگی بیشتر به امپریالیسم تدارک ببیند.

دوم: باج ۲۱ میلیارد دلاری جمهوری
اسلامی به امپریالیسم آمریکا

دروغ، در کتا را خفاقتی که بر سر شیوه سرکوب (چنان بویا جاق و تان شیرینی) و بر سر شیوه بازی سرما به داری وابسته میان حزب و لیبرالها و آمریکا یعنی میان دشمنان توده ها وجود داشت، مسئله اصلی که همواره چه در گروگانگیری و چه در آزادی کردن گروگانها بمعنوان قانون اصلی مشخص میشود، ضدیت حاکمان قدرت با انقلاب است. در آزادی گروگان - گیری این مسئله بصورت منحرف کردن مبارزات توده ها بر علیه سرما به داری وابسته، ارتش و دولت حاکمی منافع امپریالیسم و فریب توده ها جلوه کرد در خالیکه اینک این مسئله بصورت ساری سنگین با امپریالیسم برای خرید سلاح از امپریالیسم (برای کشتن زحمتکشان، خلق کرد و انقلابیون و نیز زمین سر آتش جنگ غیر - عادلانه کنونی) و نیز گسترش روابط استعمار - گرانسه اقتصادی برای برآه انداختن صنایع وابسته و تحکیم سرما به داری وابسته انجام میگیرد. و در این راه حتی باجی گران نیز به امپریالیسم معنوان مقدمه ای برای وابستگی بیشتر به امپریالیسم و ساری سنگین برداخت میشود.

آمریکا که از ماهیت طبقاتی رژیم جمهوری اسلامی اطلاع داشت و حفظ و حراست منافعش را در ایران (سرما به ها و صنایع وابسته) بدست حزبها و لیبرالها مانده میکرد، میدانست که جمهوری اسلامی برای سرومان دادن به سرما به داری وابسته به هر خفتی تن میدهد و بدین ترتیب شرایطی را به رژیم جمهوری اسلامی تحمیل کرد که بسیار سنگین تر و خفت بار تر از شرایط مجلس شورای اسلامی بود اما قبلاً در مورد "ها هی بسیار بر سر هیچ بودن خواسته های حشر مجلس شورا برای نازش با امپریالیسم سخن گفته ایم (پیکار ۸۵)، اینک نشان میدهم که چگونه در ساری بزرگ جمهوری اسلامی باجی بزرگ به امپریالیسم میپردازد و دخا ننتی بزرگ و تاریخی را بنا خود به ثبت میرساند.

الف - در افشای خواسته های حشر مجلس شورا گفتیم که درخواست از آمریکا که قول و قرار بدهد که در ایران دیگر دخالت نمیکند، چیزی جز خاک پاشیدن به چشم توده ها نیست، چرا که بدین ترتیب به توده ها گفته میشود با قول گرفتن از امپریالیسم

بقیه در صفحه ۳۱

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست